

بِقَدْرِ اللَّهِ
ظَهَرَ الْكَوْمُ
وَبَيَّنَّ الْفَنُونُ

مہر وی

پرتوی از آیہ ہامی

محسن قرائتے

بہ کوشش حسن ملائی

عَلَّمَ الْغُلَامَ

پرتوی از آیه‌های مهدوی

محسن قرائتی

به کوشش محسن ملایی

سرشناسه	:	قرائتی، محسن، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	:	پرتوی از آیه‌های مهدوی / محسن قرائتی؛ به کوشش حسن ملایی.
مشخصات نشر	:	قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۲۵۶ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۴-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۵۱ - ۲۵۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	:	محمدین حسن (عج)، امام دوازدهم، ۱۲۵۵ ق. - جنبه‌های قرآنی
موضوع	:	مهدویت - جنبه‌های قرآنی
شناسه افزوده	:	ملایی، حسن، ۱۳۵۶ - گردآورنده
رده بندی کنگره	:	BP ۱۰۴ ۱۳۹۲ ۱۰۴ ق ۲۵ م /
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۳۹۶۵۳۵

پرتوی از آیه‌های مهدوی



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
انتشارات

- مؤلف: محسن قرائتی
- به کوشش: حسن ملایی
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
- ویراستار: زینب احمدیان
- صفحه‌آرا: سید مجتبی میررضوی
- طراح جلد: عباس فریدی
- نوبت چاپ: چهارم / بهار ۱۳۹۸ (چاپ اول ۱۳۹۲)
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۴-۹
- شمارگان: پنج هزار نسخه

• قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

تمامی حقوق - رزق ا.ب.

- قم: خیابان شهلا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰ / نمایر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳
- تهران: خیابان انقلاب / خیابان قدس / خیابان ایتالیا / پ: ۹۸ / تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰ / نمایر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

- www.mahdaviat.ir
- info@mahdaviat.ir
- Entesharatbonyad@chmail.ir

«فهرست مطالب»

مقدمه	۱۰
سوره حمد	۱۳
آیه ۴ / امام مهدی (ع) صراط الهی	۱۴
آیه ۷ / ضرورت معرفت به امام زمان (ع)	۱۷
سوره بقره	۲۱
آیه ۳ / معنا و علت غیبت امام زمان (ع)	۲۲
آیه ۲۷ / امام مهدی (ع)، عهد الهی	۲۸
آیه ۳۰ / امام زمان (ع)، خلیفه الهی	۳۰
آیه ۱۲۴ / امام مهدی (ع)، منصوب و منتخب خدا	۳۲
آیه ۱۴۸ / تعداد یاران امام زمان (ع)	۴۲
آیه ۱۵۵ / عصر غیبت و امتحانهای گوناگون	۴۴
آیه ۱۵۶ / صبر بر مشکلات عصر غیبت و راه کسب آن	۴۸
آیه ۱۵۷ / برکات صبر در عصر غیبت	۵۴
آیه ۱۹۶ / حج و امام مهدی (ع)	۵۷
آیه ۲۴۳ / رجعت در عصر ظهور	۶۲
آیه ۲۴۹ / امتحان برای انتخاب یاران امام زمان (ع)	۶۵

آیه ۲۶۹ / معرفت امام زمان علیه السلام مصداق بارز حکمت	۷۴
سوره آل عمران	۷۷
آیه ۱۲۵ / ظهور و شرایط امدادهای غیبی	۷۸
آیه ۲۰۰ / رابطه با امام زمان علیه السلام	۸۱
سوره نساء	۸۵
آیه ۵۸ / امام مهدی علیه السلام امانت الهی	۸۶
آیه ۵۹ / اطاعت از امام زمان علیه السلام	۸۹
آیه ۶۹ / امام زمان علیه السلام رفیق مهربان	۹۴
آیه ۱۵۹ / امام مهدی علیه السلام و حضرت مسیح علیه السلام	۹۷
سوره مائده	۹۹
آیه ۴۴ / ولایت فقیه در عصر غیبت	۱۰۰
آیه ۵۴ / ویژگی‌های یاران حضرت مهدی علیه السلام	۱۰۶
سوره اعراف	۱۱۱
آیه ۷۱ / فضیلت و معنای انتظار	۱۱۲
آیه ۹۶ / زمینه‌سازی برای ظهور	۱۱۵
آیه ۱۸۷ / زمان ظهور امام زمان علیه السلام	۱۲۰
سوره انفال	۱۲۳
آیه ۱۲ / امام زمان علیه السلام منصور به رعب	۱۲۴
سوره توبه	۱۲۷
آیه ۳۲ / دشمنان اسلام و مهدویت و شگردهای آنها	۱۲۸
آیه ۳۳ / حتمیت حکومت اسلام بر جهان	۱۳۲
آیه ۵۲ / شهادت‌طلبی منتظران	۱۳۴
سوره هود	۱۳۵

آیه ۸۶ / حضرت مهدی علیه السلام و لقب بقیة الله	۱۳۶
سوره یوسف	۱۳۷
آیه ۵۸ / حضرت مهدی علیه السلام و حضرت یوسف علیه السلام	۱۳۸
سوره رعد	۱۴۱
آیه ۷ / ضرورت وجود امام زمان علیه السلام	۱۴۲
سوره نحل	۱۴۹
آیه ۱ / عدم شتابزدگی در طلب ظهور	۱۵۰
سوره اسرا	۱۵۳
تلاوت سوره اسرا و افتخار یاری امام زمان علیه السلام	۱۵۴
آیات ۴ الی ۷ / یهود و مهدویت	۱۵۵
آیه ۳۳ / حضرت مهدی علیه السلام و انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام	۱۶۰
آیه ۷۱ / محشور شدن با امام زمان علیه السلام در قیامت	۱۶۴
سوره کهف	۱۶۷
تلاوت سوره کهف و رهایی از فتنه‌های آخرالزمان	۱۶۸
آیه ۱۳ / اصحاب کهف، الگوی جوانان مهدوی	۱۷۰
آیه ۴۱ / چشم‌انداز حکومت مهدوی	۱۷۲
سوره انبیاء	۱۷۷
آیه ۱۰۵ / حتمی بودن حکومت جهانی مهدوی	۱۷۸
سوره حج	۱۸۱
آیه ۶۵ / امام زمان علیه السلام ، امنیت‌بخش زمینیان	۱۸۲
سوره نور	۱۸۵
آیه ۳۵ / حضرت مهدی علیه السلام ، نور الهی	۱۸۶
آیه ۵۵ / غدیر و مهدویت	۱۹۰

آیه ۵۵ / غدیر و مهدویت	۱۹۰
سوره نمل	۱۹۵
آیه ۶۲ / امام زمان علیه السلام ، مضطرّ حقیقی	۱۹۶
سوره قصص	۱۹۹
آیه ۵۵ / امام زمان علیه السلام و پایان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام	۲۰۰
سوره عنکبوت	۲۰۳
آیه ۱۴ / مسأله طول عمر امام زمان علیه السلام	۲۰۴
سوره لقمان	۲۰۷
آیه ۲۰ / امام زمان علیه السلام ، نعمت الهی	۲۰۸
سوره فتح	۲۱۱
آیه ۱۰ / بیعت با امام زمان علیه السلام	۲۱۲
سوره واقعه	۲۱۷
آیه ۷۹ / قرآن در حکومت امام زمان علیه السلام	۲۱۸
سوره حدید	۲۲۳
آیه ۱۷ / حضرت مهدی علیه السلام ، احیاگر زمین با عدالت	۲۲۴
آیه ۱۹ / منزلت منتظران ظهور	۲۲۸
سوره صف	۲۳۱
آیه ۹ / رمز پیروزی اسلام و امام زمان علیه السلام	۲۳۲
سوره ملک	۲۳۵
آیه ۳۰ / طولانی بودن غیبت امام زمان علیه السلام	۲۳۶
سوره قلم	۲۳۹
آیه ۱۵ / خرافات جلوه دادن اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام توسط دشمنان وی	۲۴۰
سوره مدثر	۲۴۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

به لطف خداوند و عنایت امام زمان علیه السلام، حدود ۵۰ سال است که به امر تبلیغ دین برای عموم مردم به ویژه نسل جوان مشغول هستم و علاوه بر مباحث درسهایی از قرآن که هر هفته از تلویزیون پخش می شود، یک دوره اصول عقاید، فروع دین و تفسیر قرآن به نگارش درآورده ام که همه ی آنها در نرم افزاری تحت عنوان مجموعه آثار جمع آوری و منتشر گردیده است.

حجت الاسلام والمسلمین حسن ملایی از فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، به سفارش انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام مطالب مرتبط با عنوان کتاب را از مجموعه آثار بنده استخراج و پس از تدوین، به شکل حاضر عرضه کرده اند.

امید است تلاش ایشان مورد قبول حضرتش واقع شده و برای خوانندگان مفید واقع شود.

محسن قرائتی

مقدمه

قرآن کریم، چراغی نورانی است که با وجود گذشت ده‌ها قرن از نزول مبارک آن، هنوز هم که هنوز است پرتوهای درخشان آن، مسیر حق طلبان را در طول تاریخ روشن کرده و در آینده هم، چنین خواهد بود. در این کتاب آسمانی و بی‌نظیر، آینده‌ای روشن به بشریت نوید داده شده است که با سیطره دین حق و البته توسط امام حق و یاران صالحش بر تمام جهان محقق می‌شود. بدین سان فرهنگی به نام مهدویت بر محور امام مهدی شکل گرفت که مجموعه‌ای است از باورها، ارزشها، نمادها، رفتارها، وقایع و هر آنچه که به امام زمان و جایگاه و حکومت و غیبت و ظهور وی مربوط است.

«پرتوی از آیه‌های مهدوی» نگارشی است ساده، اما گویا و مستند از مهم‌ترین آیه‌های قرآنی که درباره معارف مهدوی بوده و توسط حضرت حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی در آثار مکتوب و نیز در طول بیش از سه دهه، در ضمن برنامه درس‌هایی از قرآن به دوست‌داران امام عصر علیه السلام ارائه شده و اینک با حفظ قالب پر جاذبه تبلیغی ایشان، تدوین یافته است.

در این مجموعه علاوه بر این که آیه‌های مهدوی به ترتیب سوره‌های قرآنی استخراج و به نکته‌های هر کدام پرداخته شده، تلاش شده است تا در کنار هر آیه، یکی از موضوع‌های خاص معارف مهدوی متناسب با آن آیه نیز طرح گردد و بدین گونه برای مشتاقان مباحث مهدوی، دو مجموعه ترتیبی و موضوعی از این معارف با زبانی دقیق اما

ساده، فراهم آمده که همین امر، این اثر را از دیگر آثار مهدوی، ممتاز نموده است. در پایان لازم می‌دانم از استاد بزرگوار حجت الاسلام و المسلمین قرائتی که در ضمن گفتگوهای با حمایت‌های معنوی و نکته‌های راهبردی در به ثمر رساندن این اثر سهم داشته‌اند قدردانی نمایم.

قم مقدسه - تدوین‌گر: حسن ملایی

سوره حمد

امام مهدی علیه السلام صراط الهی

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۱

«[خداوند!] ما را به راه راست هدایت فرما.»

نکته‌ها:

۱. درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم‌ترین خواسته یکتاپرستان از خداوند است: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ... اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»
 ۲. برای دستیابی به راه مستقیم، باید دعا کرد: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».
 ۳. امام عصر، صراط الهی است. مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «صراط چیست؟» فرمود: «هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمَا صِرَاطَانِ صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَصِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ وَ أَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةُ مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهَدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ»^۲
- صراط راهی به سوی شناخت خدای بزرگ است، و آن دو گونه است؛ صراطی در این دنیا و صراطی در آن دنیا. اما صراط دنیا امام است که فرمانبرداری از او واجب می‌باشد؛ هرکس در دنیا او را شناخت و رهنمودهای او را به‌کار بست، از صراط آخرت - که پلی روی جهنم است - خواهد گذشت، و هرکس در این‌جا امام خود را نشناخت، هنگام گذشتن از صراط آخرت، گامش خواهد لغزید و در آتش دوزخ خواهد افتاد».

۱. سوره حمد، آیه ۴.

۲. معانی الأخبار، ص ۳۲.

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» فرمود: «الطَّرِيقَ وَ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ»^۱ صراط مستقیم درخواست راهیابی به راه و معرفت امام است.

۵. راه‌های متعددی در برابر انسان قرار دارد و او باید یکی را انتخاب کند:

– راه خواسته‌ها و هوس‌های خود

– راه انتظارات و توقع‌های مردم

– راه وسوسه‌های شیطان

– راه طاغوت‌ها

– راه نیاکان و پیشینیان

– راه خدا و اولیای خدا

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می‌کند که بر دیگر راه‌ها امتیازاتی دارد:

الف) راه الهی ثابت است؛ برخلاف راه طاغوت‌ها و هوس‌های مردم و هوس‌های شخصی که هر روز تغییر می‌کند.

ب) یک راه بیش‌تر نیست؛ در حالی که راه‌های دیگر متعدد و پراکنده‌اند.

ج) انسان در پیمودن راه الهی، به مسیر و مقصد، مطمئن است.

د) در انتهای این مسیر، شکست و باخت وجود ندارد.

۶. خداوند در قرآن کریم، دین پابرجا و استوار خود را «راه مستقیم» معرفی کرده است.^۲ در روایات نیز آمده است که امامان معصوم علیهم السلام فرموده‌اند: «ما راه مستقیم

هستیم».^۳ یعنی هم نمونه عینی و عملی راه مستقیم، و هم بهترین اسوه و الگو در پیمودن این راه، رهبران آسمانی هستند. آنان در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح، علاقه به فرزند و... نظر داده و ما را

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸.

۲. «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». سوره انعام، آیه ۱۶۱.

۳. تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۲۰.

به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند.^۱ جالب آن‌که ابلیس نیز در همین صراطِ مستقیم به
کمین می‌نشیند.^۲

۱. در این باره رک: اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات.

۲. شیطان به خدا گفت: «لَأُقْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ». سوره اعراف، آیه ۱۶.

ضرورت معرفت به امام زمان علیه السلام

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾^۱

«[خداوندا! ما را به] راه کسانی که آن‌ها را مشمول نعمت خود ساختی [هدایت کن] نه به راه غضب‌شدگان و گمراهان!»

نکته‌ها:

۱. این آیه راه مستقیم را راه کسانی معرفی می‌کند که مشمول نعمت الهی شده‌اند و عبارت‌اند از: انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین.^۲ توجه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کج‌روی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می‌دارد. انسان مؤمن بعد از این درخواست، از خداوند تقاضا می‌کند که او را در مسیر غضب‌شدگان و گمراهان قرار ندهد؛ زیرا بنی‌اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجاجت، گرفتار غضب شدند.
۲. امام صادق علیه السلام در ضمن تفسیر این آیه فرمود: «الضَّالِّينَ الشَّاكُّوْنَ وَالَّذِينَ لَا يَعْرِفُونَ الْإِمَامَ؛ ضالین و گمراهان، شکاکان و کسانی هستند که امامشان را نمی‌شناسند».^۳
۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث ثقلین که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، فرمود: «إِنَّ

۱. سوره حمد، آیه ۷.

۲. ﴿مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ﴾؛ «کسانی که خدا و رسول را پیروی کنند، آنان با کسانی هستند که خدا آن‌ها را نعمت داده است، از پیامبران، راستگویان، شهدا و صالحان». سوره نساء، آیه ۶۹ و سوره مریم، آیه ۵۹.

۳. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۹.

تَمَسَّكْتُمْ بِهَا لَنْ تَضِلُّوا؛^۱ اگر همراه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام باشید، گمراه نمی‌شوید». این گمراهی، همان است که در آخر سوره حمد از خدا می‌خواهیم که ما را از آن دور کند: *غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ*.^۲

با این بیان، ضالین دو دسته‌اند: یک عده، کسانی که با اهل بیت علیهم‌السلام هستند، اما قرآن را رها کرده‌اند، و عده دیگر، کسانی که قرآن را گرفته‌اند، اما از اهل بیت علیهم‌السلام جدا شده‌اند؛ چراکه پیامبر در حدیث ثقلین تصریح می‌کند که اگر به هردوی این‌ها تمسک نکنید، گمراه می‌شوید. مثل ریل‌های قطار، که اگر دو ردیف باشد، قطار حرکت می‌کند، اما اگر یک ردیف باشد، قطار از ریل خارج، و در نتیجه نابود می‌شود.

پس اگر در نماز می‌گوییم: «خدایا! ما را جز ضالین قرار نده»، برای آن‌که منحرف نشویم، باید به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام رجوع، و به آن‌ها تمسک کنیم و این یعنی معلم و کتاب باید با هم باشد.

۴. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره لزوم شناخت امام و پیروی از او فرموده است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛^۳ اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

۵. اگر انسان امام زمانش را نشناسد، از دینش منحرف می‌شود. در یکی از ۵ دعا‌های عصر غیبت می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛^۴ خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، نمی‌توانم پیغمبرت را بشناسم. خدایا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را نشناسم، حجتت را هم نمی‌شناسم. خدایا! حجتت را به من

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۹.

۲. سوره فاتحه، آیه ۷.

۳. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹.

۴. کافی، ج ۱، ص ۳۲۷.

بشناسان که اگر امام را نشناسم، از دینم منحرف می شوم». به راستی که انحراف، وقتی است که انسان، امام زمانش را نشناسد.

۶. در روایتی می خوانیم: «اگر شخصی تمام شبها را نماز بخواند و روزها را روزه بگیرد و اموالش را در راه خدا بدهد و هر سال به مکه و حج برود، اما ولی خدا را نشناسد و کارهای خود را به رهبری او انجام ندهد، هیچ حقی بر خدا ندارد و اهل ایمان نیست».^۱

۷. امامان معصوم علیهم السلام معرفت به امام زمان علیه السلام را جزو لوازم ایمان برشمرده و فرموده اند: «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَئِمَّةَ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ زَمَانِهِ وَيُرَدُّ إِلَيْهِ وَيُسَلَّمَ لَهُ»^۲ بنده خدا مؤمن نمی شود تا آنکه خدا و رسولش و همه ائمه و امام زمانش را بشناسد و در امورش به امام زمانش رجوع کند و تسلیم او باشد». سپس فرموده اند: «چگونه ممکن است کسی امام آخر را (که امام زمان اوست) بشناسد و امام اول را نشناسد؟»

۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که برای معرفت امام زمان خود از خانه و شهر خود خارج شود، ولی اجل به او مهلت ندهد، از مصادیق این آیه است: ﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِقًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾»^۳.

۹. خداوند در پاسخ به این پرسش که چرا ما را آفریده، فرموده است: ﴿لِيَعْبُدُونِ﴾^۴.

۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. «هرکه در راه خداوند هجرت کند، اقامت گاههای بسیار همراه با گشایش خواهد یافت و هرکه از خانه اش هجرت کنان به سوی خدا و پیامبرش خارج شود، سپس او را مرگ دریابد، حتماً پاداش او بر خداوند خواهد بود و خداوند آمرزنده مهربان است». سوره نساء، آیه ۱۰۰.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۸.

۵. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

«تا مرا پرستش کنید». از ائمه پرسیدند: «لِیَعْبُدُون» یعنی چه؟ فرمودند: «لیعرفون»؛ یعنی نسبت به خدا معرفت پیدا کنید. از آن طرف و در سخنی دیگر، امام حسین علیه السلام در پاسخ به این سؤال که معرفت خدا چیست، فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمْ»^۱ معرفت خدا، شناخت مردم هر زمان نسبت به امامشان است». یعنی معرفت خدا جز با معرفت امام زمان حاصل نمی‌شود. پس آفرینش برای عبادت خداست، عبادت خدا هم معرفت خدا و در نهایت، معرفت خدا هم به معرفت امام است.

۱۰. اگر کسی بخواهد ائمه علیهم السلام را بشناسد، امام‌شناسی کامل در زیارت جامعه کبیره است که از امام هادی علیه السلام به ما رسیده است.

سوره بقره

معنا و علت غیبت امام زمان (عج)

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۱

«[متقین] کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.»

نکته‌ها:

۱. اساسی‌ترین اصل در جهان‌بینی الهی آن است که هستی، منحصر به محسوسات نیست. «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»
۲. قرآن، هستی را به دو بخش تقسیم می‌کند: عالم غیب و عالم شهود. متقین به کل هستی ایمان دارند؛ ولی دیگران تنها آنچه را قبول می‌کنند که برایشان محسوس باشد. آنان حتی توقع دارند که خدا را با چشم ببینند و چون نمی‌بینند، به او ایمان نمی‌آورند. چنان‌که برخی از قوم بنی‌اسرائیل به حضرت موسی گفتند: ﴿لَنْ تُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً﴾^۲ «ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر آن‌که خداوند را آشکارا مشاهده کنیم». این افراد درباره قیامت نیز می‌گویند: ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾^۳ «جز این دنیا که ما در آن زندگی می‌کنیم، جهان دیگری نیست. می‌میریم و زنده می‌شویم و این روزگار است که ما را از بین می‌برد». چنین افرادی هنوز از مدار حیوانیت نگزشته‌اند و راه شناخت را منحصر به محسوسات می‌دانند و می‌خواهند همه چیز را از طریق حواس درک کنند.

۱. سوره بقره، آیه ۳.

۲. سوره بقره، آیه ۵۵.

۳. سوره جاثیه، آیه ۲۴.

۳. در احادیث معصومین علیهم السلام کلمه «غیب» به خداوند متعال، فرشتگان، معاد و حضرت مهدی عج اطلاق شده است. به عنوان نمونه، امام صادق عج در تفسیر این واژه فرمود: «وَالْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ»^۱ و نیز در تفسیر آیه شریفه «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» فرمود: «آن‌ها که ایمان به غیب می‌آورند کسانی هستند که اعتقاد به قیام قائم آل محمد علیهم السلام دارند»^۲.

۴. امام صادق عج فرمود: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْآخَرَى طَوِيلَةٌ»^۳ برای حضرت قائم عج دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی.

۵. امام دوازدهم، حضرت مهدی عج غائب شده است و طبق صدها حدیث معتبر، برای تشکیل یک حکومت عدل جهانی ظهور خواهد کرد. غیبت آن حضرت در دو مرحله بوده است: غیبت کوتاه (صغری) و غیبت طولانی و بلند (کبری). در مرحله اول - که حدود ۷۰ سال به طول انجامید - شیعیان به واسطه چهار نائب خاص، با ایشان ارتباط داشتند و امور دینی خود را به فرمان آن حضرت انجام می‌دادند؛ تا آن‌که حضرت به چهارمین نائب خود فرمودند: «تو تا شش روز دیگر از دنیا می‌روی و پس از خودت شخص دیگری را میان من و مردم مگذار»؛^۴ البته ایشان قبلاً تکلیف شیعیان را روشن نموده و به نائب دیگرشان فرموده بودند که: «شیعیان موظف‌اند در حوادث به دانشمندان دینی رجوع کرده و به حکم آن‌ها عمل کنند. آنها حجت من بر مردم هستند؛ همان‌طور که من حجت خدا بر آنان هستم».^۵ از آن زمان، غیبت طولانی حضرت آغاز گشته است و هنوز ادامه دارد.

۱. کنز الدقائق، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲. نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۱.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۶.

۵. «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ». همان، ص ۴۸۴.

۶. منظور از غیبت حضرت مهدی (عج) این نیست که ایشان در میان ما حاضر نیستند؛ زیرا او در میان ماست و ما را می‌شناسد، ولی ما او را نمی‌شناسیم. سؤالی که این‌جا به ذهن خطور می‌کند این است که مگر می‌شود ایشان ما را بشناسد، اما ما او را نشناسیم؟ پاسخ آن است که بله؛ قرآن می‌فرماید: حضرت یوسف (ع) بعد از حدود چهل سال از جریان افتادن در چاه تا رسیدن به ریاست، وقتی برادرها را دید شناخت، ولی برادرها او را شناختند: ﴿فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾.^۱

۷. لذا وقتی امام زمان (عج) ظهور می‌کند، خیلی‌ها می‌گویند ما او را در زمان غیبت دیده بودیم. در دعای ندبه هم می‌خوانیم: «بِنَفْسِي أَنْتَ»، جان من فدایت مهدی جان! تو غایبی، اما از میان ما بیرون نیستی: «لَمْ يَخْلُ مِنْنا».

۸. دلیل این‌که چرا افراد عادی نمی‌توانند امام زمان (عج) را ببینند را خود ایشان بیان کرده است: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ»^۲ ما را از شیعیانمان دور نمی‌کند، مگر اعمال ناپسندی که از ناحیه آن‌ها به ما می‌رسد». این سخن با صراحت می‌گوید که به خاطر اعمال زشتی که انجام داده‌ایم، توفیق ملاقات و درک ظهور را پیدا نمی‌کنیم.

۹. چون همه ائمه (عج) خبر می‌دادند که از نسل آن‌ها شخصی به نام حضرت مهدی (عج) خواهد بود که غیبتی خواهد داشت، مردم از آنان درباره چرایی غیبت آن حضرت سؤال می‌کردند. از امام صادق (ع) نیز سؤال شد که چرا امام زمان غائب می‌شود؟ و ایشان در پاسخ، اشاره به گردن خود کردند؛^۳ کنایه از این‌که اگر آن حضرت بیاید کشته می‌شود. همین‌طور هم هست. بنابراین باید زمینه آماده شود. علت غیبت امام دوازدهم، عدم آمادگی مردم برای پذیرش رهبری امام است. خداوند، آن حضرت را برای زمان مناسبی که رشد و فرهنگ مردم به جایی برسد که بتوانند نور امامت را درک و از آن بهره‌گیری نمایند، ذخیره فرموده است.

۱. سوره یوسف، آیه ۵۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۳. «وَأَشَارَ بِدِرْهِ إِلَى عُنُقِهِ». کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.

۱۰. برای بیان علت غیبت امام زمان (عج) چنین می‌توان مثال زد. اگر اداره برق یک شهر برای روشنایی کوچه‌ای، تیر چراغ برقی نصب کند و لامپی به آن بزند، ولی بچه‌های کوچه با زدن سنگ، آن را لامپ را بشکنند، مأمور اداره برق لامپ دیگری می‌زند. اگر مجدداً بچه‌ها لامپ را بشکنند، باز اداره برق، برای روشنایی محل اقدام به نصب لامپ دیگری می‌نماید. حال اگر برای بار سوم، بچه‌های بی‌ادب کوچه، لامپ را بشکنند، به احتمال بسیار زیاد، اداره برق تمایلی به نصب مجدد لامپ نخواهد داشت؛ اما به خاطر خواهش بزرگ‌ترها و رفاه اهالی آن کوچه، ممکن است لامپ دیگری نصب کند. اما فکر می‌کنید اداره برق تا چند بار این کار را انجام می‌دهد؟! در بحث ما نیز، حاکمان ستمگر، یازده چراغ هدایت را شکستند و امامان معصوم را به شهادت رساندند، خداوند نیز امام دوازدهم را نگه داشت تا زمانی که مردم لیاقت و آمادگی بهره‌گیری از این چراغ هدایت را پیدا کنند.

۱۱. گاهی صلاح معلم در این است که موقتاً از کلاس بیرون برود؛ چون تا سر کلاس است، بچه‌ها خوب شناخته نمی‌شوند. باید دید آن‌ها در غیاب معلم چه می‌کنند و از بیرون، آن‌ها را کنترل کرد. امامان ما وجود چنین امتحانی در عصر غیبت را بارها تذکر داده‌اند.

۱۲. جایگاه و نقش امام در زمان غیبت مثل خورشید پشت ابر است. خورشید حتی وقتی پشت ابر قرار دارد، حرارت، نور و انرژی‌اش را به جهانیان تحویل می‌دهد. خود امام عصر (عج) نیز فرمود: «أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»^۱ وجه انتفاع از من در دوران غیبت، هم‌چون نحوه استفاده از خورشید است وقتی که ابر، آن را از دیدگان نهان سازد». حضرت یوسف (ع) نیز وقتی در زندان بود، نقش پیامبری‌اش را ایفا کرد. مگر شما ندیدید که امام در فرانسه بود، اما انقلاب را هدایت کرد؟!

۱۳. وجود امام ولو در غیبت، باعث بقای زمینیان است. نگویید امام زمان غائب چه

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

فایده‌ای دارد؛ کما این‌که نباید بگویید وجود کوه‌ها چه اثری دارد! قرآن می‌گوید: «ما کوه‌ها را قرار داده‌ایم و اگر کوه‌ها نبودند، زمین دائماً شما را می‌جنباند».^۱ گداختگی درون زمین باعث می‌شود که پوست آن همیشه در حال لرزش باشد. این کوه است که پوسته زمین را نگه داشته است.

۱۴. در ایام دفاع مقدس، برخی از علمای سن و سال‌دار با لباس رزم به جبهه‌ها و میان رزمنده‌ها می‌رفتند. آن‌ها نمی‌توانستند فعالیت‌های رزمنده‌های بسیجی یا رزم شبانه داشته باشد و مثلاً آریچی بزنند، ولی وجود و حضور آن‌ها در جبهه، هزاران نفر را شارژ می‌کرد. البته این فقط مثال است و من از امام زمان عجله تعالی فرجه معذرت می‌خواهم که در آموزش و برای فهم مطلب مجبورم مثال بزنم. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَهُ فَمَا فَوْقَهَا».^۲

۱۵. ابو حمزه گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «آیا زمین بدون امام می‌ماند؟» فرمود: «اگر زمین بدون امام باشد، فروخواهد رفت [و نظمش از هم خواهد پاشید]».^۳ بیانش این است که در منطق قرآن کریم، خدا هستی را برای بشر آفریده است. پس هستی برای ماست؛ اما ما برای چه خلق شده‌ایم؟ ما برای برای عبادت آفریده شده‌ایم؛ اما عبادت چیست؟

عبادت یعنی هر کاری که رنگ خدا داشته باشد؛ گاهی این عبادت، نماز است یا مطالعه، کار است یا خدمت به جامعه؛ هر کاری که برای خدا باشد اعم از شوهرداری، همسرداری، بچه‌داری، خانه‌داری، همسایه‌داری و رفیق‌داری عبادت است.

حالا اگر هستی را برای بشر آفریدند و بشر را برای عبادت، اما بشر - چون آزاد بود - عبادت نکرد و ظلم نمود، دیگر وجود این بشر فایده‌ای ندارد. اگر سفره را پهن کرده‌ایم برای آن‌که مهمان غذا بخورد، اما او غذا نمی‌خورد، سفره را جمع می‌کنیم. پس حال که ما

۱. تفسیر المیزان، ج ۱، آیه ۱۰۱.

۲. سوره بقره، آیه ۲۶.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

عبادت حقیقی خدا را نمی‌کنیم، چرا خدا سفره را جمع نکرده است؟! قرآن در پاسخ می‌گوید: ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾^۱ ای رسول خدا! به خاطر وجود تو سفره باز است. گاهی وقت‌ها سر سفره همه غذا می‌خورند و می‌روند و گاهی نمک‌شناسی هم می‌کنند؛ اما یک آدم حسابی، نشسته و مشغول غذا خوردن است. صاحب‌خانه، به خاطر آن آدم حسابی، سفره را جمع نمی‌کند. او همان خلیفه خدا در زمین و امام زمان علیه السلام است. وجود اهل بیت علیهم السلام و امام زمان علیه السلام نیز همانند وجود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است و آنان نیز تمام منزلت و کمالات پیغمبر را غیر از مقام نبوت دارا هستند. مثال دیگر این است که گاهی خادم مسجد می‌بیند همه از مسجد بیرون رفته‌اند، اما یک مرد خدا در مسجد عبادت می‌کند و به خاطر همان یک نفر، لامپ‌های مسجد را روشن می‌گذارد.

امام مهدی علیه السلام، عهد الهی

﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾^۱

«[فاسقان] کسانی هستند که پیمان خدا را پس از آن‌که محکم بستند، می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع می‌نمایند و در زمین فساد می‌کنند. قطعاً آنان زیان‌کاران‌اند.»

نکته‌ها:

۱. پیمان‌های الهی که در این آیه از آن سخن به میان آمده، در آیات دیگر قرآن بیان شده است: خداوند از انبیا پیمان گرفته تا آیات الهی را به مردم بگویند^۲ و از اهل کتاب تعهد گرفته تا کتمان حقایق نکنند و به بشارت‌های تورات و انجیل درباره ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل کنند^۳ و از عامه مردم نیز عهد گرفته که به فرمان الهی عمل کرده و راه شیطان را رها کنند.^۴

۲. در اسلام، وفای به عهد واجب است، حتی نسبت به کفار؛ و عهدشکنان، بی‌دین معرفی شده‌اند، هرچند که اهل نماز باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا دين لمن لا عهد له؛^۵ آن کس که پایبند تعهدات خود نیست، دین کامل ندارد».

۱. سوره بقره، آیه ۲۷.

۲. ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ﴾. سوره احزاب، آیه ۷.

۳. ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ﴾. سوره آل عمران، آیه ۱۸۷.

۴. ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ﴾. سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

۵. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۸.

۳. خداوند در این آیه فرمان داده تا با گروه‌هایی پیوند و رابطه داشته باشیم: «أَمَرَ اللَّهُ بِه أَنْ يُوصَلَ» در روایات، آن گروه‌ها چنین معرفی شده‌اند: رهبران آسمانی، دانشمندان، خویشاوندان، مؤمنان، همسایگان و اساتید. هرکس رابطه خود را با این افراد قطع کند، خود خسارت می‌بیند؛ زیرا جلوی رشد و تکاملی را که در سایه این ارتباطات می‌توانسته داشته باشد، می‌گیرد.

۴. وفای به عهد، کمالی است که خداوند، خود را به آن ستوده است: «وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ؟»^۱ «کیست که بهتر از خدا به پیمانش وفا کند؟». وفای به عهد حتی در قبال مشرکان هم لازم است: «فَاتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ»^۲ «تا پایان مدت قرارداد، به پیمانی که با مشرکان بسته‌اید وفادار باشید». هم‌چنین در آیه ۲۵ سوره رعد، پیمان‌شکنان لعنت شده‌اند.^۳

۵. عهد دو گونه است؛ اول، عهد و پیمانی که مردم با یک‌دیگر می‌بندند و باید به آن وفادار باشند و دوم، عهد و پیمانی که خداوند برای رهبری یک جامعه، بر عهده پیامبر یا امام قرار می‌دهد که این عهد، مقام الهی است: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۴

۶. در زیارت آل‌یاسین، خطاب به امام زمان می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ»^۵ «سلام بر تو که پیمان خدا هستی». وقتی حضرت ابراهیم عليه السلام به امامت رسید، به خدا عرض کرد: «خدایا! مقام امامت را به بچه‌هایم هم بده». خدا فرمود: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۶؛ امامت، عهد من است و من عهد و پیمانم را به هر کسی نمی‌دهم!

۱. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۲. سوره توبه، آیه ۴.

۳. «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ».

۴. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

۶. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

امام زمان علیه السلام، خلیفه الهی

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۱

«و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بر آنم که در زمین جانشینی قرار دهم. فرشتگان گفتند: آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی که در آن فساد کند و خون‌ها بریزد؟ در حالی که ما با حمد و ستایش، تو را تنزیه و تقدیس می‌کنیم. خداوند فرمود: همانا من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.»

نکته‌ها:

۱. گرچه همه انسان‌ها، بالقوه می‌توانند خلیفه خدا باشند، اما همه خلیفه خدا نیستند و به فرموده روایات، افراد خاصی به این مقام می‌رسند. چون برخی از انسان‌ها با رفتار خود به اندازه‌ای از انسانیت سقوط می‌کنند که از حیوان هم پست‌تر می‌شوند؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾^۲

۲. قرارگاه این خلیفه، زمین است؛ ولی لیاقت او تا ﴿قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾^۳ می‌باشد.

۳. انتصاب خلیفه و حاکم الهی، تنها به دست خداست: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾.

۴. در زیارت آل یاسین، خطاب به حضرت مهدی علیه السلام می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ؛ سلام بر تو ای کسی که جانشین خدا و ناصر حق هستی.»

۱. سوره بقره، آیه ۳۰.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

۳. سوره نجم، آیه ۹.

۵. خدایی که دائماً حاضر، ناظر و قیوم است، چه نیازی به جانشین و خلیفه دارد؟ پاسخ آن است که اولاً جانشینی انسان، به معنای نیاز و عجز خداوند در اداره امور نیست، بلکه این مقام به خاطر کرامت و فضیلت رتبه انسانیت است.

ثانیاً نظام آفرینش بر اساس واسطه‌هاست؛ یعنی با آن‌که خداوند مستقیماً قادر به انجام هر کاری است، ولی برای اجرای امور، واسطه‌هایی قرار داده است. پس انسان می‌تواند جانشین خداوند شود و اطاعت از او، همچون اطاعت از خداوند باشد: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾^۱ و بیعت با او نیز به منزله بیعت با خداوند باشد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ... إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ﴾^۲.

۱. سوره نساء، آیه ۸۰.

۲. سوره فتح، آیه ۱۰.

امام مهدی علیه السلام، منصوب و منتخب خدا

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^۱

«و [به خاطر بیاور] هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با حوادث گوناگونی آزمایش کرد و او به خوبی از عهده آزمایش برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از فرزندان من نیز [امامانی قرار بده]، خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد [و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام‌اند].»

نکته‌ها:

۱. مفضل بن عمر گوید: درباره این آیه، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «کلماتی که خداوند با آن ابراهیم را آزمود، کدام‌اند؟» فرمود: «هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاها آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهُوَ أَنَّهُ قَالَ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ إِلَّا تُبْتَ عَلَىٰ فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ همان کلماتی که آدم آن‌ها را از پروردگارش دریافت نمود و توبه‌اش پذیرفته شد و آن این بود که عرض کرد: پروردگارا! به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام از تو مسألت دارم که توبه‌ام را بپذیری و خداوند نیز توبه او را پذیرفت؛ چراکه او توبه‌پذیر و مهربان است.»

عرض کردم: «یابن رسول‌الله! مقصود خداوند از این که می‌فرماید ابراهیم کلمات را به پایان رسانید چیست؟» فرمود: «يَعْنِي فَأَتَمَّهُنَّ إِلَى الْقَائِمِ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا تِسْعَةً مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ؛ یعنی خدا را تا حضرت قائم و به دوازده امام که نه نفرشان از فرزندان حسین

هستند قسم داد».^۱

۲. حضرت ابراهیم علیه السلام مقام امامت را برای نسل خود نیز درخواست نمود. پاسخ آمد که این مقام، عهدی است الهی که به هر کس لایق باشد عطا می‌شود و در میان نسل تو نیز کسانی که شایستگی داشته باشند، به این مقام خواهند رسید. چنان‌که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از نسل ابراهیم علیه السلام است و به این مقام رسید؛ ولی کسانی که مرتکب کوچک‌ترین گناه و ستمی شده باشند، لیاقت این مقام را ندارند.

۳. این آیه یکی از آیاتی است که پشتوانه فکری و اعتقادی شیعه قرار گرفته است. شیعه بر اساس این آیه معتقد است که امام باید معصوم باشد و کسی که لقب ظالم بر او صدق کند، به مقام امامت نخواهد رسید.

۴. منشأ امامت، وراثت نیست؛ بلکه لیاقت است و آن با پیروزی در امتحانات الهی ثابت می‌گردد: «فَأَتَمَّهُنَّ».

۵. امامت، عهد الهی میان خدا و مردم است: «عَهْدِي».

۶. امامت، انتصابی است نه انتخابی. امام باید حتماً از طرف خداوند منصوب شود: «إِنِّي جَاعِلُكَ» زیرا امام باید دارای شرائط و ویژگی‌هایی باشد که جز خدا کسی واقف به آن‌ها نیست؛ از جمله:

– امام باید تمام قوانین حاکم بر انسان و هستی را بداند.

– امام باید از نتیجه حتمی راهی که انتخاب می‌کند، آگاه باشد.

– امام باید در مسیر رهبری، منافع خود را در نظر نگیرد و عوامل درونی و بیرونی باعث تحریک او نشود.

– امام باید از عالی‌ترین صفات برجسته انسانی در حد اعلی برخوردار باشد و...

ناگفته پیداست که این شرایط در افراد معمولی یافت نمی‌شود و مردم نیز از وجود این شرائط در افراد بی‌خبرند.

۷. کلامی درباره تعیین امام: بهترین شیوه تعیین رهبر و مقام مسئول در جوامع امروز

انتخابات است. ولی شکی نیست که انتخابات، اگرچه راه حل است، اما همه جا راه حق نیست؛ چون هیچ برهان و دلیل علمی و عقلی، لیاقت، صلاحیت و حقانیت شخص انتخاب شده را تأیید نمی‌کند. گرچه در مقام عمل، رأی اکثریت مورد نظر قرار می‌گیرد و بهترین راه حل است.

علاوه بر آن، توجه به رأی اکثریت، تنها در مسائل اجتماعی است، اما در مسائل اعتقادی، رأی اکثریت هیچ ارزشی ندارد؛ وگرنه باید پیامبران دست از دعوت خود برمی‌داشتند و تابع رأی اکثریت - که کافر یا مشرک بودند - می‌شدند. چنان‌که در سوره انعام می‌خوانیم: ﴿وَأَنْ تَطْعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ أَنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾؛^۱ ای پیامبر! اگر از اکثر کسانی که روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند. آن‌ها تنها از گمان و حدس پیروی می‌کنند و جز به دروغ سخن نمی‌گویند».

بنابراین در مسأله بسیار حساس و اساسی امامت - که امری اعتقادی است - رأی و انتخاب مردم نقشی ندارد و تعیین آن به عهده خداوند است. البته بیعت مردم با امام، زمینه را برای اعمال حاکمیت او فراهم می‌کند؛ اما این گونه نیست که امام با رأی مردم، امام، و با اعراض مردم، از امامت ساقط شود. حضرت علی علیه السلام در مدت ۲۵ سال خانه‌نشینی نیز امام بود؛ اما امکان اعمال حاکمیت را نداشت.

بارها در انتخابات، افرادی با رأی اکثریت انتخاب شده‌اند، ولی دیر یا زود، اشتباه مردم در انتخاب روشن شده است. افرادی چنان باریا و تظاهر و سیاست، گام برمی‌داشتند که احتمال خلاف در آنان نمی‌دادیم و علاوه بر رأی دادن، حاضر بودیم جان خود را نیز برایشان فدا کنیم، ولی در حوادث مختلف - که زمینه‌ساز روشن شدن حقایق و اسرار است - چهره واقعی آنان نمایان شد و روحایشان در مقابل مال و مقام تغییر یافت.

راستی که انسان محدود با نداشتن علم غیب و اطلاع از آینده و باطن افراد، چگونه می‌تواند نظر صددرصد صحیحی درباره شخصی پیدا کند؟! مگر انگیزه‌ها و حالات و

عمل کرد انسان‌ها با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف تغییر نمی‌کند؟ چه بسا افرادی که امروز مؤمن و متعهد هستند، اما فردا دست از ایمان و تعهد بر می‌دارند. افراد بسیار زیادی را سراغ داریم که مایه امید بودند، اما عامل یأس و ناامیدی شدند و در مقابل، کسانی بودند که احتمال خیری در آنان نبود، اما دگرگون و مایه صدها خیر و برکت شدند.

مگر ساحران مزدور فرعون برای آبروریزی موسی علیه السلام پا به صحنه نگذاشته بودند که ناگاه با بیداری فطرت خفته و وجدانشان، از بهترین طرفداران موسی شدند؟ و مگر بلعم باعورا مرد دانشمندی نبود که به خاطر دنیاگرایی و گرایش به طاغوت، همه کمالات خود از دست داد؟

البته غرض ما از بیان این نمونه‌ها، نفی انتخابات و رأی مردم نیست؛ بلکه هدف ما این است که بگوییم انتخابات اگرچه بهترین راه حل در مسائل اجتماعی است، اما نمی‌تواند یک راه الهی و علمی و صددرصد قطعی باشد.

انتخابات و همه‌پرسی با این‌که در بسیاری از موارد راه حل خوبی است، ولی به طور طبیعی عوارض سوئی نیز دارد که نباید از آن‌ها چشم پوشید. آن عوارض عبارت‌اند از: - میان انتخاب‌شوندگان رقابت‌هایی به وجود می‌آید که چه بسا خود زمینه‌ساز نوعی تضاد و اختلاف و تفرقه و کدورت گردد.

- هر انتخاب‌شده‌ای به طور طبیعی از انتخاب‌کنندگان خود حمایت می‌کند و تنها آنان برای او ارزش دارند. بنابراین در حمایت‌ها و دفاع‌ها و جهت‌گیری‌هایش، تمایل و خواست انتخاب‌کنندگان نیز مطرح می‌باشد و این، خود نوعی شرک است که انسان در کنار جلب رضایت خدا، به فکر راضی کردن این و آن هم باشد.

- ممکن است همان شک، خطا، سهو و غرائزی که انسان را در شبانه‌روز به مسیرهای انحرافی می‌کشاند، در تعیین رهبر نیز انسان را از حق منحرف نماید.

- انتخاب‌شده‌ها بیمه و مصونیتی ندارند و معلوم نیست که در برابر حوادث تلخ و شیرین، چهره و رنگ عوض نکنند!

برای این‌که مطالب فوق، بهتر روشن شود به حدیث جالبی از امام سجاد علیه السلام توجه

کنید. امام فرمودند: «هرگاه دیدید که مردی خوش‌برخورد است و راه و روش نیکویی دارد و از خود زهد و عبادت نشان می‌دهد و در حرکات خود خیلی شکسته‌نفسی می‌کند، پس در قضاوت نسبت به او عجله نکنید و فریب ظاهر او را نخورید. چه بسیارند افرادی که از به دست‌آوردن دنیا عاجزند و به دنیا نرسیدن آن‌ها به خاطر ناتوانی جسمی یا عدم لیاقت و کمبود شخصیت یا ترس آن‌هاست [نه به خاطر ایمان و تقوی]».

امام در ادامه فرموده‌اند: «و اگر دیدید شخصی از مال حرام دوری می‌کند، صبر کنید و زود درباره او قضاوت نکنید، زیرا شهوات مردم مختلف است. چه بسیارند افرادی که از مال حرام کناره می‌گیرند - گرچه زیاد باشد - اما خود را بر اعمال ناپسند وادار می‌کنند و مرتکب دیگر حرام‌ها می‌شوند.

اگر دیدید او از تمام اعمال ناپسند دوری می‌کند، باز فریب نخورید تا ببینید میزان تعقل او چه مقدار است؟ زیرا بسیارند افرادی که از تمام اعمال بد دوری می‌کنند، اما درایت و ریشه عقلائی ندارند؛ لذا چون شعور فکری آن‌ها کم است، معمولاً به‌جای اصلاح، دست به افساد می‌زنند.

اگر دیدید دارای عقل متین هم هست، باز فریب نخورید و صبر کنید تا ببینید آیا با هوای نفس خود، عقل را می‌کوبد یا با کمک عقل علیه هوای نفس گام برمی‌دارد و نیز نسبت به ریاست‌های باطل چقدر علاقه‌مند است. زیرا در میان مردم، کسانی هستند که در دنیا و آخرت زیان‌کارند؛ آن‌ها دنیا را رها می‌کنند، نه برای خدا، بلکه برای رسیدن به دنیا، زیرا لذت ریاست نزد آن‌ها به مراتب از لذت مال و دنیا بیشتر است».

سرانجام امام فرمودند: «انسان واقعی کسی است که خواسته‌هایش را تابع و مطیع فرمان الهی، و توانش را در مسیر رضایت خداوند قرار دهد و ذلتِ ظاهریِ همراهی با حق را از عزتِ ظاهریِ همراهی با باطل به رستگاری و سعادت نزدیک‌تر بداند».

آن حضرت، در پایان، ضمن تشویق به پیروی از چنین شخصی می‌فرماید: «به رفتار و منش این شخص چنگ بزنید و به روش او اقتدا کنید و برای رشد و پرورش خود و رسیدن به خداوند به او متوسل شوید؛ چرا که دعا و درخواست او مستجاب است و رد

نمی‌شود».^۱

حاصل آن‌که انتخابات می‌تواند راه حل باشد، اما همیشه راه حق نیست؛ زیرا پست و مقام و ریاست، بعضی از انسان‌ها را عوض می‌کند و چه بسیار افراد فداکار و علاقه‌مندی که پس از گرفتن مقام، روحیه و روش آنان عوض شده است. به همین جهت می‌گوییم تعیین رهبر باید از طرف خدا باشد. اوست که علم غیب دارد و از آینده و تمام حالات افراد باخبر است و بهتر می‌داند که مقام رسالت و پیام‌رسانی خود را به چه شخصی عطا کند: ﴿اللّٰهُ اعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾.^۲

امام باقر علیه السلام به جابر فرمودند: «ای جابر! تو ولیّ ما نمی‌شوی، مگر زمانی که اگر تمام مردم شهر درباره تو بگویند فلانی مرد بدی است، ناراحت نشوی و اگر هم گفتند مرد خوبی است شاد نشوی؛ بلکه برای شناخت خود، خود را به کتاب خدا عرضه نمایی».^۳ از این حدیث هم به خوبی استفاده می‌شود که رأی و قضاوت مردم همیشه دلیل بر حقانیت یا باطل بودن افراد نیست.

در قرآن می‌خوانیم که مردم می‌گفتند: ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نَزَلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ﴾؛ «چرا قرآن بر مرد سرشناسی از دو قریه مکه و طائف نازل نشد؟».^۴ آنها خیال می‌کردند که اگر شخصی سرشناس و معروف یا سرمایه‌دار و باغ‌دار باشد، باید بر او وحی نازل شود! همین که طالوت از طرف خدا فرمانده لشکر شد، بسیاری از مردم، فرماندهی او را فقط به خاطر فقر و تهیدستی او نپذیرفتند.

آیت‌الله شهید صدر با بیان چند مقدمه درباره شیوه تعیین امام، نتیجه می‌گیرد که این کار تنها باید از راه انتصاب الهی و از طریق اعلان رسول باشد. آن مقدمات این‌گونه است: الف) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عهده‌دار دگرگونی همه‌جانبه و انقلاب بزرگ عقیدتی و فکری و

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۸۴.

۲. سوره انعام، آیه ۱۲۴.

۳. تحف العقول، ص ۲۸۴.

۴. سوره زخرف، آیه ۳۱.

تبدیل سیستم جاهلی آن عصر به یک نظام اسلامی - انسانی برای ابد بود.
 ب) دوران رسالت آن حضرت، ۲۳ سال بود. در آن دوران، مسلمانان در مکه در خفقان و فشار و ترس، و در مدینه متحمل انواع مشکلات و جنگ‌ها و توطئه‌های دشمنان بودند؛ از این رو، مدت رسالت با آن همه گرفتاری، برای آن دگرگونی، مدت کمی بود.

ج) پیامبر اسلام ﷺ به صورت ناگهانی از دنیا رفت تا بگوییم زمانی برای بررسی مسأله رهبری امت و ادامه کار نداشت و فرصتی برای تعیین جانشین خود پیدا نکرد.
 کوتاه سخن آن‌که ۲۳ سال برای آن دگرگونی کم است و باید بعد از پیامبر ﷺ هدایت ادامه یابد. حال برای این مسأله، چند نظریه مطرح است که باید مورد بررسی قرار دهیم:
 الف) پیامبر اکرم ﷺ نسبت به جانشینی خود بی تفاوت بود و بدون آن‌که به فکر تداوم انقلاب و هدایت مردم باشد، آنان را رها کرد و از دنیا رحلت نمود.

این نظریه قابل قبول نیست؛ زیرا یک انسان عادی نیز هرگز حاضر نخواهد بود که طرح و برنامه‌ای را که برای آن زحمت بسیار کشیده، رها کند و آن را به شخصی نسپارد؛ آن هم با سوز و گدازی که قرآن درباره حضرت محمد ﷺ بیان می‌کند و می‌فرماید که آن حضرت در امر ارشاد و هدایت مردم بسیار دل‌سوز بود: «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»^۱ و در جای دیگر می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ»^۲ «گویا تو از ناراحتی این‌که چرا مردم ایمان نمی‌آورند، خود را می‌کشی».

آیا پیامبری که این چنین نسبت به هدایت مردم، تعهد و عشق دارد، حاضر است مردم را به حال خود رها کند؟ پیامبری که در وقت عزیمت به جنگ تبوک - که هشتاد روز طول کشید - کسی را به جای خود در مدینه گذاشت، آیا برای پس از خود فکری نمی‌کند؟!

ب) نظریه دوم آن است که بگوییم پیامبر از دنیا رفت و رهبری امت را به شورا و

۱. سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۲. سوره شعراء، آیه ۳.

انتخاب خود مردم واگذار کرد؛ اما اگر چنین بود، چرا ابوبکر مثل پیامبر، امت را به شورا واگذار نکرد و شخصاً دخالت نمود و عمر را نصب کرد؟! چرا عمر نیز در رهبری امت همه‌پرسی نکرد؟! بلکه خود شورایی مرکب از شش نفر تشکیل داد، آن هم شورایی که عملاً دیکتاتوری بود؛ زیرا گفته بود در این شورا کسی رهبر است که عبدالرحمن بن عوف به او توجه داشته باشد! این چه شورایی است که یک نفر در آن حق و تو دارد و نظر آن دسته قابل قبول است که این یک نفر در میان آنها باشد؟ آیا این شورا است یا دیکتاتوری؟! اگر این نظریه را بپذیریم، پس ماجرای غدیر خم چه خواهد شد؟

ج) اکنون که نظریه اول و دوم رد شد، تنها یک راه باقی می‌ماند و آن این‌که خود پیامبر - که از همه دلسوزتر است - شخص لایقی را که در شناخت مکتب و عمل به دستورات آن و نیز اداره و هدایت جامعه، از همه افراد بهتر است و دارای هرگونه صلاحیت علمی و فکری است و سابقه‌ای درخشان دارد، برای رهبری امت، انتخاب کرده، او را منصوب نموده و به مردم معرفی کند. پیامبر ﷺ نیز چنین کرد و در غدیر خم، حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب نمود.

راه حق در شیوه تعیین امام، همان راه پیامبر است؛ زیرا ما امامت را هم‌چون نبوت، امام را هم‌چون پیامبر، و دلیل نیاز به امام را همانند دلیل نیاز به پیامبر می‌دانیم. کار امام در هدایت و رشد مردم و نشان دادن راه سعادت، شبیه کار پیامبر است و خداوند درباره هدایت مردم می‌فرماید: ﴿إِنَّا عَلَيْنَا لِلْهُدَى﴾^۱ «همانا بر ماست هدایت مردم».

اندیشمندی می‌گوید: «امام باید معصوم، و از حد اعلای صفات عالی برخوردار باشد و چون متصف بودن یک انسان به آن صفات و روحیات چیزی نیست که مردم عادی بتوانند آن را تشخیص دهند و اگر چیزی بفهمند خیلی ناقص است و تنها از راه علائم و آثار، چیزی را می‌فهمند، لذا باید خداوند عالم و مدبر و قادر، امام را تعیین کند. زیرا اوست که هم از اسرار مردم باخبر است و هم عالم به غیب است و هم راه سعادت واقعی ما را می‌داند و هم تدبیر جهان به دست اوست».

نتیجه آن‌که اگر باور کردیم امامت مقامی انتصابی است نه انتخابی، باید بپذیریم که مردم در مقابل انتصاب الهی، اختیاری ندارند. قرآن می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ...»^۱ «در مواردی که خداوند برای مرد و زن باایمان، حکم و قانون [یا مقام و فردی را برای مسئولیتی] انتخاب نمود، دیگر مردم حق انتخاب ندارند».

در سوره قصص نیز چنین می‌خوانیم: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ»^۲ «خداوند می‌آفریند و هرچه را بخواهد اختیار می‌کند و مردم [در برابر گزینش خداوند] اختیاری ندارند». در تفسیر قمی ذیل این آیه روایتی آمده است که می‌فرماید: «هرگاه خداوند کسی را به امامت برگزیند، مردم نباید به سراغ دیگری بروند».^۳

بنابراین با وجود امکان اشتباه در انتخاب از سوی مردم عادی، ارزش انتخاب از بین می‌رود و انتخابی می‌تواند صددرصد ارزش داشته باشد که از سوی خدا باشد؛ زیرا اوست که آگاه بر باطن و آینده انسان‌هاست.

پرسش: هدف شما در این بخش آن بود که مشخص شود تعیین امام باید از طرف خدا باشد و انتخابات مردم عادی به دلیل عدم آگاهی از اسرار و آینده افراد و محدودیت علمی و تجربه‌های ناموفق آنان نمی‌تواند ارزش مهمی داشته باشد.

در این‌جا سؤالی مطرح است و آن این‌که چرا خود امام علی علیه السلام در نامه ششم نهج‌البلاغه برای اثبات حقانیتش، رأی مردم به خویش را به رخ مخالفان می‌کشد یا چرا در نظام جمهوری اسلامی ایران، رأی‌گیری از مردم ملاک انتخاب است؟

پاسخ: حضرت علی علیه السلام در آن بیان می‌خواهد طبق معیار مخالفانش سخن بگوید. یعنی می‌فرماید: شما که دم از مردم و رأی و انتخاب آنان می‌زنید، همان مردم مرا

۱. احزاب، آیه ۳۶

۲. قصص، آیه ۶۸

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۳.

پذیرفتند، پس چرا در برابر من می‌ایستید؟

در نظام جمهوری اسلامی ایران هم از آن جهت که مردم راه حق را شناختند و رهبری امام را بر طاغوت، و نظام اسلامی را بر نظام شاهنشاهی ترجیح دادند، ما این انتخاب نیکو را به رخ دنیا می‌کشیم تا مورد تهمت قرار نگیریم و نگویند که سیستم شما یک سیستم تحمیلی است.

اما اگر منتخب مردم به بیراهه رفت، مردم در مقابل او می‌ایستند و او را از مقامش خلع می‌کنند؛ چنان‌که امام خمینی ره بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، به رئیس‌جمهور معزول - که به هواداری مردم افتخار می‌کرد - فرمود: «اگر با روش غیراسلامی به کار خود ادامه دهی، من با تو مخالفت می‌کنم؛ گرچه همه مردم با تو باشند».

بنابراین انتخابات و همه‌پرسی‌ها زمانی مورد افتخار است که مسیر حق را طی کند؛ وگرنه رأی و انتخاب مردم تا به حقیقت متصل نشود و از طریق وحی و راه خدا تورانی نشود، ارزش الهی نخواهد داشت.

ما نمی‌خواهیم ارزش انتخابات را به کلی نادیده بگیریم، بلکه شعار ما این است که انتخابات همیشه راه حق را نمی‌پیماید و دلیل عقلی و صددرد صد صحیحی ندارد. علاوه بر آن‌که انتخاب مردم در برابر انتخاب خدا ارزشی ندارد و فقط در جایی که کسی از سوی خدا برای این امر معین نشده باشد، بهترین راه، رأی‌گیری از مردم و دخالت دادن نظر آنان در انتخاب حاکم است.

تعداد یاران امام زمان علیه السلام

﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيُّهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱

«و برای هر کس قبله‌ای است که به آن سوی رو می‌کند. [بنابراین درباره جهت قبله گفتگو نکنید و به جای آن] در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت بجوئید، [و بدانید] هر جا که باشید، خداوند همه شما را [در محشر] حاضر می‌کند؛ همانا خداوند بر هر کاری تواناست».

نکته‌ها:

۱. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «الْمَقْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً وَ هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ»^۲ کسانی که بسترهای خود را برای یاری او ترک می‌کنند، سیصد و سیزده تن، به شمار اصحاب جنگ بدر هستند. آن‌ها خود را به مکه می‌رسانند و این همان قول خدای تعالی است که می‌فرماید: «هر کجا باشید خداوند همه شما را مجتمع گرداند» و آنان اصحاب قائم علیه السلام هستند».

۲. امام زمان علیه السلام یار و یاور بسیاری دارد؛ اما در روایات، تعداد یاران ایشان، سیصد و سیزده نفر ذکر شده است که پنجاه نفر از آن‌ها خانم هستند. البته آنان فرماندهان و افسران سپاه امام هستند. امام باقر علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: «به خدا قسم، سیصد و سیزده تن که پنجاه زن نیز در میان آن‌هاست، مانند قطعه‌های ابر در فصل پاییز، در غیر موسم حج

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۴.

در مکه معظمه جمع می‌شوند. چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ هر کجا باشید، خداوند تمام شما را گرد می‌آورد، خداوند بر هر چیز تواناست.^۱

۳. علاوه بر سیصد و سیزده نفر، باید یاران دیگری نیز جمع شوند تا حضرت مهدی عج قیام کند. ابوبصیر گوید: شخصی از اهالی کوفه از امام صادق عج پرسید: «چند نفر به همراه قائم عج خروج می‌کنند؟» فرمود: «وَمَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولَى قُوَّةٍ وَمَا تَكُونُ أُولُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ؛ او به همراه اصحابی نیرومند خروج می‌کند و آنها کمتر از ده هزار تن نیستند».^۲

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۴.

عصر غیبت و امتحان‌های گوناگون

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^۱

«و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می‌کنیم و صابران [در این حوادث و بلاها] را بشارت ده».

نکته‌ها:

۱. یکی از سنت‌های حتمی خداوند درباره انسان، آزمایش و امتحان است که حدود بیست مرتبه در قرآن از آن سخن به میان آمده است. ناگواری‌ها از ابزارهای آزمایش خدا هستند؛ لذا گاهی انسان با آن‌که گناه و تقصیری هم نکرده، به برخی از ناگواری‌ها مبتلا می‌شود؛ همان‌گونه که خوشی‌ها نیز وسیله دیگری برای آزمایش الهی است.
۲. امام صادق علیه السلام فرموده است: «پیش از ظهور قائم نشانه‌هایی از جانب خدای تعالی برای مؤمنان خواهد بود». راوی گوید: «عرض کردم: فدای شما شوم! آن‌ها کدام است؟» فرمود: «این قول خدای تعالی که ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾؛ یعنی شما مؤمنان را پیش از خروج قائم علیه السلام می‌آزمائیم به [خوف از] پادشاهان بنی‌فلان در آخر سلطنت آن‌ها و [گرسنگی به واسطه] گرانی قیمت‌ها و [کاستی در اموال به واسطه] کسادی داد و ستد و کمی سود و [کاستی در نفوس به واسطه] مرگ و میر فراوان و [کاستی در ثمرات به واسطه] کمی برداشت محصولات زراعتی و در آن هنگام صابران را به تعجیل خروج قائم علیه السلام مژده

۱
بده».

۳. خداوند مصیبت‌ها را به این جهت استخدام کرده است که به وسیله آن، انسان را از دنیا قطع، و به خود وصل کند؛ دست انسان را از دست دنیا دریاورد و در دست خود قرار بدهد. شما تا دستتان در دست دوستی قرار دارد، آیا می‌توانید با دوست دیگران دست بدهید؟ هرگز! مگر نمی‌گویید که با یک دست نمی‌شود دو هندوانه برداشت؟ پس با یک دست هم نمی‌شود با دو کس دست داد!

انسان تا دست خود را از دست دنیا بیرون نکشد، نمی‌تواند با آخرت دست بدهد؛ باید از بیعت ظالم خارج بشود تا بتواند با امام بیعت کند؛ باید از وادی کفر بیرون بیاید تا بتواند به وادی ایمان وارد شود. همان‌طور که تا وقتی آخرین ثانیه‌های شب پایان نیابد، وارد اولین ثانیه‌های روز نخواهیم شد. پس مصیبت‌ها این هنر را دارند که دست انسان را برای همیشه از دست دنیا خارج کنند.

خدا برای این‌که می‌خواهد انسان را نسبت به دنیا و دنیایی‌ها بی‌میل و رغبت کند، او را تحت فشار قرار می‌دهد و انواع مصیبت‌ها را بر او فرود می‌آورد.

۴. گاهی برای به هوش آمدن انسانی که بی‌هوش شده است، به او سیلی می‌زنند. مصیبت‌ها سیلی خداوند هستند که بر صورت بی‌هوشان و سرمستان وادی دنیا نواخته می‌شود. آن‌که مرده است، هیچ‌گاه سیلی نخواهد خورد. پس آن‌که به مصیبتی گرفتار نیست، باور کند که مرده است؛ البته در صورتی که آثار به‌هوش بودن را در خویش نمی‌بیند.

۵. یکی از تأثیرات مصیبت، آن است که انسان حالتی پیدا می‌کند که دنیا را در شأن و حیثیت خویش نمی‌بیند یا آن را برای خود، کم می‌بیند. اگر از بجهای چیزی که داده‌اید پس بگیرید، قطعاً یک حالت زدگی در او ایجاد می‌شود و دیگر وقتی چیزی به او می‌دهید، از شما قبول نمی‌کند؛ چون احساس می‌کند که هیچ اعتمادی به آن چیزهایی که به او می‌دهید، نیست.

خداوند متعال وقتی بخواهد مؤمنی را متوجه کند که به این دنیا هیچ اعتمادی نیست، با «بدهستان» با او برخورد می‌کند! انسان در ابتدا وقتی چیزی را به چنگ می‌آورد، آرام و قرار ندارد؛ اما کمی که خدا با او بدهستان کرد، متین و باوقار می‌شود، هم در گرفتن و هم در پس دادن. دیگر نه وقتی که به او چیزی می‌دهند، فرحی از خود نشان می‌دهد و نه وقتی که از او چیزی می‌گیرند، جزع می‌کند.

۶. پرسش: مگر خدا نمی‌داند که هر کسی چه‌کاره است تا لازم باشد او را به وسیله ناگواری‌ها آزمایش کند؟

پاسخ: شکی نیست که میان آزمایش ما و آزمایش خدا فرق است. آزمایش ما برای شناخت است، اما آزمایش خدا برای علم و آگاهی به وضع و روحیه و عکس‌العمل ما نیست؛ زیرا او قبل از هر فکر و عملی، می‌داند که ما چگونه فکر می‌کنیم و چگونه عمل خواهیم کرد. بلکه هدف او از آزمایش، این است که از ما کاری سرزند و بدین وسیله، استحقاق پاداش و کیفر داشته باشیم؛ زیرا خداوند طبق علم خود و بدون آن‌که از شخصی عملی سر بزند، به خوبی و بدی او پاداش و کیفر نمی‌دهد.

معلم می‌داند که فلان دانش‌آموز اهل درس خواندن نیست؛ ولی نمی‌تواند قبل از امتحان، او را مردود قلمداد کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «آزمایش‌های الهی برای علم پیدا کردن خداوند نیست؛ بلکه برای آن است که بستری ایجاد شود و از انسان عملی سرزند تا کیفر و پاداش بر مبنای عمل او باشد».^۱

آزمایش الهی برای آن است که مدعیان راستین از مدعیان دروغین شناخته شوند. زیرا همه انسان‌ها به نوعی ادعا می‌کنند که آدم‌های خوبی هستند؛ اما به هنگام امتحان، حقیقت روشن می‌شود و هرکس می‌فهمد که چه مقدار در ادعایش راستگو بوده است.

۷. اهداف آزمایش عبارت‌اند از:

— شکوفا شدن استعدادهای نهفته در انسان: ﴿وَلِيَبْلُغَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا

فِي قُلُوبِكُمْ»^۱.

- جداسازی افراد نیک از بد: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»^۲.

- جداسازی صفوف مجاهدان و صابران از غیر آنها: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ»^۳.

- انجام کارهای بهتر: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۴.

۸. منصور صیقل گوید: من و حارث بن مغیره با جماعتی از اصحابمان (شیعیان) خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم و از ظهور دولت حق سخن می‌گفتیم. آن حضرت سخن ما را می‌شنید، سپس فرمود: «شما در چه موضوعی وارد شده‌اید؟ هیئات! هیئات! به خدا قسم، آنچه انتظارش را می‌کشید، واقع نشود تا وقتی که غربال شوید. به خدا قسم، آنچه چشم به راهش هستید، واقع نشود تا وقتی که امتحان شوید. به خدا قسم، آنچه به سویش چشم می‌کشید، واقع نشود تا وقتی که جدا شوید»^۵.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۷۹.

۳. سوره محمد، آیه ۳۱.

۴. سوره کهف، آیه ۷.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰.

صبر بر مشکلات عصر غیبت و راه کسب آن

﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۱

«[صابران] کسانی هستند که هرگاه مصیبتی به آنها رسد، می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.»

نکته‌ها:

۱. رسول اکرم ﷺ ضمن حدیثی فرمود: «إِذَا عَجَّلَ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا... طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ»^۲ هنگامی که خداوند در خروج قائم ما تعجیل فرماید [و او خروج کند] زمین را پر از عدل و داد می‌نماید، هم-چنان‌که پر از ظلم و جور شده باشد... خوشا به حال کسانی که در زمان غیبتش صابر و شکیب‌باشند».

۲. شعار صابران ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ است. در حدیث می‌خوانیم: «هرگاه با مصیبتی مواجه شدید، ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ بگویید».^۳ گفتن این عبارت و یاد خدا به هنگام ناگواری‌ها، آثار فراوانی دارد؛ از جمله:

- انسان را از کلام کفرآمیز و شکایت به خدا باز می‌دارد.
- موجب تسلیت و دل‌داری و تلقین افکار خوب به انسان است.
- مانع وسوسه‌های شیطانی است.
- اظهار عقاید حق است.

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۶.

۲. کفایة الأثر، ص ۶۰.

۳. در المنثور، ج ۱، ص ۳۷۷.

- برای دیگران، مایه درس و الگوییذیری است.
- ۳. مردم در برابر مشکلات و مصائب چند دسته‌اند:
- گروهی جیغ و داد می‌کنند: «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا»^۱.
- گروهی بردبار و صبور هستند: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^۲.
- گروهی علاوه بر صبر، شکرگزارند: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مَصَابِهِمْ»^۳.
- ۴. جایگاه صبر:
- صبر از صفات انبیاست: «كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ»^۴.
- صبر کلید بهشت است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ...»^۵.
- صبر در بلاها و آزمایش‌های الهی، محک و ملاک شناخت مجاهدان و صابران و موجب روشن شدن چهره آنان است: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ»^۶.
- صبر نسبت به ایمان، به منزله سر برای بدن است. پیامبر ﷺ فرمودند: «الصبر من الايمان كالرأس من البدن»^۷.
- صبر، میزان درجات بهشتیان است: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ»^۸، «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا»^۹، «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا»^{۱۰}.

۱. سوره معارج، آیه ۲۰.

۲. فقره آخر زیارت عاشورا.

۳. سوره انبیاء، آیه ۸۵.

۴. سوره بقره، آیه ۲۱۴.

۵. سوره محمد، آیه ۳۱.

۶. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۰۳.

۷. سوره رعد، آیه ۲۴.

۸. سوره فرقان، آیه ۷۵.

– صبر دارای درجاتی است. در حدیثی می‌خوانیم که صبر بر مصیبت، ۳۰۰، صبر بر طاعت، ۶۰۰، و صبر بر معصیت، ۹۰۰ درجه دارد.^۲

– در سراسر قرآن، اجر بی‌حساب فقط برای صابران مطرح شده است: ﴿إِنَّمَا يُؤَقِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.^۳

– قرآن مجید در کنار صبر، شکر را نیز مطرح فرموده است؛ اشاره به این‌که مشکلات هم نعمت هستند: ﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ شُكُورٍ﴾.^۴

– ریشه صبر، ایمان به خداوند و معاد، و امید به دریافت پاداش است: ﴿الَّذِينَ ... قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَأِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾

۵. راه‌هایی که قرآن برای صبر بر مشکلات به ما ارائه می‌دهد، از این قرار است:

– داشتن جهان‌بینی الهی

قرآن در مدح افراد باایمانی که در برابر سختی‌ها صبور هستند، می‌فرماید: این‌ها به خاطر داشتن جهان‌بینی الهی، در مواجهه با حوادث می‌گویند: ما برای خدا هستیم، استقلالی از خود نداریم، طلبی هم از او نداشته‌ایم، وجود ما و نعمت‌های ما همه و همه از اوست و ما امانتداری بیش نیستیم.

صابران، به جای خود باختگی و پناهندگی به دیگران، تنها به خدا پناه می‌برند؛ زیرا از دید آن‌ها، تمام جهان، کلاس درس و میدان آزمایش است و باید در آن رشد کنند. دنیا جای ماندن نیست، خوابگاه و عشرتکده نیست و شدائد و سختی‌های آن نیز نشانه بی‌مهری خداوند نیست. بلکه ناگواری‌ها برای آن است که زیر پای ما داغ شود و تندتر و سریع‌تر حرکت کنیم. بنابراین در تلخی‌ها نیز شیرینی است؛ زیرا شکوفا شدن استعدادها، کامیابی از پاداش‌های الهی را به دنبال دارد. این دید و جهان‌بینی، انسان را برای برخورد

۱. سوره انسان، آیه ۱۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۹۲.

۳. سوره زمر، آیه ۱۰.

۴. سوره ابراهیم، آیه ۵.

صحیح با حوادث آماده می‌کند.

— آگاهی از سنت‌های الهی

قرآن می‌فرماید: شما انسان‌های امروز، متفاوت از انسان‌های پیشین نیستید که بدون هیچ آزمایش و رنج و زحمتی به بهشت برسید؛ بلکه باید هم‌چون امت‌ها و شخصیت‌های دیگر در جریان سخت‌ترین حوادث قرار گیرید و آزموده شوید: «إِنَّمَا حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ إِنْ نَصْرَ اللَّهُ قَرِيبٌ»^۱؛ «آیا گمان می‌کنید که وارد بهشت می‌شوید بدون آن‌که با حوادث امت‌های پیشین برخورد کنید؟! مؤمنان قبل از شما مردمی بودند که انواع سختی‌ها به آن‌ها رسید تا جایی که اضطراب، همه آنان را فرا گرفت و پیامبر و مؤمنان گفتند: کجاست یاری خدا؟ آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است».

این آیه می‌گوید که در طول تاریخ، افراد باایمان و حق‌طلب دچار سخت‌ترین ناملایمات شده‌اند، اکنون نیز نوبت شماست! بنابراین، نه ناگواری‌ها تازگی دارد و نه تنها شما هستید که گرفتار این سختی‌ها و مشکلات شده‌اید؛ این یک سنت الهی است که باید طی شود.

قرآن مکرر می‌فرماید: «وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ...»^۲؛ یعنی تاریخ پیامبران و امت‌های پیشین را یاد کنید تا فکر نکنید که ناگواری‌ها فقط برای شما بوده است. آنگاه به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»^۳؛ «تو نیز مانند سایر انبیا صبور باش».

آری! انسان اگر بداند که ناگواری‌ها، هم یک قانون و سنت است و هم عمومی و همگانی، آمادگی بیشتری برای مقابله با آن پیدا می‌کند. ما در ماه رمضان خیلی راحت

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۴.

۲. سوره مریم، آیات ۴۱ و ۵۱.

۳. سوره احقاف، آیه ۳۵.

روزه می‌گیریم. چون عموم مردم در آن ماه، روزه هستند؛ اما در غیر ماه رمضان، روزه گرفتن سخت و دشوار است!

– آشنایی با صابران و چگونگی صبرشان

اطلاع از استقامت پیشینیان، یکی از رمزهای موفقیت در برخورد با حوادث است. قرآن در این زمینه بسیار سخن گفته و الگوها و مدل‌های صبر و استقامت را از افراد و امت‌های پیشین بیان کرده است.

قرآن می‌فرماید که پیامبران الهی علیهم‌السلام در برابر سرسخت‌ترین مخالفان خود می‌گفتند: «وَلَنصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا»^۱؛ «ما در برابر آزار شما استقامت خواهیم کرد» و نیز ساحرانی که به دعوت فرعون برای مقابله و محکوم کردن حضرت موسی علیه‌السلام آمده بودند، همین که به حقانیت پیامبر خدا پی بردند، ایمان آوردند و در برابر تهدیدات فرعون گفتند: «فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا»^۲؛ «هر حکمی را که می‌توانی صادر کن، تو فقط در این زندگی دنیا می‌توانی حکم کنی»، ما راه خود را پیدا کرده‌ایم و از مسیر حق دست بر نمی‌داریم.

آری! علم به تاریخ گذشته، در صبر و بردباری انسان بسیار مؤثر است؛ همان‌گونه که علم به اسرار آینده در صبر و تحمل انسان اثر می‌گذارد. حضرت خضر علیه‌السلام به موسی علیه‌السلام گفت: چون تو از باطن حوادث و اسرار کار من خبر نداری، صبر و تحمل نخواهی کرد: «وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا»^۳.

– توجه به حضور خدا

اگر انسان بداند و باور داشته باشد که خداوند بر تمام اعمال و رفتار و حتی افکار او آگاه است و در همه حال، حاضر و ناظر بر اوست، در برابر مشکلات صبر می‌کند و نه تنها سختی‌ها بر او آسان و شیرین می‌شود که خود به استقبال آن خواهد رفت.

۱. سوره ابراهیم، آیه ۱۲.

۲. سوره طه، آیه ۷۲.

۳. سوره کهف، آیه ۶۸.

خداوند به موسی و هارون علیهم السلام فرمود: نزد فرعون بروید و سخن حق خود را به گوش او برسانید و او را به یکتاپرستی دعوت کنید، و بدانید که من با شما هستم، کارتان را می بینم و گفتگوهایتان را می شنوم: **﴿أَنْتَنِي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى﴾**^۱.

و نیز خداوند برای عذاب قوم نوح و نجات افراد باایمان، به حضرت نوح دستور داد که با تأیید الهی کشتی بسازد: **﴿وَاصْنَعِ الْفُلَکَ بِأَعْيُنِنَا﴾**^۲. همین که آن حضرت به ساختن کشتی مشغول شد، تمسخر کفار نیز شروع شد. آن ها می گفتند: «گویا پیامبری شما نگرفت و اکنون دست به نجاری زده ای!»، ولی چیزی که موجب مقاومت او در برابر طعنه ها می شد، همان جمله خدای متعال بود که «تو پیش چشم ما هستی و کار تو زیر نظر ماست». چنین ایمان و بینشی روح استقامت را در انسان زنده می کند.

— توجه به پاداش الهی

از جمله مواردی که روح استقامت را در انسان زنده می کند، توجه به آثار مثبت و اجر و پاداش الهی صبر است؛ زیرا تحمل سختی ها، بزرگ ترین پاداش دنیوی و اخروی را برای انسان در بردارد. در قرآن نمونه های فراوانی از این امتیازها به چشم می خورد.

۱. سوره طه، آیه ۴۶.

۲. سوره هود، آیه ۳۷.

برکات صبر در عصر غیبت

﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾^۱

«آنان هستند که برایشان از طرف پروردگارشان درودها و رحمت‌هایی است و همان‌ها هدایت‌یافتگان‌اند.»

نکته‌ها:

۱. امام حسین علیه السلام فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أُولَهُمُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخَرُونَ فَيُؤْذَوْنَ وَ يُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَّا إِنْ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ؛^۲

از ما [اهل بیت] دوازده مهدی است که اولین آنان، امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرین آنها نهمین نفر از فرزندان من است. اوست قیام‌کننده به حق که خداوند به وسیله او زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند و دین حق را به دست او بر تمامی ادیان پیروز می‌نماید؛ اگرچه مشرکین نخواهند. برای او غیبتی است که جمعی در آن مرتد شوند و جمعی دیگر در دین ثابت‌قدم بمانند و آزار شوند و به ایشان گفته شود: «کجاست این وعده، اگر راستگو هستید؟». هر آینه در دوران غیبت او، بردباران بر آزار و تکذیب مردم همانند جهادکنندگان با شمشیرند در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله».

۲. هدایت صابران، قطعی و مسلم است. با آن‌که در قرآن، هدایت یافتن بسیاری از

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۷.

۲. کفایة الأثر، ص ۲۳۲.

انسان‌ها، تنها یک آرزو است: «لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ»، ولی در مورد صابران، هدایت آنان قطعی تلقی شده است: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ».

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَنْتَظَرَ أَمْرَنَا وَصَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَالْخَوْفِ هُوَ غَدَاً فِي زُمْرَتِنَا»^۱ هر که چشم به راه دولت ما باشد و بر آزار و ترسی که می‌بیند، شکیبایی ورزد، فردای قیامت در زمره ما محشور می‌گردد».

۴. آثار و برکات صبر در قرآن:

- امنیت از مکر و حيله دشمنان: «وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً»^۲.
- امداد غیبی الهی: «إِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوَكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»^۳.
- قطعی بودن پیروزی: «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا»^۴.
- دریافت پاداش نیکوتر: «وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۵.
- محبوب الهی شدن: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»^۶.
- بهره‌مندی از همراهی خاصه الهی: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۷.
- پیشوایی بر مردم: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»^۸.

۱. الکافی، ج ۸، ص ۳۶.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۲۰.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۴. سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۵. سوره نحل، آیه ۹۶.

۶. سوره آل عمران، آیه ۱۴۶.

۷. سوره انفال، آیه ۴۶.

۸. سوره سجده، آیه ۲۴.

- ورود به بهشت: ﴿وَمَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَاقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾.^۱
- رفاه دنیوی: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾.^۲
- آرامش: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾.^۳
- ۵. پرسش: آیا مشکلات جنبه مثبت نیز دارد؟
- پاسخ: مشکلات، آثار و برکات دیگری نیز به همراه دارد؛ از جمله:
 - انسان را به یاد ضعف خود می‌اندازد و غرورش را شکسته، او را متواضع می‌کند.
 - ارتباط انسان با خداوند زیباتر می‌شود.
 - انسان در مشکلات به فکر چاره می‌افتد و استعداد و ابتکارش شکوفا می‌شود.
 - مشکلات، انسان را به یاد کسانی می‌اندازد که دائماً در حوادث تلخ زندگی می‌کنند.
 - انسان با صبر و شکیبایی بر مشکلات، به مقام برتر و بالاتر می‌رسد.
 - در مشکلات، عواطف مردم تحریک شده، احساس هم‌دردی می‌کنند و به این وسیله، پیوندهای عاطفی و اجتماعی محکم می‌شود.
 - مردم با امداد و هم‌دردی و کمک‌رسانی، به پاداش‌های الهی می‌رسند.
 - انسان در مشکلات، قوی و خودساخته می‌شود.

۱. سوره فصلت، آیه ۲۵.

۲. سوره جن، آیه ۱۶.

۳. سوره احقاف، آیه ۱۳.

حج و امام مهدی علیه السلام

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾^۱

«حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید.»

نکته‌ها:

۱. امامان معصوم علیهم السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «حج تمام، حجتی است که در آن، کلام زشت، گناه و نزاع نباشد و از محرّمات پرهیز شود».^۲ هم‌چنین فرموده‌اند که حجتی تمام است که در آن، انسان توفیق یابد امام زمان خود را ملاقات کند. امام باقر علیه السلام در این زمینه فرمود: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ»^۳ از موجبات تمامیت حج، دیدار امام است.
۲. امام باقر علیه السلام در حدیث دیگری فرمود: «إِنَّمَا أَمْرُ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ»^۴ همانا مردم مأمور شده‌اند تا به سوی این سنگ‌ها بیایند و دور آن‌ها طواف کنند، و آن‌گاه به سوی ما آیند و ما را از ولایتشان خبر دهند و نصرت خود را بر ما عرضه نمایند.
- ایشان با استناد به آیه ﴿فَجَعَلْ أَقْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ﴾^۵ فرمود: «حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا نخواست که دل‌های مردم به کعبه تمایل پیدا کند، بلکه از خداوند

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۶.

۲. نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۵. سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

درخواست کرد که مردم به ذریه او تمایل یابند».^۱ آری! توجه به امام، یکی از فلسفه‌های حج است.

۳. نصب امام در غدیر خم، در جریان حج بوده است. جابر بن عبدالله انصاری، ابوذر غفاری و... در ایام حج شرکت می‌نمودند و از هر فرصتی برای نقل حدیث غدیر خم استفاده می‌کردند.

۴. حج، بهترین فرصت برای توبه، یاد مرگ و معاد، از همه چیز بریدن، صحرای عرفات و مشعر را دیدن و در انتظار مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه نشستن است.

۵. کعبه مرکز قیام است؛ یعنی می‌توان دور آن، مردم را برای قیام دعوت نمود. همان‌گونه که امام حسین علیه السلام قبل از حرکت به کربلا، چند ماه در مکه توقف کرد و هنگام اجتماع مردم برای اعمال حج، آنان را از حرکت خود آگاه ساخت. قیام حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه نیز از آن‌جا آغاز خواهد شد و مایه خواهد گرفت.

۶. ارزش هر چیزی به پایه‌ها و ارکان آن است. امامان ما در زیارت جامعه «ارکان البلاد» معرفی شده‌اند. رکن کعبه، امام است؛ رکن مکه، امام است؛ رکن عالم وجود، حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه است. اگر امام معصوم نباشد، زمین اهلش را در خود فرو می‌برد.^۲

حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه هر ساله در زمان حج، در مکه حضور دارد و نقش خود را ایفا می‌فرماید. امام صادق فرمود: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمُ يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ فِيهِ»^۳ قائم دو غیبت خواهد داشت. در یکی از آن دو، شاهد موسمی حج خواهد بود، در حالی که مردم را می‌بیند، ولی مردم او را نمی‌بینند».

آری در عرفاتی که در آن، امام حاضر نباشد، معرفتی نیست؛ در مشعری که در آن، امام حاضر نباشد، شعوری نیست؛ اگر در منی امام حاضر نباشد، شیطان‌ها قد علم کرده و ایستاده‌اند و رمی آن‌ها ممکن نیست؛ اگر در کنار زمزم، امام حاضر نباشد، آبی نخواهد

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۱۱

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «لو بقيت الارض بغير امام لساخت». کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. الغيبة، نعمانی، ص ۲۵.

بود، بلکه هر چه هست، سراب است.

همان‌طور که حیات هر زنده‌ای وابسته به آب است (مِنْ الْمَاءِ كُلُّ شَيْءٍ حَيٍّ)،^۱ حیات معنوی هر انسان نیز به رهبران آسمانی وابسته است: ﴿دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾^۲

۷. علمای ما، بیش از هر جا، در مراسم حج به دنبال گمشده خود، یعنی امام زمان علیه السلام می‌گشته‌اند. علی بن مهزیار اهوازی حدود بیست مرتبه به عشق دیدار امام عصر علیه السلام به حج رفت، تا آن‌که در مرتبه آخر به او مژده داده شد که در آن سال، خدمت حضرت مشرف خواهد شد.

۸. در روایت آمده است که امام زمان علیه السلام به اذن خدا حرکتش را از مکه شروع می‌کند و در حالی که به خانه کعبه تکیه زده، می‌گوید: ﴿بَقِيتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۳ و مردم را به سوی خود دعوت می‌کند. اولین گروهی که با آن حضرت بیعت می‌کنند، ۳۱۳ نفر هستند. حضرت در مکه می‌ماند تا تعداد یارانش به ده هزار نفر برسد؛ سپس از آن‌جا به سمت مدینه حرکت می‌کند.^۴

۹. مرحوم آیت الله العظمی حکیم، از مراجع تقلید، ماجرای را در جلسه درس خود نقل کرده‌اند که من آن را از فرزند شهیدش، مرحوم سید محمدباقر حکیم، امام جمعه نجف و نیز یکی از علمای اصفهان نقل می‌کنم.

ایشان نقل کرده است که با شخصی رفیق بودیم و او انسان بسیار خوبی بود. با هم قرار گذاشتیم که هر کدام زودتر مردیم، به خواب دیگری بیایم و از اوضاع آن طرف، خبر بدهیم. رفیقم از دنیا رفت و تا یک سال به خوابم نیامد.

بعد از یک سال که به خوابم آمد، به او گفتم: «چرا یک سال مرا بی‌خبر گذاشتی؟»، گفت: «لحظه مرگ به من گفتند یا یهودی بمیر یا نصرانی؛ زیرا تو امسال واجب‌الحج

۱. سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۲. سوره انفال، آیه ۲۴.

۳. سوره هود، آیه ۸۶.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰.

بودی و نرفتی. من وحشت کردم که بعد از یک عمر عقیده به اسلام و امامان معصوم علیهم‌السلام، باید یهودی یا مسیحی بمیرم!

شروع به التماس کردم و به حضرت زهرا علیها‌السلام متوسل شدم. حضرت زهرا علیها‌السلام به فرزندش، حضرت مهدی علیه‌السلام فرمود: امسال به نیابت از این محب ما به حج برو. لذا تا یک سال مرا نگه داشتند تا آنکه زمان حج رسید و حج حضرت مهدی علیه‌السلام به نیابت از من تمام شد و حالا که آزاد شده‌ام به خواب شما آمدم.

۱۰. قرآن می‌فرماید: «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ»؛ «به این شهر قسم می‌خورم، در حالی که تو در آن هستی و حلول کردی»، یعنی به خاطر وجود تو به مکه قسم می‌خورم. هم‌چنان که منبری ارزش دارد که گوینده، بر آن، حرف حق بزند.

در روایت آمده است: «إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَفَرْعُهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ».^۲ بر اساس این روایت، دو گونه اسلام داریم: اسلام ساکت و اسلام نامی. اسلام ساکت که غرب آن را ترویج کرده و جا انداخته، اسلام خشک است که تنها عبادت در آن وجود دارد. اسلام ساکت، اسلام خواب است! اما اسلام نامی، اسلامی است که باعث رشد و بالندگی شود. امامت و رهبری حق، باعث رشد اسلام می‌شود؛ همان‌گونه که در روایت آمده است که با وجود امام، حج کامل می‌شود.

۱۱. امام خمینی ره می‌فرمود: «این بیت معظم (کعبه) برای ناس بنا شده و برای قیام ناس و نهضت همگانی و برای منافع مردمی. و چه نفعی بالاتر و والاتر از آنکه دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد. بیتی که برای قیام تأسیس شده است، آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود».^۳ حج باید وسیله حرکت و محل برائت از طاغوت باشد. حج فقط دور زدن و خم و راست شدن

۱. سوره بلد، آیه ۱.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۴.

نیست. قرآن می‌فرماید: ﴿وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾^۱، یعنی همه، از همه جا و به هر شکلی به حج بروید، برای آن‌که مشکلات را حل نمایید.

حج، بسیج جهانی برای خرد کردن شیطان است؛ بسیجی علیه تفرقه‌ها، تعددها و امتیازات؛ بسیجی علیه کفر، شرک و نفاق. حج به مردم می‌گوید: ابراهیم، اسماعیل را به خدا داد و عیدی گرفت، شما هم عزیزتان را بدهید و عیدی بگیرید. به جهانیان بگویید که باید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان، سر از پا نشناخت و حتی از اسماعیل ذبیح الله علیه السلام گذشت، که حق، جاودانه است.

ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم به بشریت آموختند که بت‌ها هر چه هستند، باید شکسته شوند و کعبه - که ام‌القری است - و همه نقاط زمین - که از زیر کعبه بسط پیدا کرده - تا آخرین روز جهان باید از لوث بت‌ها تطهیر شوند.

و چه بتی بدتر از طاغوت‌های تاریخ، از زمان آدم صلی الله علیه و آله، ابراهیم خلیل الله علیه السلام و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تا آخرالزمان، و مگر ابرقدرت‌های امروز، بت‌های جهان نیستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابولهب‌ها را کوبید، شما هم باید ابرقدرت‌ها را بکوبید؛ اگر می‌خواهید پایتان را جای پای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بگذارید.

خیلی از مسائل حج - از منی و عرفات و رمی جمرات و... - ماند که نگفتم و تنها دورنمایی از حج را بیان کردیم. آرزوی امام عزیز، آرزوی اسلام و قرآن و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه این است که حاجی‌ها بیدار و متحد شوند و ابرقدرت‌ها را درهم بکوبند.

رجعت در عصر ظهور

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»^۱

«آیا ندیدی کسانی را که از ترس مرگ از خانه‌های خود فرار کردند، در حالی که هزاران نفر بودند؛ پس خداوند به آنها گفت: بمیرید [و آنها مردند]، سپس آنان را زنده کرد [تا درس عبرتی برای آیندگان باشند]. همانا خداوند نسبت به مردم احسان می‌کند، ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌گذارند.»

نکته‌ها:

۱. در شأن نزول این آیه آمده است که در یکی از شهرهای شام که حدود هفتاد هزار خانوار، جمعیت داشت، بیماری طاعون پیدا شد که با سرعتی عجیب، مردم را یکی پس از دیگری از بین می‌برد. در این میان، عده‌ای از مردم^۲ که توانایی و امکان کوچ کردن داشتند، به امید این‌که از مرگ نجات پیدا کنند، از شهر خارج شدند؛ اما پروردگار، آنها را در بیابان به همان بیماری دچار، و نابود ساخت.

از برخی روایات استفاده می‌شود که شیوع آن بیماری در آن شهر، مجازات الهی بود؛ زیرا وقتی رهبر و پیشوای آنان از آنها خواست که خود را برای مبارزه و جهاد آماده کنند و از شهر خارج شوند، آنها به بهانه این‌که مرض طاعون در منطقه جنگی شایع است، از رفتن به میدان جنگ خودداری کردند و خداوند نیز آنها را به همان چیزی که

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۳.

۲. به گفته صاحب تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، تعداد آن عده، بیش از ده هزار نفر بوده است؛ زیرا عرب به بیش از ده هزار «الوف» و به کم‌تر از آن «آلاف» می‌گوید. رک: التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸۲.

بهانه فرار از جنگ قرار داده بودند، مبتلا ساخت.

در برخی تفاسیر و روایات آمده است: وقتی حزقیل نبی، یکی از پیامبران بنی اسرائیل، از آن شهر عبور کرد، از خداوند درخواست کرد که ساکنین آنجا را زنده کند. خداوند دعای او را اجابت کرد و آنها را مجدداً زنده نمود و به زندگی باز گرداند.^۱

۲. شیعه، به رجعت و زنده شدن گروهی از افراد، قبل از قیامت، اعتقاد دارد و این اعتقاد، علاوه بر صدها حدیث، به آیاتی نظیر این آیه، مستند است. این امر، از نظر عقلی هم محال نیست و امکان وقوع دارد. اصل رجعت، در روایات، متواتر است؛ چنانکه اقرار به رجعت اولیای خدا در متن زیارت‌نامه‌های امامان علیهم‌السلام نیز آمده است: «مصدق لرجعتکم».

۳. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا»^۲ از ما نیست کسی که به رجعت ما باور نداشته باشد.

۴. در روایات، روز ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام، روز رجعت و روز قیامت از مصادیق «ایام الله» عنوان شده‌اند. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»^۳.

۵. نمونه‌هایی از رجعت در قرآن آمده است. یکی از معجزات عیسی علیه‌السلام این بود که مرده‌ها را زنده می‌کرد؛ پس در همین دنیا برخی از مرده‌ها زنده شده‌اند. به گزارش قرآن، عَزِيزٌ علیه‌السلام پیغمبری بود که وقتی از قریه‌ای می‌گذشت، گفت: «خدایا! اهل این قریه مخروبه که نابود شده‌اند، چگونه در قیامت زنده می‌شوند؟» خدا نیز همان‌جا جان او را گرفت و پس از صد سال، زنده‌اش کرد.^۴

۶. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «مُقِرُّ بِرَجْعَتِكُمْ»؛ یعنی ای امام زمان! ای

۱. الکافی، ج ۸، ص ۱۹۸.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸.

۳. مختصر البصائر، ص ۸۹.

۴. سوره بقره، آیه ۲۵۹.

اهل بیت! من قبول دارم که شما رجعتی خواهید داشت. در دعای عهد هم از خدا درخواست می‌کنیم که اگر قبل از ظهور امام زمان علیه السلام از دنیا رفتیم، ما را در زمان ظهور، زنده کند و به دنیا بازگرداند.

۷. رجعت برای همه مردگان نیست؛ بلکه افراد خاصی با شرائط خاصی دو مرتبه زنده می‌شوند. درباره این که چه کسانی در رجعت باز خواهند گشت، احادیث فراوانی آمده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام وَ إِنَّ الرُّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ بَلْ هِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحْضُ الْإِيمَانِ مَحْضًا أَوْ مَحْضُ الشَّرْكِ مَحْضًا؛^۱ نخستین کسی که قبرش می‌شکافد و زنده شده، به دنیا بازمی‌گردد، حسین بن علی علیه السلام است و این رجعت، عمومی نیست [که تمام مردگان زنده شده، سر از قبر برآورند]، بلکه افراد خاصی به دنیا برمی‌گردند و آن‌ها یا مؤمن خالص هستند یا مشرک محض».

۸. و نیز در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَ عَلِيًّا سَيَرْجِعَانِ؛^۲ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام به دنیا رجعت می‌کنند». هم‌چنین امام صادق علیه السلام فرمود: «بِأَقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام، بیست و هفت مرد از مکه معظمه بیرون می‌آیند. پانزده تن ایشان از قوم موسی علیه السلام هستند، آنان که به حق و درستی راهنمایی می‌کردند و به وسیله آن، عدالت و دادگری می‌نمودند. هفت تن از آنان نیز اصحاب کهف هستند و باقی آن‌ها، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر می‌باشند که ایشان یاوران و فرماندهان آن حضرت خواهند بود».^۳

۹. از امام صادق علیه السلام نقل است که فرموده‌اند: «برای افرادی که [به قهر الهی] هلاک شدند، دیگر رجعت به دنیا ممکن نیست؛ ولی برای کفاری که هلاک نشدند [و به مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند] این رجعت امکان‌پذیر است».^۴

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۰۷.

۲. مختصر البصائر، ص ۱۰۷.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲.

۴. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴.

امتحان برای انتخاب یاران امام زمان علیه السلام

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۱

«پس هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: خداوند شما را به یک نهر آب آزمایش می‌کند، پس هرکه از آن بنوشد از من نیست و هرکس از آن نخورد - مگر آن‌که با دست، مستی برگیرد [و بیاشامد] - از من است. پس [همین که به نهر آب رسیدند] جز اندکی، همه از آن نوشیدند. سپس هنگامی که او و یاوران باایمانش از آن نهر گذشتند [و دشمن را دیدند] گفتند: امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. اما آن‌ها که اعتقاد داشتند خدا را ملاقات خواهند کرد [و به روز قیامت ایمان داشتند] گفتند: چه بسا گروهی اندک که به اذن خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند و خداوند با صابران [و استقامت کنندگان] است.»

نکته‌ها:

۱. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «افرادی که تا آخر کار به طالوت وفادار ماندند، سی صد و سیزده نفر بودند».^۲

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند اصحاب موسی علیه السلام را به وسیله نهر آبی امتحان کرد، چنان‌که خدا فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾، اصحاب قائم هم چنین امتحان خواهند

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۲. نورالتقلین، ج ۱، ص ۲۵۱.

شد».^۱

۳. یک مدیر باید نیروهای کارآمد را از نیروهای ناکارآمد جدا نماید تا بتواند نیروهای غیرمفید را از مجموعه طرد کند؛ زیرا حضور آنها باعث سست شدن سایر نیروها می‌شود. ﴿فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي﴾

۴. برای منصوب کردن افراد به مقام و مرتبه‌ای، گزینش و آزمایش لازم است؛ چنان‌که خداوند برای انتصاب حضرت ابراهیم علیه السلام به امامت، او را آزمود.^۲

۵. یکی از راه‌های آزمایش، ممنوعیت‌های موسمی است. راحت‌طلبی و عدم تحمل فشارها و سختی‌های موسمی و موقتی، با سلحشوری سازگاری ندارد. ﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾

۶. قبل از برخورد و مقابله با دشمن، باید تمرین مقاومت کرد. ﴿مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾
۷. انقلابی بودن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است. در این ماجرا، مدعی بسیار بود، ولی آنان که در آزمایش موفق شدند، اندک بودند. ﴿إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ﴾

۸. ایمان، درجاتی دارد. با این‌که گروهی همراه با طالوت بودند و به او ایمان داشتند و از نوشیدن آب هم گذشتند (آمَنُوا مَعَهُ)، ولی همه آن مؤمنان رزمنده نبودند. تنها مؤمنانی رزمنده بودند که به لقاء الله ایمان داشتند. ﴿يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ﴾

۹. نیروهای کیفی هرچند اندک باشند، بر نیروهای کمی برتری دارند. ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً﴾

۱۰. ملاک عزل و نصب‌ها، باید اهلیت و صلاحیت افراد باشد. کلید خوش‌بختی جامعه، بر سر کار بودن افراد لایق و رفتار عادلانه آنها، و منشأ نابسامانی‌ها، ریاست نااهلان است.

۱۱. رعایت اصل شایسته‌سالاری لازم است، حتی در مورد زیردستان؛ و خداوند

۱. الغیة، طوسی، ص ۴۷۲.

۲. سوره انسان، آیه ۲ و سوره ملک، آیه ۳.

کسانی را که شایسته هستند، سرپرستی می‌کند: ﴿هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾.^۱

۱۲. مردی از خراسان به امام صادق علیه السلام پیشنهاد قیام کرد و گفت: «شما صدهزار نیروی مسلح دارید». امام برای آزمایش میزان فداکاری آن مرد به او فرمود: «به آن تنوری که پر از آتش است، وارد شو». او ترسید و عذرخواهی کرد. در این هنگام، هارون مکی، یکی از یاران امام، وارد شد و سلام کرد. امام به او فرمود: «کفش‌هایت را کنار بگذار و به تنور آتش وارد شو». او بدون هیچ پرسشی وارد تنور شد. امام نیز شروع به گفتگو کرد و از احوال خراسانی‌ها پرسید.

بعد از مدتی، امام رو به مرد خراسانی کرد و گفت: «برو داخل تنور را نگاه کن». او نیز چنین کرد و دید هارون مکی صحیح و سالم در تنور نشسته است. امام به او فرمود: «از این شیعیان تنوری که هر چه ما گفتیم تسلیم باشند و نق نزنند، چند نفر داریم؟» وی گفت: «شیعه تنوری هیچ!». ^۲ آری میان ادعا و عمل، فاصله، بسیار است.

۱. سوره اعراف، آیه ۱۹۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.

توسل به عروة الوثقی امام زمان علیه السلام

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۱

«در [پذیرش] دین، اکراهی نیست. همانا راه رشد از گمراهی روشن شده است؛ پس هر که به طاغوت کافر شود و به خداوند ایمان آورد، قطعاً به دستگیره محکمی دست یافته که گسستنی برای آن نیست. و خداوند شنوای داناست.»

نکته‌ها:

۱. مطابق روایات، یکی از مصادیق تمسک به «عروة الوثقی» و ریسمان محکم الهی، اتصال با اولیای خدا و اهل بیت علیهم السلام است. رسول اکرم فرمود: «ای مردم! کسی که دوست دارد به عروة الوثقی - که هرگز قطع نمی‌گردد - تمسک جوید، به ولایت علی علیه السلام تمسک کند؛ زیرا ولایت او، ولایت من، و اطاعت از او، اطاعت از من است. ای مردم! هر کس دوست دارد حجت پس از من را بشناسد، علی علیه السلام را بشناسد. ای مردم! کسی که ولایت خدا او را شاد می‌کند، باید به ولایت علی علیه السلام اقتدا کند؛ زیرا او خزانه علم من است. ای مردم! کسی که دوست دارد خدا را ملاقات کند و از او راضی باشد، ائمه علیهم السلام را دوست داشته باشد.»

جابر برخاست و پرسید: «ائمه چه تعداد هستند؟» فرمود: «ای جابر! خداوند تو را رحمت کند، [گویا] از همه اسلام پرسیدی. تعداد آنان به تعداد ماه‌هاست، که نزد خدا دوازده عدد است و آن را در کتاب خود، در روزی که آسمان و زمین را آفرید، آورده است.»

و تعدادشان، به تعداد چشمه‌هایی است که برای موسی بن عمران علیه السلام جوشید، در آن زمان که عصایش را بر زمین زد و دوازده چشمه از آن جوشید. و تعدادشان به تعداد نقبای بنی‌اسرائیل است که خداوند فرموده: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»^۱ «و هنگامی که خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و دوازده بزرگ از میان آن‌ها برانگیختیم». ای جابر! تعداد ائمه علیهم السلام دوازده نفر است؛ اول ایشان علی علیه السلام و آخرینشان قائم علیه السلام است»^۲.

۲. دینی که برهان و منطق دارد، نیازی به اکراه و اجبار ندارد. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»

۳. دین، مایه رشد انسان است. «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»

۴. محکم بودن ریسمان الهی، کافی نیست؛ محکم گرفتن هم شرط است. «فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ...»

۵. تکیه به طاغوت‌ها و هر آنچه غیرخدایی است، گسستی و از بین رفتنی است. تنها رشته‌ای که گسسته نمی‌شود، ایمان به خداست. «لَا انْفِصَامَ لَهَا»
۶. ایمان به خدا و رابطه با اولیای خدا ابدی است (لَا انْفِصَامَ لَهَا)؛ ولی طاغوت‌ها در قیامت از پیروان خود تبری خواهند جست.

۷. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ»^۳ هر کس به شما متوسل شود، متوسل به خدا شده است». مثل آن است که می‌گوییم هر کس به بچه من احترام کند، گویی به من احترام کرده است.

هر کس متوسل به شما شود، متوسل به خدا شده است و آن‌گاه «وَمَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۴ «هر کس به خدا متوسل شود، به راه مستقیم هدایت شده

۱. سوره مائده، آیه ۱۲.

۲. إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۹۳.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

است». ما که در نماز می‌گوییم: «**اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**»؛ «خدایا ما را به راه مستقیم ببر»، امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «راه مستقیم، راه اهل بیت علیهم السلام است».^۱ راه توسل به خدا، توسل به اهل بیت علیهم السلام است.

۸. آیا توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او شرک است؟! با اندکی دقت در اطراف خود، متوجه می‌شویم که گردش امور هستی، بر اساس اسباب و وسایل، و به تعبیری دیگر، «توسل» است. آب و مواد غذایی از طریق ریشه، تنه و شاخه درخت به برگ آن می‌رسد و ریشه درخت از طریق برگ، نور و هوا را دریافت می‌کند. باران که می‌بارد، به واسطه ابر است و ابر به وسیله گرم شدن آب دریا در اثر نور خورشید ایجاد می‌شود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «**أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ**»^۲ «خداوند نمی‌خواهد که کارها بدون سبب و علت، جریان پیدا کند». خداوند برای هر کاری، واسطه و علتی قرار داده است. هر چند شفا و درمان از خداست: «**وَإِذَا مَرَضْتَ فَهُوَ يَشْفِيكَ**»^۳ اما همین شفا را خداوند در عسل قرار داده است: «**فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ**»^۴. هر چند خداوند کارها را تدبیر می‌کند: «**يُدَبِّرُ الْأَمْرَ**»^۵ اما فرشتگان واسطه تدبیر او هستند: «**فَالْمَدْبِرَاتُ أَمْرٌ**»^۶.

قرآن در مورد توسل می‌فرماید: «**وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ**»^۷ «وسیله‌ای برای نزدیکی به خدا جستجو نمایید». حال، آن وسیله کدام است؟ خداوند در این آیه، نوع وسیله را برای ما مشخص نکرده و آن را به صورت مطلق فرموده است. لذا وسیله، شامل هر چیزی که

۱. تفسیر کنز الدقائق، ج ۱، ص ۷۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۰.

۳. سوره شعراء، آیه ۸۰.

۴. سوره نحل، آیه ۶۹.

۵. سوره یونس، آیه ۳.

۶. سوره نازعات، آیه ۵.

۷. سوره مائده، آیه ۳۵.

ما را به خدا نزدیک کند، می‌شود.

حضرت آدم علیه السلام پس از آن‌که از بهشت اخراج گردید، سالیانی را به گریه، زاری، توبه و انابه گذراند. سپس کلماتی را از طرف پروردگارش دریافت کرد و به آن کلمات متوسل شد. قرآن در این باره می‌فرماید: «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ»^۱. فخر رازی و بسیاری از مفسران اهل سنت گفته‌اند که مراد از کلماتی که حضرت آدم علیه السلام به آن‌ها متوسل شد، نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش علیهم السلام بوده است. در روایات آمده است که آن کلمات، چنین بود: «الهی یا حمید بحق محمد، یا عالی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمة، یا محسن بحق الحسن، یا قدیم الاحسان بحق الحسین و منک الاحسان».

وهابیون می‌گویند: اگر نام کسی را در کنار نام خدا بیرید، شرک است؛ در حالی که اگر سخن آن‌ها درست باشد، خداوند - نعوذ بالله - خود، مشرک است! زیرا در آیه ۷۴ سوره توبه می‌فرماید: «أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ «خداوند و پیامبرش، آن‌ها را بی‌نیاز کردند». در این آیه، نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کنار نام خدا آمده است.

هم‌چنین خداوند می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ»^۲؛ «خداوند جان‌ها را می‌گیرد»، ولی در جای دیگری می‌فرماید: «يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ»^۳؛ «ملک الموت جان شما را می‌گیرد». بنابراین اعتقاد به وجود واسطه، نه تنها شرک نیست، بلکه اساس هستی بر مبنای آن است. کسی که می‌گوید توسل به امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهما السلام شرک است، خودش برای عبور کشتی‌هایش، متوسل به پرچم آمریکا می‌شود. آری! کسی که از توسل به زهرا علیهما السلام جدا شد، باید متوسل به پرچم آمریکا بشود!

علاوه بر آیات قرآن و استدلال‌های فوق که توسل را جایز می‌داند، یک دلیل تجربی هم بر جواز توسل داریم و آن، بر آورده شدن حوائج است. میلیون‌ها انسان مؤمن و معتقد، با توسل به اهل بیت علیهم السلام حاجات خود را از خداوند می‌خواهند و خداوند

۱. سوره بقره، آیه ۳۷.

۲. سوره زمر، آیه ۴۲.

۳. سوره سجده، آیه ۱۱.

حاجت‌های آنها را برآورده کرده و مشکلاتشان را برطرف می‌سازد. اگر انجام این گونه کارها شرک است، پس چرا حاجت‌ها برآورده شده و این گونه دعاها مستجاب می‌شود؟ چرا آنها ما را کمک می‌کنند؟ آیا خداوند متعال و آن بزرگواران، ما را به شرک سوق می‌دهند؟!

وهابی‌ها می‌گویند: هر ذکری جز «یا الله» شرک است، گرچه «یا محمد» باشد و اصولاً هر گونه استمدادی از غیر خدا شرک است. باید پرسید: اگر استمداد به اولیای خدا شرک است، پس حکم سخن فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام که به پدرشان گفتند: «یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا»؛^۱ «پدر جان! از خداوند بخواه ما را ببخشد» چیست؟ اگر بگویند که حضرت یعقوب علیه السلام در زمان استمداد آنها زنده بود، می‌گوییم: اهل بیت علیهم السلام نیز زنده هستند؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحياءٌ عند ربِّهم يُرزقون»؛^۲ «گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در پیشگاه پروردگار خود، روزی می‌خورند».

۹. آقای کوپائی، نماینده آیت‌الله بروجردی، می‌گوید: «در سفری به نجف اشرف سخت مریض شدم. در آنجا پس از توسل به امام زمان علیه السلام نذر کردم که اگر سالم شدم، دو باب حمام در سامرا بسازم. اتفاقاً خوب شدم و دوستان را از این امر آگاه کردم و نامه‌ای به حضرت آیت‌الله بروجردی نوشتم. ایشان هم کمک کرد.

بعد بنا گذاشتم حسینیه‌ای بسازم. معمار را از اصفهان بردیم. روزی معمار که در طبقه سوم کار می‌کرد، از بالا سقوط کرد و حال آنکه روی زمین مقدار زیادی آهن بود و همه گفتیم از بین خواهد رفت. اما دیدیم که از جا بلند شد و کاملاً سالم بود. علت را پرسیدیم. گفت: «موقعی که پرتاب شدم، گفتم یا صاحب الزمان اغثنی».

بعد از این ماجرا شبی امام زمان علیه السلام را در خواب دیدم که داخل حسینیه شده و به من فرمودند: «لیست اشخاصی که برای ساخت این‌جا کمک کرده‌اند را بیاور». من همین‌کار

۱. سوره یوسف، آیه ۹۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

را کردم؛ در حالی که دیدم همه آن‌هایی که کمک کرده‌اند، اطراف حضرت حاضرند. حضرت همه را دعا فرمود و اولین دعا را به حضرت آیت‌الله بروجردی کردند.^۱

معرفت امام زمان علیه السلام، مصداق بارز حکمت

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۱

«[خداوند] حکمت و بینش را به هرکس بخواهد [و شایسته ببیند] می‌دهد و به هر کس حکمت داده شود، همانا خیری فراوان به او داده شده است و جز خردمندان [از این نکته] متذکر نمی‌گردند.»

نکته‌ها:

۱. حکمت را به معنی معرفت و شناختِ اسرار و آگاهی از حقایق و رسیدن به حق دانسته‌اند که خداوند آن را به بعضی از افراد، به خاطر پاکی و تقوا و تلاششان، عطا می‌کند تا آنان وسوسه‌های شیطانی را از الهامات الهی باز شناخته و چاه را از راه و شعار را از شعور تشخیص دهند و این، خیر کثیر است.

۲. امام صادق علیه السلام راجع به این قول خدای عز و جل: ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ فرمود: «مراد از حکمت، اطاعت خدا و معرفت امام است».^۲

۳. همه دنیا متاعِ قلیل است،^۳ ولی حکمت، خیر کثیر است؛ پس اگر همه امکانات مادی در راه دست‌یابی به حکمت و بینش صحیح استفاده شود، ارزش دارد. ﴿فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾

۴. حکمت، هدیه‌ای کلیدی و مادر همه خیرات است. هرکه آن را به دست آورد،

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳. ﴿مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ﴾ سوره نساء، آیه ۷۷.

چیزهای بسیاری خواهد داشت. ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾
۵. هر کسی به ارزش حکمت پی نمی‌برد: ﴿مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ دنیاگرایان بر
مال و آمار و محاسبات مادی تکیه می‌کنند و سود و زیان را بر اساس مادیات می‌سنجند،
ولی دوراندیشان عاقل و راه‌شناسان اندیشمند، از بُعد دیگری محاسبه می‌کنند.

سوره آل عمران

ظهور و شرایط امدادهای غیبی

﴿بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتِيَكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾^۱

«البته اگر صبر و مقاومت کنید و پرهیزگاری نمایید، [گرچه] دشمنان با خشم و خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته مخصوص مدد می‌رساند.»

نکته‌ها:

۱. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «ملائکه‌ای که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در روز بدر نصرت نمودند، در زمین هستند و هنوز بالا نرفته‌اند، و به آسمان نروند تا این که صاحب این امر (ولی عصر علیه السلام) را نصرت کنند و آن‌ها پنج هزار نفرند.»

۲. در حدیث می‌خوانیم: «سه لشکر برای یاری حضرت مهدی علیه السلام می‌آیند؛ لشکری از فرشتگان، لشکری از مؤمنان و ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان»^۲.

۳. استقامت و تقوا، عامل نزول فرشتگان و امدادهای غیبی است. ﴿إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا ... يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ﴾

۴. امدادهای الهی، اختصاص به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد. ﴿إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا ... يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ﴾

۵. هرچه هجوم دشمن بر تقواییشگان شدید باشد، خداوند نیز بر امدادهای خود خواهد افزود. ﴿يَأْتِيَكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ ... بِخَمْسَةِ آلَافٍ﴾

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۸.

۶. یکی از امدادهای غیبی، ملائکه هستند. چند آیه وجود دارد که می‌گوید در جنگ بدر فرشته‌ها به کمک مسلمانان آمدند. در جایی می‌فرماید: ﴿ثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ﴾؛^۱ یعنی سه هزار فرشته، و در جایی دیگر فرمود: اگر تقوی و صبرتان بیشتر باشد، پنج هزار فرشته می‌فرستم: ﴿بِخَمْسَةِ آلَافٍ﴾^۲ معلوم می‌شود که مدددهای غیبی مرحله‌ای است.

کسی نگوید حال که چنین است در امور شخصی هم خدا از طریق امدادهای غیبی به من کمک می‌کند. مثلاً بدون درس خواندن در کنکور قبول می‌شوم یا کشاورزی درخواست کند که بدون زحمت و فقط با امدادهای غیبی، محصول خوبی به دست آورد. بنا نیست که خداوند عالم، دنیا و نظام موجود در آن را به هم بریزد.

در قرآن کریم، قدرت خدا همراه با حکمت او مطرح شده است. خدا قدرت دارد که بدون درد زایمان به مادر بچه بدهد، ولی حکمت خدا می‌گوید که بچه از راه درد زایمان و کشاورز از راه کشاورزی به هدفش برسد که نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود!

حکمت خدا این است که انسان با دست و پا زدن و تلاش به جایی برسد. امدادهای غیبی پس از آنکه انسان تلاش خود را انجام دهد، محقق خواهد شد.

۷. گرچه خداوند هرکس را بخواهد یاری می‌کند، ولی شرط یاری و آن است که مردم در مقام یاری دین او به‌پاخیزند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ برخی از شرایط نصرت و امداد الهی در قرآن عبارت‌اند از:

– صبر و استقامت: ﴿فَصَبِّرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا﴾؛^۳ «بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید».

– یاری دین: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ﴾؛^۴ «اگر خدا را یاری کنید،

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۲۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۳. سوره انعام، آیه ۳۴.

۴. سوره محمد، آیه ۷.

یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد».

– مبارزه با دشمن: ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يُخْزِهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ﴾؛^۱ «با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوا کند و شما را بر ایشان پیروزی بخشد».

– تقوا: ﴿وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾؛^۲ «و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند».

– مجاهدت: ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛^۳ «و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است».

– ایمان: ﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾؛^۴ «آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم و دل‌هایشان را استوار کردیم».

۱. سوره توبه، آیه ۱۴.

۲. سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.

۳. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۴. سوره کهف، آیات ۱۲ و ۱۴.

رابطه با امام زمان علیه السلام

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [در برابر مشکلات و هوس‌ها] استقامت کنید و [در برابر دشمنان نیز] پایدار باشید [و دیگران را به صبر دعوت کنید] و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید، شاید که رستگار شوید.»

نکته‌ها:

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه چنین فرمود: «اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الائمه»^۲ در برابر واجبات صبر کنید، در برابر مشکلات صبر کنید و از پیشوایان خود دفاع کنید.
۲. هم‌چنین امام باقر علیه السلام در مورد این آیه فرمود: «اصبروا علی أداء الفرائض و صابروا عذوکم و رابطوا إمامکم المنتظر»^۳ بر انجام واجبات الهی صبر کنید و در برابر دشمنان پایداری کنید و مراقب و مرتبط با امامتان - که به انتظارش هستید - باشید.
۳. این آیه، در چند مرحله به صبر در برابر انواع حوادث و مصائب توصیه می‌کند و به مؤمنان سفارش می‌نماید که در برابر ناگواری‌های شخصی و هوس‌ها صبر کنند (اصبروا)، در برابر فشارهای کفار، مقاومت بیشتری کنند (صابروا) و در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، و نیز حفظ مرزهای اعتقادی و فکری از طریق مباحث علمی و نیز حفظ مرز دل‌ها از هجوم وسوسه‌ها بکوشند. «رابطوا»

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۸۱.

۳. الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۹.

۴. تا در مشکلات فردی صابر نباشیم، نمی‌توانیم در برابر دشمنان دین، مقاومت کنیم. ﴿اصْبِرُوا... صَابِرُوا...﴾
۵. نباید از دیگران عقب بمانیم؛ اگر کفار در کفر خود مقاومت می‌کنند، کشته می‌دهند و مال خرج می‌کنند، ما نیز باید در راه خدا با جان و مال پایداری کنیم. ﴿صَابِرُوا﴾
۶. اسلام، دین ارتباط است؛ ارتباط با خدا، پیامبران علیهم‌السلام، ائمه علیهم‌السلام و مردم. ﴿رَابِطُوا﴾
۷. صبر و مصابره و مرابطه باید جهت‌دار باشد و در مسیر تقوا و رضای الهی قرار گیرد؛ و گرنه کفار هم این امور را دارند. ﴿صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ﴾
۸. رابطه ما با امام باید رابطه علمی، عاطفی، عملی و رفتاری باشد. یعنی باید با مغز و فکر، امام را بشناسیم؛ با دل و عشق و عاطفه، مرید، مخلص، عاشق و مطیعش باشیم و در عمل هم گوش به حرف او بدهیم.
۹. اگر بخواهیم با امام زمان علیه‌السلام رابطه داشته باشیم، باید بعد از شناخت، با ایشان رابطه عاطفی هم برقرار کنیم. قرآن می‌فرماید: ﴿إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا﴾؛ «اگر کسی به شما سلام کرد، شما جواب گرم‌تر بدهید». پس وقتی می‌گویید: «السلام علیک یا مهدی، السلام علیک یا صاحب الزمان»، امام زمان علیه‌السلام سلام شما را می‌شنود و جواب گرم‌تری به شما می‌دهد.
- اصلاً همین‌که ما می‌توانیم به امام زمان علیه‌السلام سلام می‌کنیم، پیداست که او ما را لایق دانسته که با او حرف بزنیم. زیارت «آل یاسین» زیارتی است که در آن به وسیله سلام با امام زمان علیه‌السلام ارتباط معنوی پیدا می‌کنیم و بسیار زیارت خوبی است.
۱۰. رابطه با حضرت مهدی علیه‌السلام است که به ما ارزش می‌دهد. اسکناس، یک تکه کاغذ است؛ چیزی که به آن ارزش می‌دهد، نخ‌ی است که در وسط آن است. این نخ، ارتباط با مهدی علیه‌السلام و رابطه ما با خداست. نگذارید این نخ پاره شود!
۱۱. صدقه که می‌دهیم فقط به نیت سلامتی خودمان نباشد. برای سلامتی امام زمان علیه‌السلام و همه یارانش نیز صدقه بدهیم. وقتی پول توی صندوق می‌اندازیم، چرا فقط

برای یک نفر نیت کنیم؟!

۱۲- فاصله ما با امام زمان علیه السلام زیاد است. روایت داریم که حضرت مهدی علیه السلام هر هفته کارهای ما را می بیند و چون ما هر هفته گناه می کنیم، قهراً ایشان از ما ناراحت می شود. تنها چیزی که می توانیم خودمان را با آن به امام زمان علیه السلام وصل کنیم، این است که بگوییم: «مهدی جان! ما برای جدت امام حسین علیه السلام گریه کردیم». این ارتباط با عزاداری سیدالشهدا علیه السلام خیلی ارزش دارد.

۱۳- روزی در حرم امام رضا علیه السلام مشغول زیارت بودم که شخصی از من سؤال کرد: «چند سال است طلبه ای؟» گفتم: «سال های زیادی است». او گفت: «حضرت علی علیه السلام هنگامی که یارانش را می دید، لذت می برد و خوشحال می شد؛ آیا اگر امام زمان علیه السلام تو را ببیند، خوشحال می شود؟» سرافکنده گفتم: «همین مقدار که امام زمان علیه السلام از من عصبانی نشود، برای من کافی است!»

۱۴- ائمه علیهم السلام در قیامت از افرادی شفاعت می کنند که در این دنیا رابطه شان با ائمه علیهم السلام خوب باشد. هرکس اتصالش به امام زمان علیه السلام بیش تر است، آن جا هم بیشتر مشمول شفاعت خواهد بود و اگر کسی این جا رابطه اش قطع شود، مشمول شفاعت نخواهد شد.

سوره نساء

امام مهدی علیه السلام امانت الهی

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾^۱

«همانا خداوند فرماتنان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید و هرگاه میان مردم داوری کردید، به عدل حکم کنید. چه نیک است آن‌چه که خداوند شما را بدان پند می‌دهد. بی‌گمان خداوند شنوای بیناست.»

نتیجه‌ها:

۱. در فرهنگ قرآن، «امانت» مفهوم وسیعی دارد و تمام شئون زندگی سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را شامل می‌شود.
۲. امانتداری و رفتار عادلانه و دور از تبعیض، از نشانه‌های مهم ایمان است؛ چنان‌که خیانت در امانت، از علائم تفاق محسوب می‌شود. در حدیث است: «به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری آنان بنگرید».^۲
۳. نافرمانی و ادا نکردن حقوق و وظایف خود در ارتباط با امانت، خیانت است؛ همان‌گونه که پیشی گرفتن ناصالحان بر صالحان در مسئولیت‌های اجتماعی، خیانت به خدا، رسول و مسلمانان است.
۴. از امام رضا علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال شد. ایشان فرمود: «هُمُ الْأَئِمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ يُودَى الْأَمَانَةُ إِلَى مَنْ بَعْدَهُ وَلَا يَخْصُ بِهَا غَيْرُهُ وَلَا يَزْوِيهَا عَنْهُ»^۳ ایشان،

۱. سوره نساء، آیه ۵۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۷۶.

ائمه از آل محمد علیهم السلام هستند. هر امامی باید امانت امامت را به امام بعد از خود بسپارد، به دیگری ندهد و از امام هم دریغ نکند».

۵. امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند، چهارده نور از نور عظمت خود را چهارده هزار سال قبل از آفرینش آدم علیه السلام آفرید که آنها ارواح ما هستند». عرض شد: «آن چهارده نور چه کسانی هستند؟» فرمود: «محمد و علی و فاطمه، حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام که نهمین آنها قائم ایشان است». سپس یکایک امامان را نام برد و آنگاه فرمود: «به خدا قسم، ما اوصیا و جانشینان بعد از پیامبریم. ما هستیم آن مقامی که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله عنایت کرد. ما درخت نبوت، زادگاه رحمت، معدن حکمت، چراغهای دانش، پایگاه رسالت، محل رفت و آمد ملائکه، صاحب اسرار خدا و امانت او در میان بندگان هستیم».^۱

۶. در روایات متعددی، منظور از امانت، رهبری جامعه معرفی شده است که اهل آن، اهل بیت علیهم السلام هستند. بازگرداندن رهبری امت به اهل بیت علیهم السلام، مصداق بارز عمل به این آیه است. آری! کلید خوشبختی جامعه، بر سر کار بودن افراد لایق و رفتار عادلانه است و منشأ نابسامانیهای اجتماعی، ریاست ناهلان و قضاوتهای ظالمانه. حضرت علی علیه السلام فرموده است: «من تقدّم علی قوم و هو یری فیهم من هو افضل، فقد خان الله و رسوله و المؤمنین»^۲ هر کس خود را در جامعه بر دیگران مقدّم بدارد و پیشوا شود، در حالی که بداند افراد لایقتر از او وجود دارند، قطعاً به خدا و پیامبر و مؤمنان خیانت کرده است.

۷. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من می روم و دو امانت در کنار شما می گذارم: قرآن و اهل بیت». سپس فرمودند: «این دو هیچ وقت از هم جدا نمی شوند».^۳ یعنی اهل بیت علیهم السلام معصوم اند؛ زیرا حتی با انجام یک خلاف، انسان از قرآن جدا می شود.

۸. در زیارت جامعه کبیره خطاب به اهل بیت علیهم السلام می خوانیم: «انتم الامانة المحفوظة؛

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۴.

۲. الحیة، ج ۲، ص ۵۸۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۴۱۴.

شما آن امانت حفظ‌شده هستید».

۹. تشکیل حکومت لازم است؛ زیرا لازمه سپردن مسئولیت‌ها به اهلس و قضاوت عادلانه، برقراری نظام و حکومت الهی است. ﴿تَوَدُّوا الْأَمَانَاتِ ... تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾

اطاعت از امام زمان علیه السلام

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خود (جانشینان پیامبر) اطاعت کنید. پس اگر درباره چیزی نزاع کردید، آن را به حکم خدا و پیامبر ارجاع دهید، اگر به خدا و قیامت ایمان دارید. این [رجوع به قرآن و سنت برای حل اختلاف] بهتر و پایانش نیکوتر است.»

نکته‌ها:

۱. در آیه، اطاعت از اولوالامر آمده، ولی به هنگام نزاع، مراجعه به آنان مطرح نشده است؛ بلکه تنها مرجع حل نزاع، خدا و رسول معرفی شده‌اند. این نشانه آن است که اگر در شناخت اولوالامر و مصداق آن نیز نزاع شد، باید به خدا و رسول مراجعه شود. اگر همه فرقه‌ها، قرآن و سنت را مرجع می‌دانستند، اختلاف‌ها حل، و وحدت و یکپارچگی حاکم می‌شد. ﴿فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ﴾

۲. قرآن درباره مفسدان، مسرفان، گمراهان، جاهلان، جباران و ... دستور ﴿لَا تُطِيعُوا﴾ و ﴿لَا تَتَّبِعُوا﴾ می‌دهد. بنابراین موارد ﴿أَطِيعُوا﴾ باید کسانی باشند که از اطاعتشان نهی نشده باشد و اطاعتشان در تضاد با اوامر خدا و رسول نباشد؛ یعنی اولوالامر باید هم‌چون پیامبر معصوم باشند تا اطاعت از آنان، مانند اطاعت از پیامبر، لازم و بی‌چون و چرا باشد. عصمت یعنی آن‌که انسان نه تنها گناه نکند، بلکه در فکر گناه هم نباشد. ما در برخی

گناهان حالت عصمت داریم؛ زیرا تاکنون مرتکب آن نشده‌ایم و فکر آن را هم نکرده‌ایم؛ نظیر عریان شدن در کوچه و بازار، خودکشی یا کشتن دیگران. همان‌گونه که ما به خاطر آگاهی و علمی که به زشتی و پستی و بدعاقبتی بسیاری از گناهان داریم، هرگز به فکر انجام آن‌ها نیستیم، امام هم به خاطر علم و یقینی که به ناپسندی همه گناهان دارد، هرگز گرد آن نمی‌رود.

لزوم عصمت امام از خطا و نسیان نیز به جهت آن است که ما معمولاً در رفتار و منش خود دچار خطا و اشتباه می‌شویم؛ پس به یک امام معصوم نیاز داریم تا به او مراجعه کرده و حقیقت را بازشناسیم و او ما را از اشتباه حفظ کند. لذا او نباید خطاکار باشد.

۳. جابر بن یزید جعفری گوید: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می‌گفت: وقتی خدای تعالی بر پیامبرش این آیه را فرو فرستاد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾، عرض کردم: «یا رسول الله! خدا و رسولش را شناخته‌ایم، اما اولوالامری که خداوند طاعت آن‌ها را مقرون طاعت خود کرده، چه کسانی هستند؟»

فرمود: «ای جابر! آن‌ها جانشینان من و ائمه مسلمین پس از من هستند. اول ایشان، علی بن ابی‌طالب است و بعد از او حسن و حسین و علی بن‌الحسین و محمد بن‌علی که در تورات به «باقر» معروف است و تو ای جابر، او را خواهی دید. پس آن‌گاه که او را دیدار کردی سلام مرا به او برسان.

و پس از او، جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی، ائمه مسلمین خواهند بود و پس از حسن بن علی، فرزندش - که هم‌نام و هم‌کنیه من است - حجت خدا در زمین و بقیت او در بین عبادش، امام مسلمین خواهد بود. او کسی است که خدای تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او بگشاید. او کسی است که از شیعیان و اولیائش غایب شود، غیبتی که بر عقیده به امامت او باقی نماند، مگر کسی که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده باشد».^۱

۴. در حدیثی دیگر، رسول اکرم ﷺ پس از ذکر اسامی ائمه معصومین علیهم‌السلام برای جابر،

به وی فرمود: «ای جابر! آنان جانشینان و اوصیا و اولاد و عترت من هستند؛ کسی که ایشان را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده، و کسی که از آنان سرپیچی کند، مرا سرپیچی کرده، و کسی که ایشان را یا یکی از آنان را انکار کند، مرا انکار کرده است»^۱.

۵. پیامبر اعظم ﷺ درباره لزوم اطاعت از قائم آل محمد ﷺ فرمود: «الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ مَنْ كَذَبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَ الْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَ الْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقَتِهِ»^۲ قائم از فرزندان من است. نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من است. شمائل او، شمائل من و روش او، روش من است. مردم را بر آئین و دینم بدارد و آنها را به کتاب پروردگارم فراخواند. کسی که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده، و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است. کسی که او را در دوران غیبتش انکار نماید، مرا انکار نموده، کسی که او را تکذیب کند، مرا تکذیب کرده، و کسی که او را تصدیق نماید، مرا تصدیق نموده است. از کسانی که گفتار مرا درباره او انکار و تکذیب می‌کنند و از کسانی از امتم که مردم را از طریقه او گمراه می‌سازند، به خداوند شکایت می‌برم».

۶. آثار اطاعت از امام:

وفا کردن به تعهدات از سوی امام و امت، آثاری دارد که حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه آن را چنین توصیف می‌فرماید:^۳

– شکل گرفتن علاقه‌ها و تشکل نیروها (نظاماً للفتهم)

– نفوذ ناپذیری و مصونیت مکتب در مقابل هرگونه خطر تحریف و بدعت و التقاط (و عزاً لدينهم)

۱. همان، ص ۲۵۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۱۱.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

- تضعیف باطل و استحکام پایگاه حق (و عزّ الحق بینهم)
- روشن شدن راه‌های دین (و قامت مناهجُ الدین)
- مستقرّ شدن استوانه‌های عدالت (و اعتدلت معالم العدل)
- قرار گرفتن امور در مجاری خود (و جرت علی اذلالها السنن)
- بسته شدن راه نفوذ دشمن و بهانه‌گیری بدخواهان (و طُمع فی بقاء الدولة و یئستُ مطامع الاعداء)

۷. اسلام مکتبی است که عقاید و سیاستش به هم آمیخته است. اطاعت از رسول و اولوالامر - که امری سیاسی است - با ایمان به خدا و قیامت - که امری اعتقادی است - آمیخته است. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ»

۸. این آیه به وظیفه مردم در برابر خدا و پیامبر ﷺ اشاره می‌کند. با وجود سه مرجع «خدا»، «پیامبر» و «اولوالامر»، مردم هرگز در بن‌بست قرار نمی‌گیرند. ذکر این سه مرجع برای اطاعت، با توحید قرآنی منافات ندارد؛ چون اطاعت از پیامبر و اولوالامر در طول اطاعت از خداوند است، نه در عرض آن. در حقیقت، اطاعت از آن دو، شعاعی از اطاعت خداست و به فرمان خداوند، اطاعت از آنها نیز لازم است.

۹. پرسش: با وجود لزوم اطاعت از امام، حالا که امام زمان غایب است، چه باید کنیم؟

پاسخ: در زمان غیبت حضرت مهدی ﷺ ما به حال خود رها نشده‌ایم؛ بلکه ملتزم به پیروی از فقها و اسلام‌شناسان عادل و باتقوا - که نواب عام آن حضرت‌اند - هستیم. بنابراین بر ما لازم است که در حوادث و مشکلات، گوش به فرمان حکم خدا که از طریق فقیه جامع‌الشرايط و عادل به ما ابلاغ می‌شود، باشیم.

خود امام زمان ﷺ نامه دادند که در زمان غیبت من به مجتهد عادل رجوع کنید و فرمودند: «در حوادث جامعه و پیش‌آمدها، به علما و دانشمندانی که علوم ما را نقل می‌کنند مراجعه کنید که من آنها را به عنوان حجت در میان شما قرار دادم و خودم

حجت خدا هستم».^۱

البته این مجتهد خصوصیتی دارد که امام حسن عسکری علیه السلام درباره آن فرموده است: «هر فقیهی که مراقب نفسش، حافظ دینش، مخالف هوای نفسش و مطیع امر مولایش می باشد، بر عوام است که از او تقلید کنند. و این شرایط، تنها شامل برخی از فقهای شیعی می شود، نه تمامشان».^۲

پس وظیفه ما اطاعت از مجتهد عادل است. اگرچه مجتهد، امام معصوم نیست، ولی از نظر عقل و اسلام، هر مسلمانی یا باید خودش فقیه باشد یا در گرفتن برنامه های عبادی- اش از فقیه کمک بگیرد. اگر فقیه راه را درست رفت و اشتباهی نکرد، دو اجر دارد و اگر هم اشتباه رفت، چون عادل بوده و خطای عمومی انجام نداده است، باز هم به خاطر زحماتش اجر دارد.

مجتهد عادل، عصمت ندارد؛ ولی کلام او حجیت دارد. همان گونه که پزشکان عصمت ندارند، ولی نسخه آنان برای بیمار حجت است. حتی مراجع تقلید وقتی که بیمار می شوند یا نیاز به عمل جراحی دارند، تسلیم پزشکان می شوند.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۹۹.

امام زمان علیه السلام، رفیق مهربان

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۱

«و هر کس که از خدا و پیامبر اطاعت کند، پس آنان [در قیامت] با کسانی همدم خواهند بود که خداوند بر آنان نعمت داده است، مانند پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان، و اینان چه همدم‌های خوبی هستند.»

نکته‌ها:

۱. در سوره حمد، گروه «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» مصداق ره‌پویان صراط مستقیم ذکر شده و این، بار دوم است که در کنار آیه صراط مستقیم، گروه «أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» مطرح شده است. گویا غیر از انبیا، شهدا، صدیقان و صالحان، دیگران به بیراهه می‌روند و راه مستقیم، منحصرأ راه این چهار گروه است.

۲. رفیق خوب، انبیا، شهدا، صدیقان و صالحان‌اند. رفقای دنیایی را هم باید با همین خصلت‌ها گزینش کرد. «حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»

۳. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه فرمود: «مِنَ النَّبِيِّينَ يَعْنِي مُحَمَّدٌ وَ مِنَ الصُّدِّيقِينَ يَعْنِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ مِنَ الشُّهَدَاءِ يَعْنِي حَمْزَةَ وَ مِنَ الصَّالِحِينَ يَعْنِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا يَعْنِي الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»^۲.

۴. امام رضا علیه السلام در حدیثی مفصل در بیان ویژگی‌های امام فرمود: «الْإِمَامُ الْأَنَسِيُّ

۱. سوره نساء، آیه ۶۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۷.

الرَّفِیقُ؛^۱ امام، همدم و رفیق واقعی است».

۵. حضرت مهدی (عج) ما را دوست دارند و فرمودند: «همانا ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم؛ چراکه در غیر این صورت، سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌آید و دشمنان، شما را ریشه‌کن کرده و از بین می‌برند».^۲ حالا که امام زمان (عج) ما را فراموش نمی‌کنند، ما هم نباید ایشان را فراموش کنیم.

۶. پرسش: چگونه اراده خود را تقویت کنیم؟

پاسخ: یکی از کارهایی که باعث تقویت اراده می‌شود، آن است که با افرادی که اراده قوی دارند، رفیق شویم و بهترین رفیق، امام زمان (عج) است.

۷. پرسش: با چه کسی رفیق شویم؟

پاسخ: با کسی رفیق شوید که به شما انرژی و آینده‌نگری بدهد. در حدیث است که رسول خدا (ص) فرمود: «حواریون به عیسی (ع) گفتند: یا روح الله! با که بنشینیم؟ فرمود: با کسی که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد و سخنش دانشتان را زیاد کند و کردارش شما را به آخرت تشویق کند».^۳

۸. مرحوم حضرت آیت الله گلپایگانی تعریف می‌فرمودند: «وقتی که حضرت آیت الله حائری برای تأسیس حوزه به قم آمده بودند، وضع طلبه‌ها خوب نبود. طلبه سیدی که مشکل مالی داشت، برای گرفتن مبلغی پول به یکی از اعضای دفتر ایشان مراجعه کرد. آن شخص می‌گوید: شب در مدرسه فیضیه با آقای حاج میرزا مهدی بروجرودی در حجره بودیم که به خواب رفتم. خواب دیدم که شخصی محترم به حجره آمد و گفت: «حضرت رسول (ص) می‌فرمایند: به شیخ عبدالکریم حائری بگوئید مضطرب نباش که بر اثر گریه‌های امام زمان (عج) وجوهات شرعیه متوجه قم شد».

از خواب بیدار شدم و برای سفارش آن طلبه سید به خدمت آیت الله حائری رفتم.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۹.

ایشان گفتند: «به مقسم بگویند شهریه را بپردازد. خواب شما صادقانه بود و وجوهی برای ما رسیده است». آن شخص می‌گفت: ایشان از خواب من مطلع بود، در حالی که من آن را برای کسی تعریف نکرده بودم.^۱

۹. پدر شیخ صدوق بچه‌دار نمی‌شد. نامه‌ای به محضر مبارک امام زمان علیه السلام نوشت تا حضرت در حقش دعا کند و نامه را به وسیله حسین بن روح به آن حضرت رساند. امام علیه السلام در حقش دعا کرد و در جواب نامه‌اش نوشت: «قد دعونا الله لك بذلك، و سترزق ولدین ذکرین خیرین».^۲ پس از آن، به برکت دعای آن حضرت علیه السلام صاحب دو فرزند عالم و فقیه شد. یکی از آنها شیخ صدوق معروف به ابن بابویه است که قبرش نزدیک حرم حضرت عبدالعظیم می‌باشد.

۱۰. یکی از علمای نجف می‌گوید: «شبی در تاریکی شخصی را دیدم که داشت به طرف حرم امیر المؤمنین علیه السلام می‌رفت. به دنبالش رفتم. دیدم درهای حرم به رویش باز شد و او وارد شد و در مقابل ضریح ایستاد. سؤالاتی کرد و جواب شنید و بعد به طرف مسجد کوفه روانه شد و در مقابل محراب باز سؤالاتی کرد و جواب شنید و از مسجد بیرون آمد. جلو رفتم و دیدم مقدس اردبیلی است. سلام کردم و قضیه را جویا شدم. از من تعهد گرفت که تا زنده است آن ماجرا را فاش نکنم. بعد فرمود: وقتی بعضی از مسائل بر من مشتبه می‌شود، به نزد قبر حضرت امیر علیه السلام می‌آیم و از ایشان جواب می‌گیرم. امشب آقا مرا به فرزندش امام زمان علیه السلام حواله فرمود که در محراب مسجد کوفه بود، رفتم و جوابم را گرفتم».^۳

۱۲. در مورد امام زمان علیه السلام آمده است که ایشان عامل تألیف دل‌هاست. «این مؤلف شمل الصلاح و الرضا».^۴

۱۳. اطاعت از رسول، پرتوی از اطاعت خدا و در طول آن است؛ پس با توحید منافاتی ندارد. «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ»

۱. عنایات حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۰۳.

۲. رجال نجاشی، ص ۲۶۱.

۳. عنایات حضرت مهدی علیه السلام، ص ۵۸.

۴. إقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

امام مهدی علیه السلام و حضرت مسیح علیه السلام

«وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا»^۱
 «و هیچ کس از اهل کتاب نیست، مگر آنکه پیش از مرگش، به او (مسیح) ایمان می آورد و او روز قیامت، بر آنان گواه خواهد بود.»

نکته‌ها:

۱. طبق روایات شیعه و سنی، عیسی علیه السلام در آخرالزمان از آسمان فرود می آید و پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می خواند و پس از زندگی طولانی، از دنیا می رود. در هنگام فرود عیسی علیه السلام، مسیحیان به او ایمان صحیح می آورند، نه آنکه او را پسر خدا بدانند. امام باقر علیه السلام فرمود: «عیسی علیه السلام قبل از روز قیامت فرو خواهد آمد و به دنیا احدی از ملت های یهودی و دیگران نمی ماند، مگر آنکه به او ایمان می آورد و او پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند».^۲

۲. فردی یهودی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و معجزات حضرت موسی علیه السلام را به رخ ایشان کشید. آن حضرت فرمود: «نارواست که انسان از خود ستایش کند، ولی برای اطلاع تو می گویم که حضرت آدم علیه السلام برای توبه خود، حضرت نوح علیه السلام برای نجات از غرق شدن، حضرت ابراهیم علیه السلام برای نجات از آتش و حضرت موسی علیه السلام برای نجات از ترس، خدا را به حق من و آل من سوگند دادند.

ای یهودی! اگر موسی علیه السلام مرا می دید، به من ایمان می آورد. حضرت مهدی علیه السلام از نسل من است که حضرت عیسی علیه السلام برای یاری او از آسمان فرو خواهد آمد و پشت سر او

۱. سوره نساء، آیه ۱۵۹.

۲. الإزام الناصب، ج ۱، ص ۵۷.

نماز خواهد خواند».

۳. محمد بن مسلم گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم از قائم آل محمد علیه السلام پرسش کنم که ایشان پیش از آن‌که من سؤال کنم، فرمود: «ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد شباهتی با پنج تن از انبیا وجود دارد؛ یونس بن متی علیه السلام و یوسف بن یعقوب علیه السلام و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله».

اما شباهت او با یونس بن متی علیه السلام آن است که وقتی پس از غیبت خود در کبر سن باز می‌گردد، جوان است. شباهت او با یوسف بن یعقوب علیه السلام آن است که از خاص و عام غایب می‌شود و او از برادرانش نیز مخفی گشت و امر او بر پدرش هم پوشیده بود، با وجود آن‌که مسافت بین او و پدرش و خاندان و شیعیانش کم بود.

اما شباهت او با موسی علیه السلام دوام خوف، طول غیبت، خفای ولادت و رنج شیعیانش پس از وی است که آزار و اذیت و خواری می‌بینند تا آن‌که خدای تعالی اذن ظهور دهد و او را بر دشمنانش نصرت و تأیید فرماید. اما شباهت او با عیسی علیه السلام اختلافی است که درباره وی شکل می‌گیرد تا به غایتی که گروهی گویند متولد نشده، و گروهی گویند فوت کرده، و گروهی گویند کشته شده و به صلیب آویخته شده است.

اما شباهت او با جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله خروج او با شمشیر است و این‌که او جبارین و طواغیت و دشمنان خدا و رسول را خواهد کشت و این‌که با شمشیر و رعب، یاری می‌شود و هیچ پرچمی از او باز نگردد».^۱

۴. در لوح حضرت فاطمه علیها السلام آمده است: «... و از او (امام هادی علیه السلام) به وجود آورم دعوت‌کننده به راه من و خزانه‌دار دانش من [امام] حسن علیه السلام را. سپس این امر را کامل کنم با فرزندش (حضرت مهدی علیه السلام) که رحمت برای جهانیان است. او کمال موسی علیه السلام و بها و نورانیت عیسی علیه السلام و صبر ایوب علیه السلام را دارد».^۲

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲. الغیة، نعمانی، ص ۶۶.

سوره مائده

ولایت فقیه در عصر غیبت

«إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۱

«همانا ما تورات را نازل کردیم [که] در آن، هدایت و نور است. پیامبران الهی که تسلیم فرمان خدا بودند، بر طبق آن برای یهود حکم می‌کردند و [هم‌چنین] مربیان الهی و دانشمندان بر طبق این کتاب آسمانی که حفاظت آن به آنان سپرده شده بود و بر آن گواه بودند، داوری می‌کردند. پس [ای علما!] از مردم نترسید [و احکام خدا را بیان کنید] و از [مخالفت با] من بترسید و آیات مرا به بهای اندک نفروشید. و کسانی که طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند، پس آنان همان کافران‌اند.»

نکته‌ها:

۱. «ربّانی» از «ربّان» به معنای تربیت‌کننده است. به گفته بعضی، «ربّانی» کسی است که با «ربّ العالمین» پیوند خورده، با علم و عمل، خدایی شده و تربیت مردم را بر عهده دارد.

۲. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «أَنَا رَبَّانِي هَذِهِ الْأُمَّةُ رَبَّانِي أَيْنَ أَمْت، مِنْ هَسْتُمْ».

۳. «حِبر» به معنای اثر نیک است. چون عالمان در جامعه منشأ اثر نیک هستند، به آنان حِبر و احبار گفته می‌شود.

۱. سوره مائده، آیه ۴۴.

۲. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۳۷.

۴. علمای هر امت، مسئول اجرای احکام الهی در میان مردم هستند: «يَحْكُمُ بِهَا... وَ الْأَخْبَارُ» قرآن کریم می‌گوید: ما کتاب آسمانی تورات را فرستادیم و در این کتاب آسمانی، نور و هدایت است. انبیای الهی طبق همین کتاب آسمانی حکومت می‌کنند. پس از آن‌ها چه کسی باید حکومت کند؟ در ادامه می‌فرماید: «الرَّبَّانِيُّونَ» آیا پس از آن‌ها کسی دیگر چنین جایگاهی دارد؟ می‌فرماید: «الْأَخْبَارُ»، یعنی عالمان دین نیز بر مبنای کتاب آسمانی، حق حکومت دارند و این همان ولایت فقیه است.

ملاحظه می‌کنید که ولایت فقیه در ادیان قبل از اسلام هم مطرح بوده است. پس فکر نکنیم که این مسأله امری است که فقط امام خمینی ره آورده است. آری، ولایت فقیه، ریشه در تمام ادیان دارد.

۵. نقش ولایت فقیه همان نقش امامت و در ادامه خط انبیاست. توضیح آن‌که اسلام قوانینی درباره مسائل اقتصادی، جزایی، نظامی و قضایی دارد که نه اجازه می‌دهد آن احکام تعطیل شود و نه اختیار اجرای آن را به دست افراد جاهل به احکام می‌سپارد؛ بلکه اجرای آن را تنها به دست فقهای عادل و اسلام‌شناسان با تقوا سپرده تا در تمام حوادث، طبق قانون خدا حکم کنند. خداوند اطاعت از آن فقها را هم‌چون اطاعت از امام معصوم و رسول گرامی واجب دانسته است.

آیا مسلمانان نیاز به حکومت و نظام ندارند؟ آیا جامعه و کشور اسلامی نباید حفظ شود؟ آیا حفظ مرزها لازم نیست؟ آیا قوانین در کشور اسلامی نباید اجرا شود؟ آیا حق مظلوم نباید از ظالم گرفته شود و ظالم به مجازات برسد؟ آیا صدای اسلام نباید به همه دنیا برسد؟ آیا تلاش انبیا و امامان تنها برای زمان خود آنان بود یا برای همه زمان‌ها و مکان‌ها؟

اگر جواب مثبت است و اسلام نیاز به نظام، حکومت، جامعه و قانون دارد و حفظ حقوق و مرزها هنوز هم مطرح است، باید در زمان غیبت نیز حکومت اسلامی برپا باشد. زیرا بدون یک تشکیلات حساب شده و دقیق، به خصوص در زمان ما که تمام مخالفان اسلام دارای تشکیلاتی بس بزرگ و دقیق هستند، هرگز نمی‌توانیم از قانون و مکتب و

مرز و جان و مال و آبروی خود دفاع کنیم.

و اگر حکومت لازم است، حاکم هم لازم است؛ زیرا حکومت بدون حاکم محال است. اکنون که اسلام برای اجرای قوانین خود، هم نیاز به حکومت دارد و هم حاکم، باید ببینیم حاکم چه شرایطی باید داشته باشد. آیا لازم است حکم خدا را عمیقاً بداند یا نه؟ آیا عدالت داشته باشد یا نه؟ آیا آشنا و آگاه به مسائل و حوادث باشد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است و به حاکم اسلام‌شناس با تقوا و سیاستمدار نیاز است، این همان است که ما آن را ولایت فقیه می‌نامیم.

۶. کسانی که ولایت فقیه را قبول ندارند باید یکی از نظریه‌های زیر را بپذیرند:

– اسلام تنها نماز و روزه و یک‌سری عبادات فردی و اخلاقیات است و در مسائل مهم اجتماعی، حقوقی، قضایی، سیاسی و اقتصادی دخالتی ندارد.

– اسلام تنها برای زمان رسول‌الله ﷺ بوده، و بعد از آن، دیگر جای قوانین مهم اجتماعی تنها در لایه‌های کتاب‌هاست.

– اسلام دارای قوانین حکومتی و اجتماعی است، اما شرایطی برای مجریان آن قرار نداده و هرکس، گرچه جاهل و فاسق باشد، می‌تواند زمام امور را به دست بگیرد.

حال سؤال این است که آیا جامعه اسلامی در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) نیاز به حاکم و حکومت ندارد؟! امام رضا (ع) می‌فرماید: «هیچ ملت و امتی بدون رهبر نیست. قوام جامعه وابسته به وجود رهبر است تا به فرمان او هم بیت‌المال جمع و تقسیم شود، هم با دشمنان خدا نبرد شود و هم مردم را تشکل داده و از تفرقه و تشتت حفظ کند. اگر جامعه چنین رهبری نداشته باشد، از هم می‌پاشد و قوانین خدا و دستورات رسول‌الله و احکام الهی تغییر می‌کند».^۱

مشاهده می‌فرمائید که مسأله رهبری و حکومت در بیان امام رضا (ع) به عنوان مهم‌ترین مسأله زندگی مطرح شده و ناگفته پیداست که گرفتن مالیات به نفع محرومان و تقسیم عادلانه آن و نبرد با مخالفان و تشکل افراد جامعه، چیزی نیست که تنها مربوط به

زمان حضور امامان معصوم علیهم السلام باشد و امت اسلامی در زمان غیبت به حال خود رها شده باشند و حکومت و حاکمی برای مسائل فوق لازم نباشد.

بر اساس روایات نیز اسلام بار حکومت را به دوش فقیه عادل گذارده است. به گوشه‌ای از این دسته روایات اشاره می‌کنیم:

- رسول خدا صلی الله علیه و آله فقها را خلیفه خود معرفی کرده و فرموده است: «اللهم ارحم خلفائی؛ خداوندا! جانشینان مرا مورد لطف و رحمت قرار ده!» از آن حضرت سؤال شد: «جانشینان شما چه کسانی هستند؟» فرمود: «الفقهاء»^۱ و در جای دیگر فرمود: «العلماء ورثة الانبياء»^۲ علما، وارثان انبیا هستند.

- حضرت علی علیه السلام فرمود: «خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر غارتگری ستمگران و گرسنگی محرومان خاموش نمانند».^۳ شکی نیست که حمایت از مظلومان و محکومیت ظالمان، نیاز به قدرت و تشکیلات دارد؛ از این رو در جای دیگر فرموده است: «العلماء حکام علی الناس»^۴ علما، حاکمان مردم هستند.

- امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «مجرای امور و احکام باید به دست علمای خداشناس و باتقوا باشد، کسانی که در حرام و حلال خدا خیانت نمی‌کنند و امانت را حفظ می‌نمایند».^۵

- از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا شیعیان اجازه دارند برای رفع نزاع‌های خود به نظام طاغوتی مراجعه کنند؟ امام فرمودند: «مراجعه به آنها ممنوع است و حتی اگر شخصی حق خود را از طریق دستگاه طاغوتی به دست آورد، تصرف در آن حرام است».^۶

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۲. همان، ص ۵۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۴. غرر الحکم، ص ۳۶.

۵. تحف العقول، ص ۲۴۲.

۶. شاید به خاطر آن که مراجعه به دستگاه طاغوتی به منزله پذیرفتن آن نظام و تقویت آن است.

بلکه در این موارد، وظیفه شما آن است که به افرادی مراجعه کنید که شناخت عمیق نسبت به علوم و روایات ما دارند. من آنها را به عنوان قاضی و داور برای شما تعیین می‌کنم و بدانید که اگر او حکمی داد و شما آن را قبول نکردید، در واقع حکم خدا را کوچک شمرده‌اید و هر که آن فقها را رد کند، گویا ما را رد کرده و ردّ ما ردّ خدا و به منزله شرک به خدای بزرگ است.^۱

— امام کاظم علیه السلام فرمود: «الفقهاء حصون الاسلام؛^۲ فقها قلعه اسلام هستند».

— امام زمان علیه السلام با خط مبارک خود، پیامی برای یکی از نواب خود نوشتند که در آن سفارش شده بود: «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجّتي عليكم و انا حجّة الله؛^۳ در حوادث جامعه و پیش آمدها به علما و دانشمندانی که علوم ما را نقل می‌کنند، مراجعه کنید که من آنها را به عنوان حجت در میان شما قرار دادم و خود، حجت خدا هستم».

از این گونه احادیث متوجه می‌شویم که موضوع ولایت فقیه چیز تازه‌ای نیست که جمهوری اسلامی آن را مطرح کرده باشد، بلکه از آغاز بوده است؛ منتهی طاغوت‌ها و پادشاهان نگذاشتند که فرصتی برای عمل به این گونه احادیث پیدا شود. گنجی بود مخفی که امام خمینی رحمه الله آن را آشکار ساخت.

راه دور نرویم، مهم‌ترین رمز پیروزی ملت ایران در انقلاب خود، توجه به ولایت فقیه بود. فقیه جامع‌الشرایطی هم‌چون امام رحمه الله دستور می‌داد و مردم با جان و دل می‌پذیرفتند. دستور داد شیرهای نفت را ببندید، سربازها از سربازخانه‌ها فرار کنند، کمبودها را از سهم امام جبران کنید، به تحصن خود ادامه دهید، اگر درب مساجد را بستند، وسط خیابان‌ها اقامه عزاداری نمایید و... آیا این دستورات به موقع امام در زمان طاغوت و پیروی مردم مسلمان، دلیل سقوط رژیم پهلوی نشد؟!

۱. الکافی، ج ۱، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۳۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۳.

ایران کشور پهناوری بود که در طول تاریخ، هر وقت دشمنان به آن حمله کردند، گوشه‌ای از آن را جدا کردند؛ اما تنها زمانی نتوانستند حتی یک وجب از خاک آن را جدا کنند که کشور در دست ولیّ فقیه بود، با این‌که تمامی قدرت‌های استکباری جهان و عمّال آنها، هماهنگ و متحد شده، و مصمم بر شکست ایران و تجزیه آن بودند. برای همین است که جهان‌خواران و مزدوران داخلی آنها با ولایت فقیه مخالف‌اند و با انواع توطئه‌ها و تهمت‌ها در صدد تضعیف آن هستند.

ما از مخالفان ولایت فقیه می‌پرسیم: شما که دست امت را از دست فقیه عادل درمی‌آورید، می‌خواهید در دست چه کسی بگذارید؟ در این چند سال که مردم ولایت فقیه را پذیرفتند، چه ضرری کردند و از چه چیزی بازماندند؟ مگر تقلید تنها در مسائل عبادی است؟ مگر در مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، احتمال حرام و حلال داده نمی‌شود و مگر نباید در هر موضوعی که احتمال حرام و حلال می‌دهیم، تقلید کنیم؟ آیا سپردن رهبری امت مسلمان به غیراسلام‌شناس، هم‌چون سپردن دانشکده پزشکی به غیر پزشک نیست؟! آیا سپردن امت به دست افراد غیرعادل و گناه‌کار، خیانت به مقام انسان نیست؟ آیا نمی‌توانیم به دنیا اعلام کنیم که تنها کسانی لیاقت رهبری ما را دارند که از علم و تقوای خاصی برخوردار باشند؟ آیا زمان آن نرسیده که از پذیرش رهبری‌های غیرصادقانه و سیاست‌بازان و فرصت‌طلبان حرفه‌ای، شانه خالی کنیم و خود را در دامن اسلام انداخته و تنها رهبری را بپذیریم که با معیارهای وحی تطبیق کند؟

ویژگی‌های یاران حضرت مهدی علیه السلام

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد [به خدا ضرری نمی‌زند، چون] خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان، نرم و فروتن، و در برابر کافران، سرسخت و قاطع‌اند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد [و شایسته ببیند] می‌دهد و خداوند وسعت‌بخش و بسیار داناست.»

نکته‌ها:

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «همانا یاران صاحب این امر، برای او نگهداری شده‌اند؛ اگر همه مردم نیز از بین بروند، خداوند یارانش را به او می‌رساند، و آنان همان کسانی هستند که خدای عزوجل فرموده: اگر اینان بدان کافر شوند، پس به تحقیق، ما گروهی را که بدان کافر نیستند بر آن موکل کرده‌ایم.^۲ و آنان همان کسانی هستند که خداوند درباره آنان فرموده است: خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند، در برابر مؤمنان، فروتن، و در برابر کافران با عزت و

۱. سوره مائده، آیه ۵۴.

۲. سوره انعام، آیه ۸۹.

درشتخو و سختگیر هستند».^۱

۲. امام صادق علیه السلام در برخی از اوصاف یاران امام زمان علیه السلام فرمود: «آنان مردانی هستند که دلهایشان مانند پاره‌های آهن است، شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان، از سنگ محکم‌تر هستند. اگر آنها را وادارند که کوه‌ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان برمی‌دارند.

لشکر آنها قصد هیچ شهری نمی‌کند، جز این‌که آن را خراب می‌نماید. اسب‌های آنها زین‌های زرین دارند و خود آنها برای تبرک، بدن خود را به زین اسب امام می‌سایند. آنها در جنگ‌ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند و هر کاری داشته باشد برایش انجام می‌دهند.

مردانی در میان آنها هستند که شب‌ها نمی‌خوابند؛ زمزمه آنها در حال عبادت، هم‌چون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغول‌اند و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. آنها در وقت شب، راهب، و هنگام روز، شیرند.

فرمانبرداری آنها از امام، بیش از فرمانبرداری کنیز از آقای است. آنها مانند چراغ‌های درخشنده‌اند و دلهایشان هم‌چون قندیل‌های چراغ است. آنها ادعای شهادت دارند و تمنا می‌کنند که در راه خداوند کشته شوند. شعار آنان این است: «ای خون‌خواهان حسین!» از هر جا می‌گذرند، رعب آنها پیشاپیش آنان به اندازه یک ماه راه، در دل‌ها جای می‌گیرد و بدین گونه به پیش می‌روند. خداوند هم پیشرو به سوی حق و حقیقت را پیروز می‌گرداند».^۲

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا؛ هر کس که بودن در شمار یاران قائم علیه السلام شادمانش می‌سازد، باید در انتظار باشد و با حال انتظار به پرهیزگاری و خلق نیکو رفتار کند. پس اگر اجلس

۱. النبیة، نعمانی، ص ۳۱۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

برسد و امام قائم عجله الله تعالی فرجه پس از درگذشت او قیام کند، بهره او هم‌چون بهره کسی است که آن حضرت را دریافته باشد. پس بکوشید و منتظر باشید».^۱

۶. امام سجاد علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا»^۲ هنگامی که قائم ما قیام کند، خدای عزوجل از شیعه ما آفت را برطرف سازد و دل‌هایشان را هم‌چون پاره‌های آهن کند و نیروی هر مرد از آنان را به اندازه نیروی چهل مرد قرار دهد و ایشان در آن زمان، فرمانروایان و بزرگان روی زمین خواهند بود».

۷. ترسوها یار امام زمان عجله الله تعالی فرجه نیستند. اگر چیزی را بخواهید بدوزید، به نخ محکم نیاز دارید نه نخ‌های وا رفته! کسانی که دو لیتر برای امام زمان عجله الله تعالی فرجه گریه می‌کنند، ولی حاضر نیستند که برایش یک سیلی بخورند، یار امام زمان عجله الله تعالی فرجه نیستند. بیایید آن‌گونه باشیم که وقتی امام زمان عجله الله تعالی فرجه به ما نگاه می‌کند، لذت ببرد.

۸. کسی که منتظر مصلح است، خود باید صالح باشد. مجرم نمی‌تواند منتظر مصلح باشد.

۹. امام سجاد علیه السلام فرمود: «کسانی که منتظر امام زمان عجله الله تعالی فرجه هستند، برای دین خدا علنی و مخفیانه تلاش، و برای دینشان تبلیغ می‌کنند».^۳ این همان معنای انتظار است. امام باقر علیه السلام خطاب به شیعیان فرمود: «لِيَعْنِ قَوِيُّكُمْ ضَعِيفُكُمْ وَ لِيُعْطِفُ غَنِيُّكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ وَ لِيَنْصَحَ الرَّجُلُ أَخَاهُ كَنْصَحِهِ لِنَفْسِهِ وَ اكْتُمُوا أَسْرَارَنَا»^۴ قوی‌ها، ضعیف‌ها را کمک کنند، غنی به فقیر محبت کند، همان‌گونه که برای خودتان خیرخواهی می‌کنید، برای مردم خیرخواهی کنید و اسرار ما را حفظ کنید». ایشان بعد از جملاتی، در آخر می‌فرماید: اگر این چنین بودید و یکی از شما قبل از قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، «كَانَ شَهِيدًا»، یعنی شهید

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۰.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۵۴۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۳۵.

از دنیا رفته است.

۱۰. یاران امام زمان علیه السلام علاوه بر تعهد، تخصص هم دارند. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا در هنگام ظهور، مؤمنی غیر از آن سی صد و سیزده نفر نیست؟» ایشان فرمود: «بلی، وَلَکِنْ هَذِهِ الْعِدَّةُ الَّتِي يُخْرِجُ اللَّهُ فِيهَا الْقَائِمَ، هُمُ النَّجَبَاءُ وَالْقُضَاةُ وَالْحُكَّامُ وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ»^۱ بله، ولی این عده‌ای که حضرت قائم علیه السلام با آنها قیام می‌کند، از نجیبان و قاضیان و حاکمان و فقیهان دین هستند.

۱۱. مدیریت و حکومت، نیاز به لیاقت و صلاحیت‌های خاصی دارد. قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲ وارثان زمین دو ویژگی دارند: یکی، بنده خدا بودن و داشتن تقوای الهی (عبادی) و دیگری برخورداری از صلاحیت که همان لیاقت، تخصص و مدیریت لازم است.

۱. دلائل الإمامة، ص ۵۶۲.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

سوره اعراف

فضیلت و معنای انتظار

«قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَتَجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»^۱

[حضرت هود علیه السلام با دیدن سرسختی قوم عاد] گفت: پلیدی و خشم و عقوبت از سوی پروردگارتان بر شما حتمی شد. آیا با من درباره نام‌هایی جدل می‌کنید که شما و نیاکانتان بر آن [بت‌ها] نهاده‌اید؟ خداوند نسبت به حقانیت معبودهای شما برهانی نازل نکرده است. پس منتظر باشید، من هم با شما از منتظرانم.

نکته‌ها:

۱. امام رضا علیه السلام فرمود: «چقدر صبر کردن و انتظار فرج کشیدن نیکوست! آیا نشنیده‌اید که عبد صالح فرمود: «انْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»؛ پس منتظر باشید، من هم با شما از منتظرانم»^۲.

۲. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۳ انتظار فرج و گشایش، برترین عبادت است.

۳. هر کس در زندگی خود، انتظار و امیدی دارد و البته زندگی به این امیدهاست. اگر چراغ امید خاموش بشود، دیگر کسی دنبال کاری نمی‌رود. منتهی باید دید که چه انتظاری ارزش دارد؟ همه افراد امید دارند، اما روشن فکر کسی است که در انتظار صلح جهانی باشد و برای همه مردم فکر کند.

۱. سوره اعراف، آیه ۷۱.

۲. نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۴.

۳. نهج الفصاحه، کلمه ۴۰۹.

اگر خواستید ببینید فردی چقدر ارزش دارد، ببینید آرزویش چیست؟ آرزوی یک بچه آدامس است! اما هرچه روح بزرگ‌تر شود، امیدهای او هم بزرگ‌تر می‌شود. بزرگ‌ترین افراد کسانی هستند که در انتظار حضرت مهدی عج باشند. چون انتظار حضرت، یعنی امید جهانی؛ خیر جهانی؛ عدالت جهانی؛ امنیت جهانی!

هرچه آرزو کوچک‌تر باشد، نشان می‌دهد که شخص کوچک‌تر است و هرچه آرزو بزرگ‌تر باشد، شخص بزرگ‌تر است. انتظار حضرت مهدی عج یعنی انتظار همه خوبی‌ها و محو همه بدی‌ها.

۴. باید دانست که انتظار، یک عمل است؛ زیرا در روایات ما آمده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» و نمی‌گوید: «افضل الحالات». پس انتظار، عمل است؛ نه حالت و سکوت و سکون. انسانی که منتظر مسافرش است یا کشاورزی که منتظر رسیدن میوه‌هاست، آسوده خاطر نمی‌نشیند. ما که منتظر آقا هستیم، باید رفتارمان با رفتار آقا یک سنخیتی داشته باشد؛ پس منتظر یعنی انسان تلاشگر.

۵. انتظار یعنی اعتراض به وضع موجود و امید به باز شدن درهای رحمت و معرفت. انتظار یعنی من منتظرم جهان پر از عدل شود. در دعای افتتاح که منسوب به امام عصر عج است، می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ؛ خدایا! ما به تو شکایت می‌کنیم». یعنی نظام‌های طاغوتی موجود در روی زمین را قبول نداریم، پس چه حکومتی را قبول داریم؟ پاسخ آن در ادامه دعا آمده است: «إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ».

۶. در زمانی که استاد شهید مطهری ره در تهران بودند و برای تدریس به قم تشریف می‌آوردند، مدتی در قم میزبان ایشان بودم. در همان زمان و در مسیر راه، سؤالات زیادی از ایشان می‌پرسیدم که یکی از آن‌ها درباره انتظار ظهور بود. ایشان درباره حقیقت انتظار، مثلی را از مرحوم حجت‌الاسلام راشد - که قبلاً در رادیو سخنرانی می‌کرد و مرد دانشمندی بود - نقل نمودند و گفتند: «وقتی شب می‌شود، همه ما در انتظار خورشید هستیم؛ اما معنی انتظار خورشید، این نیست که در تاریکی بنشینیم. هم منتظر خورشید هستیم، هم بلند می‌شویم و کاری انجام می‌دهیم و چراغی روشن کنیم».

۷. کسی که منتظر مصلح است، باید صالح باشد. انسان بی تفاوت و بی غیرت و بی پول

و بی‌قدرت که نمی‌تواند بگوید: یا حجت بن الحسن، تشریف بیاور! کسانی که در انقلاب و نظام اسلامی نقشی نداشته و ندارند، اول از خدا بخواهند که به آن‌ها نقشی بدهد و بعد دعای ندبه بخوانند! وقتی می‌گوییم: مهدی بیا، حضرت بیاید چه کند؟ لابد می‌گویید او خواهد آمد تا از حق مردم دفاع کند. خیلی خب! وقتی هشت سال جنگ تحمیلی بود، شما چقدر از حق دفاع کردید؟ در این حوض چقدر شنا کرده‌اید که حالا اقیانوس اطلس می‌خواهید؟! کسانی که در انقلاب هیچ نقشی نداشتند، اصلاً رویشان می‌شود که بگویند: مهدی بیا؟!

۸. علامت اخلاص، انتظار فرج است. از امام جواد علیه السلام درباره چرایی لقب «منتظر» برای امام زمان علیه السلام سؤال شد. ایشان فرمود: «زیرا ایام غیبتش طولانی، و مدتش زیاد شود و مخلصان در انتظار قیامش باشند و شکاکان انکارش کنند و منکران، یادش را استهزاء کنند».^۱

۹. ابوبصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا شما را از چیزی آگاه نکم که خداوند بدون آن، هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟ گواهی دادن بر این که هیچ معبودی جز خدا نیست و این که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده [و فرستاده] اوست، و اقرار به هر آنچه خداوند امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما و پرهیزگاری و کوشش و خویشنداری و انتظار حضرت قائم علیه السلام».^۲

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۸.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۲۰۰.

زمینه‌سازی برای ظهور

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۱

«و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً [درهای] برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی آنان [آیات ما را] تکذیب کردند، پس ما هم به خاطر عملکردشان آنان را [به قهر خود] گرفتیم.»

نکته‌ها:

۱. «برکات» جمع «برکت» و به معنای «موهبت‌های ثابت و پایدار» است. در معنای برکت، «کثرت»، «خیر» و «افزایش» وجود دارد. برکات، شامل برکت‌های مادی و معنوی می‌شود؛ مثل برکت در عمر، دارایی، علم، کتاب و...
۲. از مصادیق بارز این آیه، دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که به گفته روایات، در آن زمان، برکات از آسمان و زمین به مردم می‌رسد. امام صادق علیه السلام فرمود: «چون حضرت قائم علیه السلام قیام کند، به عدالت حکم فرماید و در دوران او ستم برداشته شود و راه‌ها امن گردد و زمین برکت‌های خود را بیرون آورد و هر حقی به اهلش رسد».^۲ و امام حسن علیه السلام فرمود: «در دولت او درندگان آزادانه زندگی می‌کنند و زمین گیاهان خود را بیرون می‌دهد و آسمان برکات خود را فرو می‌فرستد و گنج‌ها و معادن زمین برای او آشکار می‌شود».^۳

۱. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۶۵.

۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

۱. ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه تقوا نیز لازم است. «آمَنُوا وَ اتَّقُوا»
۲. سرمایه‌گذاری روی فرهنگ و معنویت جامعه، بازده اقتصادی هم دارد. «آمَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ»
۳. بستن و گشایش، در اختیار خداست: «لَفَتَحْنَا»؛ اما بازتابی از عمل کرد ماست.
۴. عامل محرومیت‌ها و مشکلات، عمل کرد خود ماست. «بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»
۵. برای این‌که اسلام در دنیا فراگیر شود، شرایط باید مهیا شود. به عبارت دیگر عوامل پیروزی در چند چیز است:

- رهبر توانا و لایق: «زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»^۱
 - پیروان مؤمن: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ»^۲
 - توکل: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»^۳
 - صبر و استقامت: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا»^۴
 - اخلاص و انگیزه الهی: «وَ أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»^۵
 - وحدت: «وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۶
 - امداد الهی: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ»^۷
 - دوری از غرور: «وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ»^۸
۶. آمادگی جهانی هنوز مشاهده نمی‌شود؛ لذا باید تلاش کرد و زمینه‌های لازم را

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۷.

۲. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۳. همان.

۴. سوره بقره، آیه ۲۵۰.

۵. همان.

۶. سوره انفال، آیه ۴۶.

۷. سوره توبه، آیه ۲۵.

۸. سوره انفال، آیه ۱۷.

برای آن فراهم ساخت. امام زمان علیه السلام وقتی ظهور می‌کند که آمادگی از هر جهت در مردم وجود داشته باشد و مردم به معارف و اندیشه‌های قرآن و اسلام، آگاه باشند و برای حکومت امام زمان علیه السلام آمادگی پیدا کنند.

کسانی که منتظر مصلح هستند، باید خودشان هم آدم صالحی باشند. نمی‌شود آدم منتظر مصلح باشد، ولی خودش صالح نباشد. نمی‌شود صبر کنیم تا امام زمان علیه السلام بیاید و همه چیز را درست کند. ما شب‌ها منتظر خورشید هستیم، اما خودمان هم چراغ روشن می‌کنیم. پس باید هم منتظر امام باشیم و هم خودمان تلاش کنیم.

۷. برخی می‌گویند که در برخی احادیث آمده که اگر کسی قبل از قیام امام زمان علیه السلام قیام کند، قیامش باطل است. این عده باید بدانند که این روایت‌ها در مواردی است که کسی قیام می‌کند تا مردم را به سوی خودش دعوت کند و این فرد اساساً طاغوت است. اما اگر کسی قیام نماید تا زمینه را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم کند، قیام او به هیچ وجه باطل نیست.

اگر قرار باشد امام زمان علیه السلام همه چیز را درست کند، پس این همه آیات دفاع از مظلوم، در دهان ظلم کوبیدن، نهی از منکر، اجرای حدود اسلامی و... برای چیست؟ مگر می‌شود دستورات قرآن بیش از هزار سال و تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام تعطیل شود؟ در روایات ما آمده که هر حدیثی از طرف ما به شما رسید، آن را به قرآن عرضه کنید و در صورت مخالفت با قرآن، آن را کنار بگذارید. نظیر این حدیث جعلی که «از حاکم جامعه ولو ظالم باشد، اطاعت کنید»؛ در حالی که قرآن می‌گوید: «لَا تُطِيعُ مِنْهُمْ آيْمًا أَوْ كُفُورًا»^۱؛ اگر کسی گناه می‌کند، از او اطاعت نکن.

احادیثی که می‌گویند قبل از قیام امام زمان علیه السلام کسی تکان نخورد، یا جعلی هستند یا مقصود آن‌ها درست فهمیده نشده است. در تاریخ است که زید، پسر امام سجاد علیه السلام قیام کرد و امامان ما از او حمایت کردند. حتی گاهی امامان در شرایطی که صلاح نبود خودشان قیام کنند، به کسانی که می‌توانستند اقدام کنند، جواز قیام می‌دادند و آن‌ها را به

۱. سوره انسان، آیه ۲۴.

لحاظ مالی نیز حمایت می‌کردند.

۸. برای پیروزی، هم باید تلاش کرد، هم دعا. رزمنده‌ها اگر فقط به پای دعا بنشینند، پیروز نمی‌شوند. دعای آدم بی‌کار، مستجاب نیست. اسلحه منهای معنویت، مفید نیست. معنویت هم بدون اسلحه موفقیت ندارد. امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، هم شمشیرش را تیز می‌کرد و هم نماز شب می‌خواند. هم اشک و هم شمشیر؛ هم دعا و هم تلاش. مردم ایران نیز در انقلاب هر دو را داشتند. در زمان دفاع هشت ساله نیز در یک طرف، همه مسجدهای ما دعا می‌کردند و در طرف دیگر، رزمنده‌ها در جبهه مشغول جهاد و تلاش بودند.

۹. دانستن این‌که امام در چه زمانی ظهور می‌کند یا این‌که اکنون در کجا زندگی می‌کند، ارزش چندانی ندارد. آن‌چه ارزشمند است، آن است که بدانیم وظیفه ما در حال حاضر چیست و امام از ما چه انتظاری دارد و سپس به آن جامعه عمل بپوشانیم. لذا شناخت وظیفه، لازم‌ترین مطلب در زمان غیبت امام است، که ما به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

– شناخت امام زمان علیه السلام و اهداف او. «اللهم عرفنی حجتک فان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی»^۱

– معرفی و شناساندن امام زمان علیه السلام و انقلاب جهانی او به دیگران و ایجاد زمینه‌های لازم برای ظهور.

– تلاش در جهت جلب رضایت امام زمان علیه السلام با انجام اعمال صالح و ارتباط معنوی با ایشان.

– انتظار فرج و دعا برای ظهور آن حضرت.

– صدقه دادن و دعا کردن برای سلامتی امام.

– خواندن دعا‌های فرج، ندبه، عهد و سلام کامل.

– پرداخت حقوق مالی (خمس) متعلق به امام زمان علیه السلام.

۱. مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز.

... عمل به تکلیف و واجبات و دوری از گناه و محرّمات.

۱۰. هر وقت مردم بتوانند امام و رهبری بر حق و معصوم را بپذیرند، آن وقت امام زمان علیه السلام ظهور خواهند کرد.

۱۱. برای ظهور امام زمان علیه السلام آمادگی فکری و اخلاقی لازم است. مسلماً تاجری که کلاهبرداری می‌کند، منتظر ظهور امام زمان علیه السلام نیست. کسانی که کم‌کاری، کم‌فروشی، بدکاری و خیانت می‌کنند، منتظر امام زمان علیه السلام نیستند. ما اگر واقعاً منتظر هستیم، باید حواسمان را جمع کنیم.

۱۲. دعای ندبه یعنی دعای اعتراض به طاغوت‌های جهان؛ یعنی دعای انتظار و امید به آمدن حکومت حق. اگر جمع می‌شویم و دعای ندبه می‌خوانیم و در فکر حکومت حق هستیم، باید در فکر تلاش برای زمینه‌سازی آن حکومت هم باشیم.

زمان ظهور امام زمان (عج)

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۱

«از تو درباره قیامت می‌پرسند که چه وقت به پا می‌شود؟ بگو: علم آن تنها نزد پروردگار من است. جز او کسی نمی‌تواند زمان آن را آشکار سازد. [فرا رسیدن قیامت] در آسمان‌ها و زمین سنگین است، جز به صورت ناگهانی پیش نمی‌آید. از تو چنان می‌پرسند که گویا از [زمان] آن آگاهی کامل داری! بگو: علم آن تنها نزد خداوند است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.»

نکته‌ها:

۱. جز خداوند، کسی از زمان برپایی قیامت آگاه نیست: «إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي» آری؛ ندانستن زمان برپایی قیامت، برای آماده باش انسان بهتر است.
۲. امام رضا (ع) نقل فرموده است که وقتی از پیامبر اکرم (ص) درباره ظهور و خروج حضرت قائم (عج) پرسیدند، ایشان فرمودند: «مِثْلُهُ مِثْلُ السَّاعَةِ»^۲ قیام او مثل برپایی قیامت، ناگهانی است. سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً».
۳. عبد الرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق (ع) نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: «قربانت شوم! به من خبر دهید که این امری که در انتظارش هستیم، چه زمان

۱. سوره اعراف، آیه ۱۸۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۳.

واقع می‌شود؟» حضرت فرمود: «ای مهزم! تعیین‌کنندگانِ وقت دروغ گفتند و شتاب‌کنندگانِ هلاک شدند و تسلیم‌شوندگانِ نجات یافتند»^۱.

۴. دانستن این‌که امام در چه زمانی ظهور می‌کند یا این‌که اکنون در کجا زندگی می‌کند، ارزش چندانی ندارد. آنچه ارزشمند است آن است که بدانیم وظیفه ما در حال حاضر چیست و امام از ما چه انتظاری دارد و سپس به آن جامعه عمل بپوشیم. لذا شناخت وظیفه، لازم‌ترین مطلب در زمان غیبت امام است.

سوره انفال

امام زمان علیه السلام، منصور به رعب

«إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ»^۱

«[به یادآور] زمانی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم. پس شما افراد باایمان را تقویت کنید. من نیز به زودی در دلهای کافران، رعب و ترس خواهم افکند. پس فرازگردن‌ها را بزنید و همه سرانگشتانشان را قلم کنید [و قطع کنید تا نتوانند سلاح بردارند].»

نکته‌ها:

یکی از امدادهای غیبی، ایجاد رعب در دل دشمنان است.

۱. ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: «هر گاه قائم آل محمد علیه السلام خروج کند، خداوند او را با ملائکه مُسَوِّمِينَ و مُرْدِفِينَ و مُنْزِلِينَ و کُرُوبِينَ یاری خواهد فرمود. جبرئیل پیش روی او، میکائیل در سمت راست او و اسرافیل در سمت چپ او قرار دارند و رعب و هیبت او به فاصله یک ماه راه، پیشاپیش و پشت سر و از راست و چپ او حرکت می‌کند (یعنی شعاع هیبتش تا بعد یک ماه راه را زیر پوشش می‌گیرد) و فرشتگان مقرب در برابر او خواهند بود»^۲.

۲. گاهی امداد غیبی به این است که در دل دشمنان ترس بیفتد. شاه، امام خمینی علیه السلام را زندان کرده بود، اما باز هم از ایشان می‌ترسید. شاید معنای «المؤمن كالجبل» این باشد که حتی اگر دشمنان بر سر مؤمن پا بگذارند، باز هم از او می‌ترسند. درست مثل ایران که

۱. سوره انفال، آیه ۱۲.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۴.

اکنون همانند یک استخوان در گلوی ابرقدرت‌هاست و باعث اذیت آن‌ها شده، به گونه‌ای که همه از ایران حساب می‌برند.

۳. خداوند، ارشاد و حمایت مؤمنان را گاهی از طریق فرشتگان انجام می‌دهد. ﴿إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ﴾

۴. خداوند بر اهل ایمان، آرامش و سکینه نازل می‌کند و بر کافران، دلهره و وحشت مستولی می‌سازد. ﴿فَتَبَّتْهُوَ الَّذِينَ آمَنُوا سَالِقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ﴾

۵. گرایش‌ها و انگیزه‌های انسان، در سرنوشت او و نیز در دریافت رحمت یا عذاب الهی، تأثیر بسزایی دارد. ﴿فَتَبَّتْهُوَ الَّذِينَ آمَنُوا ... فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ﴾

سوره توبه

دشمنان اسلام و مهدویت و شگردهای آنها

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَا أَنْ يُوْتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۱
 «می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش سازند، ولی خداوند جز این
 نمی‌خواهد که نور خود را به کمال برسانند؛ هرچند کفار ناراحت باشند.»

نکته‌ها:

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «خداوند به اهل زمین نگاه کرد و من را انتخاب کرد، سپس بار دیگر نگاه کرد و علی بن ابی طالب علیه السلام را انتخاب فرمود. او بعد از من، نور زمین است». آن‌گاه حضرت، این آیه را تلاوت کردند.^۲

و نیز فرمود: «ای مردم! این نور از حضرت حق به من و علی عطا شده و پس از علی در نسل علی قرار داده شده است تا آن‌که در صلب خاتم‌الاولیاء، قائم آل محمد، الحجة بن الحسن المهدی علیه السلام مودع و محتوم گردید».^۳

۲. محمد بن فضیل گوید: از حضرت کاظم علیه السلام راجع به این سخن خدای عزوجل: ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ﴾ پرسیدم. آن حضرت فرمود: «می‌خواهند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را با فوت دهانشان خاموش کنند». پرسش کردم از این فرموده خداوند که ﴿وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾؛ فرمود: «خدا تمام‌کننده امامت است. به دلیل قول خدای عزوجل ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾، پس نور، همان امام است». عرض کردم معنی این فرموده خداوند ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ چیست؟ فرمود: «یعنی دین خود را در زمان

۱. سوره توبه، آیه ۳۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۲۰.

۳. الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.

قیام قائم شد بر همه دین‌ها غلبه دهد. خدا می‌فرماید: «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»، یعنی ولایت حضرت قائم شد را کامل خواهد کرد.^۱

۳. توطئه دشمنان، دائمی و بی‌وقفه است. «يُرِيدُونَ» (فعل مضارع، نشانه استمرار و تداوم است)

۴. احکام اسلام و دین خدا، نور است و نور، سرچشمه حیات. «نُورَ اللَّهِ»
۵. هرچند هر دسته از گروه‌های کفار، برای هدف خاصی تلاش می‌کنند، اما هدف همه آن‌ها خاموش ساختن فروغ دین است. «لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ»
۶. تلاش‌های کافران در مبارزه با دین، مثل فوت کردن به خورشید است. «لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ»

۷. یکی از فعالیت‌های دشمنان دین، تبلیغات سوء است. «بِأَفْوَاهِهِمْ»
۸. اگر ندای اسلام از زبان پیامبر، نور است؛ تداوم آن در شکل امامت، اتمام نور است: «يُتِمُّ نُورَهُ» چنان‌که در آیه اكمال دین، مسأله امامت به عنوان اتمام نعمت معرفی شده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي».^۲

۹. خداوند به طرفداران حق، وعده پیروزی داده است. «أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ»
۱۰. خداوند، فروغ دین را نه تنها حفظ می‌کند، بلکه گسترش می‌دهد. «يُتِمُّ نُورَهُ»
۱۱. کفار بدانند که با اراده حتمی خداوند برای پیروزی دین حق طرف‌اند و هرگونه تلاش علیه مکتب اسلام، محکوم به شکست است. «يُتِمُّ نُورَهُ»
۱۲. اسلام مکتبی جاودانه بوده، «يُتِمُّ نُورَهُ» و مخالف آن، کافر است. «وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»

۱۳. دشمن برای خاموش کردن نور خداوند از راه‌های مختلفی استفاده می‌کند؛ از جمله:

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲

۲. سوره مائده، آیه ۳.

- تهمت ارتجاع و کهنه‌گرایی به اسلام می‌زنند. «أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»^۱
- می‌گویند قرآن، خیال و پندار است. «أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ»^۲
- سخنان پیامبر را دروغ و افترا می‌نامند. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ»^۳
- آیات وحی را سطحی و بی‌ارزش قلمداد می‌کنند. «لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا»^۴
- برای خداوند رقیب‌تراشی می‌کنند. «وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا»^۵
- مردم را از شنیدن آیات الهی باز می‌دارند. «لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ»^۶
- به راه و مکتب مؤمنان طعنه می‌زنند و آنان را تحقیر می‌کنند. «وَوَطَعْنَاهُ فِي دِينِكُمْ»^۷
- دین خدا را مسخره می‌کنند. «اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا»^۸
- سعی در تخریب مساجد و پایگاه‌های مکتب دارند. «سَعَى فِي خَرَابِهَا»^۹
- سعی در تحریف دین می‌نمایند. «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ»^{۱۰}
- گاهی در دین بدعت‌گذاری می‌کنند. «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا»^{۱۱}
- گاهی حقایق دین را کتمان می‌کنند. «يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ»^{۱۲}

-
۱. سوره انعام، آیه ۲۵.
 ۲. سوره انبیاء، آیه ۵.
 ۳. سوره احقاف، آیه ۸.
 ۴. سوره انفال، آیه ۳۱.
 ۵. سوره ابراهیم، آیه ۳۰.
 ۶. سوره فصلت، آیه ۲۶.
 ۷. سوره توبه، آیه ۱۲.
 ۸. سوره مائده، آیه ۵۷.
 ۹. سوره بقره، آیه ۱۱۴.
 ۱۰. سوره نساء، آیه ۴۶.
 ۱۱. سوره حدید، آیه ۲۷.
 ۱۲. سوره بقره، آیه ۱۵۹.

- دین خداوند را تجزیه می‌کنند. ﴿اَفْتَوُمِنُونِ بِيْعُضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِيْعُضِ﴾^۱
- حق و باطل را در هم می‌آمیزند. ﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ﴾^۲
- در دین خدا غلو می‌کنند. ﴿لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ﴾^۳
- با مسلمانان به جنگ و ستیز برمی‌خیزند. ﴿لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ﴾^۴

۱۴. خطر دشمن، همیشگی است. اسلام در طول تاریخ از بی‌خردی بعضی مسلمان‌ها خیلی ضربه خورده است. به اسم مستشار، مستشرق، توریست، جهانگرد، متخصص و ده-ها اسم زیبای دیگر به کشورهای اسلامی، نفوذ کرده و اسرار و اموال ما را به غارت برده-اند؛ در حالی که ما در خواب غفلت بوده‌ایم. چرا باید آثار فرهنگی ما و کتاب‌های خطی دانشمندان مسلمان و ایرانی در کتابخانه‌های بیگانگان و غربی‌ها باشد؟!

۱. سوره بقره، آیه ۸۵

۲. سوره بقره، آیه ۴۲

۳. سوره مائده، آیه ۷۷

۴. سوره بقره، آیه ۲۱۷

حتمیت حکومت اسلام بر جهان

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۱
 «او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها
 پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناراحت باشند.»

نتیجه‌ها:

۱. این آیه به همین صورت، در دو سوره دیگر نیز آمده است؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹. گرچه اسلام از نظر منطق و استدلال همیشه پیروز بوده است، اما این آیه، غلبه ظاهری و وعده حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می‌کند. چنان‌که در آیات دیگری نیز «ظَهَرَ» به معنای «استیلا یافتن» آمده است؛ به عنوان نمونه: ﴿إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ﴾^۲ «اگر بر شما غالب شوند، سنگسارتان می‌کنند» و نیز: ﴿إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً﴾^۳ «اگر بر شما غالب شوند، هیچ عهد و پیمانی را مراعات نمی‌کنند».

از یک سو، این آیه تاکنون تحقق نیافته و از سویی دیگر، خداوند وعده حاکمیت کلی اسلام را داده است و وعده او دروغ نیست؛ در نتیجه، همان‌گونه که در روایات بسیاری آمده است، این آیه به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد.

۲. مسأله حضرت مهدی علیه السلام و قیام جهانی او، در روایات بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده و در اغلب کتب حدیثی عامه آمده است و از مسلمات اعتقادی

۱. سوره توبه، آیه ۳۳.

۲. سوره کهف، آیه ۲۰.

۳. سوره توبه، آیه ۸.

مسلمانان محسوب می‌شود.

۳. امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، جایی بر روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر این‌که در آنجا صدای اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله بلند می‌شود».^۱

و فرمود: «هرگاه قائم ظهور کند، عدل را در میان مردم برقرار می‌سازد و در زمان او جور و ستم بر طرف می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد، زمین برکات خود را بیرون می‌دهد و او هر حق را به صاحبش بر می‌گرداند. در زمان ظهور او، تمام مردم روی زمین، دین اسلام را خواهند پذیرفت و آیه شریفه *«وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»*^۲ مصداق پیدا خواهد کرد.

قائم در میان مردم مانند داود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم می‌کند. در آن زمان، گنج‌های زمین ظاهر می‌گردد، زینت‌هایش آشکار می‌شود، همه مردم ثروتمند خواهند شد و دیگر جایی برای مصرف صدقات باقی نخواهد ماند».^۳

۱. محور و پایه دین اسلام، حق است: *«دین الحق»* اگرچه ادیان آسمانی همه حق‌اند، ولی به خاطر پیدایش تحریف در آن‌ها، حقانیتشان مخدوش شده است.

۲. حق بر باطل پیروز است. *«لِيُظْهَرَهُ»*

۳. اراده و حرکت خود را با اراده الهی هماهنگ سازیم، وگرنه محو و نابود خواهیم شد. *«لِيُظْهَرَهُ... وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»*

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۶۵.

شهادت طلبی منتظران

﴿قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْئِدِنَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾^۱

«ای پیامبر! به منافقان [بگو: آیا برای ما جز یکی از دو نیکی (فتح یا شهادت) را انتظار دارید؟ ولی ما منتظریم که عذاب خداوند یا از سوی خودش یا به دست ما به شما برسد. پس شما منتظر باشید، ما نیز با شما در انتظار می‌مانیم».

نکته‌ها:

۱. امام باقر علیه السلام در تفسیر ﴿إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ﴾ فرمودند: «مراد، مرگ در راه خدا یا درک ظهور امام زمان علیه السلام است».
۲. باید دیدگاه «إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ» را برای دوست و دشمن، تبیین و تبلیغ کرد. ﴿قُلْ﴾
۳. ارزش‌ها و ملاک‌های ارزش‌گذاری، در بینش مؤمنان و منافقان متفاوت است. در دید اهل ایمان، عمل به وظیفه مهم است، رفتن یا ماندن مهم نیست، مهم در خط بودن است؛ لذا در نظر آنان، فتح و شهادت، هر دو پیروزی است.
۴. منافقان چه در جنگ و درگیری با نظام اسلامی کشته شوند و چه به مرگ طبیعی بمیرند، اهل دوزخ‌اند. پس یا به دست مؤمنان یا از سوی خدا گرفتار عذاب می‌شوند. ﴿مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْئِدِنَا﴾

۵. مؤمن، به هدف و نتیجه کار، یقین دارد. ﴿فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾
۶. در روایات متعددی، از نابودی یهودیان متجاوز، قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام و به دست انقلابیون مؤمن خبر داده شده است که شمشیرهای خود را بر دوش نهاده، تا مرز شهادت پیش می‌روند و زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌شوند.^۳

۱. سوره توبه، آیه ۵۲.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۸۶.

۳. نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸.

سوره هود

حضرت مهدی علیه السلام و لقب بقیة الله

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيفٍ﴾^۱

«[مال و سرمایه‌ی حلالی که] خداوند [برای شما] باقی گذارده، [از مال و ثروتی که در اثر کم‌فروشی به دست می‌آورید] برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید؛ و من نگهبان شما [بر حفظ ایمانتان و پذیرش این راه] نیستم.»

نکته‌ها:

۱. ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ﴾ در این آیه، به معنای درآمد و سودی است که از یک سرمایه حلال و خداپسندانه برای انسان باقی می‌ماند و صد در صد حلال است. اما در روایات، به هر وجود مبارکی که به اراده خداوند برای بشریت باقی می‌ماند، «بقیة الله» گفته می‌شود؛ از جمله، سربازان مؤمنی که پیروزمندانه از جبهه جنگ برمی‌گردند؛ زیرا به اراده الهی باقی مانده‌اند.

به امام عصر علیه السلام نیز «بقیة الله» می‌گویند؛ چون آن وجود شریف، به خواست خداوند برای هدایت مردم ذخیره شده است. البته به سایر معصومین علیهم السلام نیز لقب «بقیة الله» داده شده است.^۲

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم ما چون ظاهر شود، تکیه به خانه کعبه زند و سیصد و سیزده مرد گرد او فراهم شوند و اول سخنش این آیه باشد: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ سپس گوید من بقیة الله و حجت خدا و خلیفه او بر شما هستم و هیچ مؤمنی نباشد، مگر آن‌که به این لفظ او را سلام دهد: السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه.»

۱. سوره هود، آیه ۸۶.

۲. کنز الدقائق، ج ۶، ص ۲۲۶.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱.

سوره يوسف

حضرت مهدی عج و حضرت یوسف ع

﴿وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾^۱

«[سرزمین کنعان را قحطی فراگرفت] و برادران یوسف [در پی مواد غذایی به مصر] آمدند و بر او وارد شدند. آن‌گاه [یوسف] آنان را شناخت، ولی آن‌ها او را نشناختند.»

نکته‌ها:

۱. محمد بن مسلم گوید: بر امام باقر ع وارد شدم و می‌خواستم از قائم آل محمد پرسش کنم، اما امام پیش از آن‌که من سؤال کنم، فرمود: «یا محمد بن مسلم إن فی القائم من آل مُحَمَّدٍ شَبَهاً مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ... وَ أَمَّا شَبَهُهُ مِنْ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ فَأَلْغَيْتُهُ مِنْ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ اخْتِفَاؤُهُ مِنْ إِخْوَتِهِ وَ إِشْكَالُ أَمْرِهِ عَلَى أَبِيهِ يَعْقُوبَ مَعَ قُرْبِ الْمَسَافَةِ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَبِيهِ وَ أَهْلِهِ وَ شِيعَتِهِ»^۲ ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد ع شباهتی با پنج تن از انبیا وجود دارد... اما شباهت او با یوسف بن یعقوب ع آن است که از خاص و عام غایب می‌شود و او از برادرانش مخفی بود و امر او بر پدرش هم پوشیده بود با وجود آن-که مسافت بین او و پدرش و خاندان و شیعیانش کم بود.»

۲. امام زمان ع ما را می‌شناسد، ولی ما او را نمی‌شناسیم. وقتی که امام زمان ع ظهور کنند بعضی از مردم می‌گویند: من ایشان را قبلاً دیده بودم! «فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»، یعنی یوسف ع برادرها را شناخت، اما برادرها او را نشناختند. امام باقر ع در ضمن حدیثی، شباهت حضرت مهدی ع با حضرت یوسف ع را چنین توضیح می‌دهد

۱. سوره یوسف، آیه ۵۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۷.

که برادرانش با او معامله می‌کردند و سخن می‌گفتند، اما او را نمی‌شناختند.^۱
 ۳. امام زمان علیه السلام به فرموده امام باقر علیه السلام در زیبایی و سخاوت نیز شبیه به یوسف علیه السلام است.^۲

۱. دلائل الإمامة، ص ۵۳۲.

۲. اثبات الوصية، ص ۲۶۷.

سوره رعد

ضرورت وجود امام زمان علیه السلام

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^۱
 «و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: چرا از طرف پروردگارش نشانه‌ای [آشکار و به دلخواه ما] بر او نازل نشده است؟ [ای پیامبر!] تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر قومی راهنمایی است.»

نکته‌ها:

۱. از ابن عباس نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست مبارکش را بر روی سینه گذاشتند و فرمودند: «انا المنذر» و آن‌گاه به علی بن ابی طالب علیه السلام اشاره کردند و فرمودند: «انت الهادی، بک یهتدی المهتدون بعدی».^۲
۲. با آن‌که دیگر پیامبری مبعوث نمی‌شود، اما خداوند حجت خود را بر همه مردم تمام می‌کند و هرگز زمین از حجت خالی نمی‌ماند. ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾
۳. طبق این آیه، در عصر حاضر نیز ما باید امام یا هادی زنده داشته باشیم.^۳ امام صادق علیه السلام فرمود: «منذر، رسول خدا صلی الله علیه و آله و هادی، امیرالمؤمنین و ائمه بعد از وی هستند و این است معنی ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾، یعنی در هر زمانی امامی هدایتگر و روشنگر خواهد بود».^۴

۱. سوره رعد، آیه ۷.

۲. مفاتیح الغیب، ج ۱۹، ص ۱۴ و احقاق الحق، ج ۳، ص ۸۷.

۳. در تفاسیر مجمع‌البیان و کنز الدقائق، ۲۶ حدیث آمده که مراد از «هاد» را ائمه معصومین علیهم السلام بیان کرده‌اند.

۴. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۹.

۴. به همان دلایلی که به پیامبر نیاز داریم، به امام هم نیاز داریم و ما پیش از این در کتاب نبوت، در این زمینه دلائلی را بیان کرده‌ایم که اینک آن‌ها را مرور می‌کنیم:

– آیا می‌توان قبول کرد که هدف از آفرینش انسان، رشد و کمال و قرار گرفتن در مسیر خدا باشد، ولی در این میان، هادی و راهنمایی در کار نباشد؟!

– آیا می‌توان قبول کرد که انسان، عاشق رسیدن به مقام والای انسانی باشد، ولی در خارج چنین الگویی وجود نداشته باشد؟! مگر نه این است که برای هر نیاز و احساس درونی، یک واقعیت خارجی و بیرونی وجود دارد که آن احساس را اشباع می‌کند؟ اگر ما در درون، احساس تشنگی می‌کنیم و نیاز به آب داریم، برای رفع آن نیاز، آبی در خارج از بدن وجود دارد. حال چگونه قبول کنیم که علاقه به کمال و رسیدن به قله سعادت در انسان وجود دارد، اما چیزی که پاسخ‌گوی این نیاز باشد، در خارج از ذهن پیدا نمی‌شود؟!

– چگونه می‌توان پذیرفت که میزبانی از مردم دعوت کند، ولی نشانی منزلش را ندهد یا راهنمایی نفرستد؟! به خصوص در مواردی که بدون راهنما، راه‌یابی ممکن نباشد و در مسیر، مواردی وجود داشته باشد که ممکن باشد مهمان را به بیراهه و انحراف از منزل میزبان بکشاند. در این‌جا بر میزبان لازم است تا راهنمایی با نام و نشانی روشن برای مهمان بفرستد تا هم راه را به او بنماید و هم با برخورد با موارد انحرافی، او را به مقصد برساند.

– چگونه قبول کنیم که انسان در راه‌های ساده و محسوس زندگی، نیاز به راهنما دارد، اما در پیمودن راه‌های سعادت و معنویت و رسیدن به رشد واقعی – که پیچیده‌تر هستند و علم انسان درباره آن‌ها کم‌تر و وسوسه‌های شیطانی در آن بیشتر است – نیاز به راهنما نداشته باشد؟!

– مگر نه آن است که حیواناتی که زندگی دسته جمعی دارند، هم‌چون زنبور عسل، برای خود ملکه‌ای را به طور غریزی می‌پذیرند؟ در تاریخ سیاست‌ها و جنگ‌ها کدام

موفقیتی را سراغ دارید که نقش رهبر و فرمانده در آن نادیده گرفته شده باشد؟ جامعه بدون امام یعنی هرج و مرج؛ و کدام عقل و وجدان، آن را می‌پذیرد؟! حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ كَانُ أَوْ فَاجِرٍ»^۱ وجود رهبر برای مردم ضروری است، خواه نیکوکار باشد یا بدکار.

۵. علاوه بر موارد فوق - که میان نیاز به پیامبر و امام، مشترک است - در خصوص نیاز به امام، دلایل دیگری نیز وجود دارد:

- برای پیاده شدن دستورات الهی و حفظ احکام، قدرت و حکومت لازم است و قدرت و حکومت به امام و رهبری لایق نیاز دارد. مخصوصاً در صورتی که دسترسی به پیامبر امکان نداشته باشد و خاتمیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را پذیرفته باشیم.

- مگر می‌شود که خدا برای مردم پیامبری بفرستد و آن پیامبر، با خون دل، احکام و قوانینی بیاورد و بعد همه را رها کرده، از دنیا برود؟! آیا این کار حکیمانه است؟ آیا رها کردن امت با آن حرص و سوزی که از پیامبر سراغ داریم، سازگار است؟ کسانی که می‌گویند پیامبر مکتب و امتی را بنیان‌گذاری کرد و رفت، حکمت خدا و سوز پیامبر را چگونه توجیه می‌کنند؟ کدام مقام مسئول، این‌گونه بی‌تفاوت مردم را رها می‌کند که پیامبر چنین کند؟!

- اساساً دین و مکتب، یا هماهنگ با خواسته‌های درونی و حوادث خارجی و به اصطلاح رشد‌آور و رشد‌دهنده و به‌روز است یا فقط قوانینی مقطعی و خشک است که با مرور زمان به دست فراموشی سپرده می‌شود و به اصطلاح، ایستاست.

اگر در کنار مکتب، امامی با شرایط ویژه باشد، مکتب از نوع اول خواهد بود، وگرنه از نوع دوم خواهد شد و به همین دلیل امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «انَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ

نظام المسلمين و صلاح الدنيا و عز المؤمنين... ان الامامة اس الاسلام النامي؛^۱ امامت و رهبری حق، زمام دین و مایه نظام بخشیدن به مسلمانان و صلاح امور دنیوی و عزت مؤمنین است... امامت، اساس اسلام رشدیافته است». یعنی چیزی که بتواند همه احتیاجات فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان‌ها را تأمین کند، تنها امامت است.

امام رضا علیه السلام با تعبیر «الاسلام النامي» به ما می‌فهماند که اسلام بدون امام، نمو و رشدی ندارد و در معرض کهنگی و زوال است. جامعه انسانی هر آن در معرض حوادثی است که اگر حکم و دستور خدا از طریق وحی یا رهبری حق به انسان‌ها نرسد، مردم آرامش خود را از دست می‌دهند و هر کدام راهی را می‌پیمایند و هرج و مرج به وجود می‌آید. لذا در کنار مکتب، وجود امام و رهبر ضروری است.

– همان‌گونه که شنا در استخر، نیاز به مربی و ناجی دارد، گذر از دریا نیز نیاز به کشتی و ناخدا دارد؛ چنان‌که امام فرمود: «الدنيا بحر عمیق؛^۲ دنیا دریای عمیق و پر تلاطم است» که به کشتی و کشتی‌بان نیاز دارد. این با کدام منطق و حکمت سازگار است که خداوند، شناوران ناتوان و ناآشنا را در دریای پرخطر به حال خود رها کند؟!

– همان‌گونه که خداوند در کشور تن فرمانروایی به نام عقل قرار داده تا به وسیله آن، چشم و گوش و تمام اعضا از انحراف و خطا حفظ شوند، لازم است برای جامعه نیز امام و فرمانروایی قرار دهد تا مردم دچار تحیر و انحراف و هرج و مرج نشوند و به مقصد برسند.

۶. پرسش: با وجود قرآن و کتاب آسمانی، دیگر چه نیازی به امام است؟
پاسخ: قرآن، کتاب قانون است و قانون به مفسر و مجری نیاز دارد. در نظام امروز جهان نیز در کنار قوه مقننه، قوه مجریه و قضائیه وجود دارد؛ زیرا قانون به مجری و

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۵.

ضمانت اجرا نیاز دارد. این نیاز در زمان پیامبر ﷺ به دست ایشان و پس از ایشان، توسط امامان علیهم‌السلام برطرف می‌شد.

علاوه بر این، جزئیات همه چیز، مثلاً تعداد رکعات نماز یا تعداد شوط‌های طواف در قرآن ذکر نشده و بسیاری از مطالب جزئی و مقطعی در قرآن نیامده است؛ بلکه پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام این موارد را برای مردم بیان می‌کردند. خود قرآن می‌فرماید: ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۱ «آنچه را پیامبر بیان می‌کند، بگیرید و آنچه را نهی می‌کند، رها کنید».

این آیه دلالت دارد که پیروی از سنت نبوی واجب است؛ زیرا پیروی از آن، در حقیقت، پیروی از خداست: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾^۲. امامت و ولایت نیز پذیرش سنت پیامبر ﷺ است.

۷. آفرینش به خاطر اولیای خداست. به خاطر گل است که همه علف‌ها و آب می‌خورند. وجود اولیای خدا و امام زمان ﷺ باعث امنیت است. در احادیث متعددی آمده است که اگر حجت خدا نباشد، زمین به هم می‌ریزد. حق هم همین است. مثال زدم که اگر بچه درس نخواند، مدیر اصلاً در آزمایشگاه و کتابخانه را باز نمی‌کند.

۸. امام رضا علیهم‌السلام فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (توحید) در خداست». بعد مدتی صبر کرد و بعد از مدتی فرمود: «وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»^۳. امام رضا علیهم‌السلام می‌فرماید من از شروط توحید هستم، چون توحید بدون امام ارزش ندارد. شرط توحید، وجود یک رهبر لایق است و آن هم یک رهبر زنده. امام نمی‌گوید: «الامام من شروطها»، می‌گوید «وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»، یعنی من که امام زنده‌ام، شرط توحید هستم. توحید همیشگی است، پس در هر زمان باید

۱. سوره حشر، آیه ۷.

۲. سوره نساء، آیه ۸۰.

۳. ثواب الأعمال، ص ۶.

یک امام معصوم وجود داشته باشد. الآن هم امام زمان علیه السلام شرط توحید هستند.

۹. درباره امام زمان علیه السلام می‌خوانیم: «أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»^۱

هستی به وجود او زنده است؛ مثل ناخدایی که اگر نباشد، کشتی غرق می‌شود.

۱۰. اگر معتقد به وجود امام زمان علیه السلام نباشیم، در واقع می‌گوییم پیغمبر صلی الله علیه و آله

– نعوذ بالله – دروغ گفته است. چون در حدیث ثقلین فرموده که قرآن و

اهل بیت علیهم السلام هیچ وقت از هم جدا نمی‌شوند. اکنون قرآن هست، پس اهل بیت علیهم السلام

کجایند؟!

اگر بگوییم از دنیا رفته‌اند، یعنی این دو از هم جدا شده‌اند؛ در حالی که پیغمبر خدا

می‌گوید این دو هیچ وقت از هم جدا نمی‌شوند. یعنی تا هر زمان که قرآن هست، باید یک

نفر از اهل بیت هم باشد و او در زمان ما، حضرت مهدی علیه السلام است.

سوره نحل

عدم شتابزدگی در طلب ظهور

﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۱

«فرمان [قهر] خدا آمد، پس در آن شتاب نکنید. او منزّه و برتر از هر چیزی است که برای او شریک می‌سازند.»

نکته‌ها:

۱. گرچه مورد آیه، عجله کفار برای نزول قهر خداوند است، اما جمله ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ﴾ اختصاصی به فرمان قهر الهی ندارد؛ بلکه شامل همه فرمان‌های خداوند، همچون فرمان جهاد، فرمان ظهور امام زمان علیه السلام و فرمان برپایی روز قیامت می‌شود و در همه این موارد، نباید عجله کرد.
۲. امام صادق علیه السلام در معنای این فرمایش خدای تعالی فرمود: «آن امر ما است که خدای عزوجل دستور فرموده است که در آن شتاب نشود تا [این‌که در وقت آن، خداوند] او را با سه [لشکر] که عبارت‌اند از فرشتگان، مؤمنان و «هراس‌انگیزی» پشتیبانی فرماید، و [شرایط و احوال] خروج او همانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله است».^۲
۳. فرمان‌های الهی، قطعی و وقوع قهر او، حتمی است. ﴿أَتَى﴾ فعل ماضی است؛ گویا می‌فرماید عذاب آمده است.
۴. خداوند به وعده‌های خود عمل می‌کند. ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ﴾
۵. در کار خدا عجله نکنید که کار او حکیمانه است و در وقت مناسب، آن را انجام می‌دهد. ﴿فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾

۱. سوره نحل، آیه ۱.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۳.

۶. عبدالرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: «قربانت شوم! به من خبر دهید که این امری که در انتظارش هستیم، چه زمانی واقع می شود؟» فرمود: «ای مهزم! وقت گذاران دروغ گفتند و عجله کنندگان هلاک شدند و تسلیم شوندگان نجات یافتند».^۱

سوره اسرا

تلاوت سوره اسرا و افتخار یاری امام زمان علیه السلام

۱. در روایات به تلاوت این سوره در شب‌های جمعه سفارش شده و از جمله فوائد آن، درک محضر امام زمان علیه السلام معرفی شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که سوره اسرا (بنی‌اسرائیل) را هر شب جمعه تلاوت کند، جان نسیارد تا آن‌گاه که قائم آل محمد علیه السلام را دریابد و از یاران او باشد».^۱
۲. امام باقر علیه السلام در فضیلت نصرت‌کنندگان امام زمان علیه السلام فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ»^۲ خوشا به حال آن کس که او را در می‌یابد و از یاوران اوست.
۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»^۳ اگر او (قائم آل محمد علیه السلام) را درک می‌کردم، تمام عمر در خدمتش می‌بودم.
۴. خدایا تو را به آبروی حضرت مهدی علیه السلام، به حق علمش، اشکش، اخلاصش و پدران معصومش علیهم السلام قسم می‌دهیم که دل آن حضرت را برای همیشه از ما خشنود کن و ما را از بازوهای آن امام قرار بده.

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۰۷.

۲. النبیة، نعمانی، ص ۲۵۵.

۳. همان، ص ۲۴۵.

یهود و مهدویت

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ تَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا* فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا* ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا* إِنَّ أَحْسَنَ أَعْسَنَ لَأَنفُسِكُمْ وَ إِنِ اسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عُلُوًّا تَبِيرًا﴾^۱

«ما در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل اعلام کردیم که قطعاً شما دوبار در زمین فساد می‌کنید و برتری جویی بزرگی خواهید کرد* پس همین که وعده نخستین فتنه فرا رسد، گروهی از بندگان توانمند و جنگجوی خویش را [برای سرکوبی شما] بر می‌انگیزیم. پس درون خانه‌ها را جستجو کنند [تا فتنه‌گران را بیابند و کیفر دهند] و آن، وعده‌ای قطعی است* سپس جنگ را به سود شما و علیه آنان برگردانیم و شما را با اموال و فرزندان کمک کنیم و نفرات شما را بیشتر قرار دهیم* اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید [باز هم] به خود بد کرده‌اید. پس همین که وعده [فسادگری] دوم فرا رسید [جنگجویان نیرومند و مؤمن را برای قلع و قمع شما می‌فرستیم] تا سیمای [نظامی و عزت دنیوی] شما را زشت نمایند و [برای گرفتن قدرت] به مسجدالاقصی وارد شوند؛ همان‌گونه که بار اول وارد شدند و تا آن‌چه را زیر سلطه درآورده‌اند، به سختی ویران کنند.»

نکته‌ها:

۱. آنچه در حوادث تاریخی اهمیت داشته و موجب سازندگی می‌شود، عبرت‌ها و

درس‌های آن است؛ نه جزئیات حوادث. ماجرای تار و مار شدن مستکبران یهود به دست بندگان مؤمن خدا از این جهت بیان شده که بگوید: استکبار و کفر، بی‌پاسخ نیست و چون همین هدف کلی و تربیتی مقصود بوده است، آیه به ذکر جزئیات درگیری و نفرات و چگونگی سلاحشان نپرداخته است.

۲. سوابق قوم یهود، در تورات هم ثبت شده است. ﴿فِي الْكِتَابِ﴾

۳. فساد، شامل انواع فسادهای جانی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی می‌شود. ﴿لُتُفْسِدُنَّ﴾ به صورت مطلق آمده است.

۴. قرآن، برای آن گروهی که فسادگران بنی‌اسرائیل را سرکوب می‌کنند، مصداقی بیان نکرده است. در برخی تفاسیر، آن را به بخت‌النصر، طالوت، پادشاه روم، هیتلر و... تطبیق داده‌اند؛ ولی هیچ‌کدام از آنان، با کلمه مقدس ﴿بَعَثْنَا﴾ - که در قرآن تنها برای قیامت و بعثت انبیا آمده - و ﴿عِبَاداً لَنَا﴾ - که قرآن برای افرادی هم‌چون پیامبران به کار می‌برد - سازگار نیستند. بنابراین شاید نظر آیه به آینده‌ای باشد که هنوز نیامده است.

۵. گرچه بعضی تفاسیر، استکبار و فساد یهود و قلع و قمع شدن آنان در دو نوبت را به افرادی در گذشته‌های دور یا نزدیک نسبت داده‌اند و مسجدالاقصی نیز در طول عمر چند هزار ساله خود، بارها شاهد حوادث و خاطرات تلخ بوده است، ولی با توجه به آیات و روایات، باید منتظر تجاوز و استکبار اسرائیل در آینده و ریشه‌کن شدن آنان از سوی بندگان صالح خدا باشیم. چنان‌که از ظاهر آیه ۵ و ۶ اسرا بر می‌آید که هنوز چنین فساد گسترده‌ای در زمین از طرف بنی‌اسرائیل، و قلع و قمع مهمی توسط مردان خدا انجام نشده است.

۶. روایات متعددی در تفسیر این آیات آمده است. برخی از روایات، نابودی یهودیان متجاوز را قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام و توسط انقلابیون مؤمنی دانسته‌اند که شمشیرهای خود را بر دوش نهاده، تا مرز شهادت پیش می‌روند و زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌شوند. کما این‌که امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿عِبَاداً لَنَا أُولِی بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّیَارِ﴾ چنین فرموده‌اند و امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر این آیه

فرمود: «هو القائم و أصحابه».^۱

۷. از سنت‌های الهی، نابودی مستکبران طغیان‌گر است. ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ﴾

۸. تحقق وعده‌های الهی، به معنای کنار بودن انسان از وظیفه جهاد نیست. ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا﴾

۹. فراز و نشیب‌های تاریخ و نابودی یهود به دنبال بلندپروازی آنان، بر پایه قانون و سنت الهی می‌باشد. ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ...﴾

۱۰. مساجد، پیوسته پایگاه قدرت ادیان و سمبل قدرت بوده‌اند و آزاد کردن این اماکن مقدس از سلطه کفار، از وظایف مؤمنان است. برای سرکوب یهودیان متجاوز، مردان خدا وارد بیت‌المقدس می‌شوند؛ چنان‌که مسلمانان با فتح مکه وارد مسجدالحرام شدند. ﴿لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ﴾

۱۱. یهودی‌ها ابتدا قوم خوبی بودند، لذا خدا راجع به آن‌ها فرمود: ﴿فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^۲ اما بعد فرمود: ﴿وَبَاؤُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ﴾^۳ چرا خدا یک‌بار می‌گوید: زنده باد و یک‌بار می‌گوید: مرگ بر شما؟! چون افکار و رفتار آن‌ها به شدت تغییر کرد و خصلت‌های آنان را عوض کرد. از جمله آن‌که:

- رفاه‌طلب شدند. ﴿لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ﴾^۴

- غرق در گناه و نافرمانی شدند؛ به گونه‌ای که دیگر قابلیت پاکیزگی را ندارند. ﴿لَمْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطْهَرِ قُلُوبَهُمْ﴾^۵

- در روی زمین فساد کردند. ﴿يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا﴾^۶

۱. نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۲۸.

۲. سوره بقره، آیه ۴۷.

۳. سوره بقره، آیه ۶۱.

۴. همان.

۵. سوره مائده، آیه ۴۱.

۶. همان.

- حتی به خداوند تهمت زدند و گفتند دست خدا بسته است. ﴿يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ﴾^۱
- کتاب الهی را تحریف کردند. ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾^۲
- هر کجا وحی طبق میل آن‌ها نبود، تکبر ورزیدند. ﴿أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ﴾^۳
- نسبت به اهل ایمان، بیشترین کینه را داشته و دارند. ﴿أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ﴾^۴
- بعضی از انبیا را به قتل رساندند و برخی را تکذیب کردند. ﴿لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولَنَا ... فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ﴾^۵
- غضب‌شده خداوند شدند. ﴿فَبَاؤُوا بَغْضَبِ عَلِيٍّ غَضَبٌ﴾^۶
- گروهی از آنان مورد لعنت حضرت عیسی و حضرت داود علیهم‌السلام شدند. ﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ عِيسَى وَدَاوُدَ﴾^۷
- در مقابل منکرات بی تفاوت شدند. ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ تَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾^۸
- اهل تلاش و جهاد نبودند. ﴿إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾^۹
- انتظارات و توقعات زیادی داشتند. ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ

۱. سوره مائده، آیه ۶۴.

۲. سوره نساء، آیه ۴۶.

۳. سوره بقره، آیه ۸۷.

۴. سوره مائده، آیه ۸۲.

۵. سوره مائده، آیه ۷۰.

۶. سوره بقره، آیه ۹۰.

۷. سوره مائده، آیه ۷۸.

۸. سوره مائده، آیات ۷۹ و ۸۰.

۹. سوره مائده، آیه ۲۴.

فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثَبِّتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ^۱

– تعصب نابجا به خرج می دادند. «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ»^۲
– دنیاگرا شدند. «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا»^۳

– پیمان شکنی کردند. «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ»^۴

– انحصار طلب شدند. «وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً»^۵
– خوی استکباری پیدا کردند. «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا»^۶

– به دنبال اختلاف افکنی بودند. «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ»^۷
– برای انجام گناه توجیه می آوردند. «وَسُئِلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْبُدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»^۸

۱. سوره بقره، آیه ۶۱.

۲. سوره بقره، آیه ۱۱۳.

۳. سوره بقره، آیه ۷۹.

۴. سوره بقره، آیه ۸۳.

۵. سوره بقره، آیه ۸۰.

۶. سوره اسراء، آیه ۴.

۷. سوره فصلت، آیه ۴۵.

۸. سوره اعراف، آیه ۱۶۳.

حضرت مهدی علیه السلام و انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»^۱

«و کسی را که خداوند [قتل او را] حرام کرده است نکشید، مگر به حق. و هر کس مظلوم کشته شود، قطعاً برای ولیّ او تسلط [و اختیار دیه یا قصاص] قرار داده‌ایم، پس نباید در کشتن [و قصاص] زیاده‌روی کند؛ چراکه آن [ستم‌دیده به طور عادلانه] یاری و حمایت شده است.»

نکته‌ها:

۱. قتل نفس و آدم‌کشی از گناهان کبیره است. هر کس در غیر موضع حق، کسی را بکشد، گویا همه مردم را کشته است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»^۲ و کیفر چنین کاری، ماندن در دوزخ برای همیشه است: «مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا»^۳ این کیفر، برای کسی که اسلحه بکشد و تهدید به قتل کند و به عنوان مفسد و محارب شناخته شود نیز ثابت است.^۴

۲. در روایات، یکی از مصادیق «ولیّ» در آیه مورد نظر، حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است؛ چراکه انتقام جدّ عزیزش، امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت. امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا...» فرمود: «منظور این آیه، امام حسین علیه السلام می‌باشد؛ زیرا

۱. سوره اسراء، آیه ۳۳.

۲. سوره مائده، آیه ۳۲.

۳. سوره نساء، آیه ۹۳.

۴. سوره مائده، آیه ۳۳.

آن بزرگوار مظلومانه شهید شد و ما امامان خون‌خواه آن حضرت هستیم. هنگامی که قائم ما خاندان قیام کند، خون امام حسین علیه السلام را طلب خواهد کرد.^۱

۳. وقتی امام زمان علیه السلام و یارانش قیام کنند، شعار انقلابشان این خواهد بود: «یا لثارات الحسین»، یعنی ما آمده‌ایم انتقام خونی که از امام حسین ریخته شد را بگیریم.^۲

۴. امام زمان علیه السلام انتقام شهدا را می‌گیرد. در دعای ندبه می‌گوییم: «این طالب بدم المقتول بکربلا»،^۳ کجا هستی ای کسی که می‌آیی و انتقام خون امام حسین علیه السلام را می‌گیری؟ حدیث داریم که خداوند می‌فرماید: «وَأَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ أَعْدَائِي؛^۴ من توسط حضرت مهدی علیه السلام دشمنانم انتقام می‌گیرم».

۵. حمایت خداوند از مظلوم و سپردن حق قصاص به ولی دم، هم عامل بازدارنده از آدم‌کشی است و هم باعث جلوگیری از اسراف در قصاص می‌شود. «جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»^۵
۶. قرار دادن حق قصاص، برای حمایت از مظلوم است. «جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»

۷. در قصاص باید خشم و غضب، مهار، و عدالت مراعات شود: «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» اسلام حتی برای انتقام‌گیری از متجاوزان به جان انسان‌ها، عدالت را شرط دانسته است.

۸. خداوند در قرآن مجید خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛^۶ «ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

۹. خداوند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دیگر پیامبران علیهم السلام را برای برخورداری ساختن انسان‌ها از رحمت خود در دنیا و آخرت مبعوث کرد. اوصیا و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ادامه دهنده راه آن حضرت هستند.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲. الأمالی، صدوق، ص ۱۳۰.

۳. اقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۸.

۵. سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام نیز جلوه‌ای از رحمت گسترده پروردگار برای همه انسان‌ها، به ویژه برای شیعیان و معتقدانش است. در زیارت آل یاسین - که از زیارت‌های امام زمان علیه السلام می‌باشد - ایشان را «الرحمة الواسعة»^۱ می‌خوانیم و می‌گوییم: «سلام بر تو، ای رحمت گسترده پروردگار».

۱۰. در حدیثی از جابر، صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله، از امام زمان علیه السلام با عنوان «رحمة للعالمین» یاد شده است.^۲ آن امام، ذخیره خداوند برای آینده جهان و واسطه لطف و رحمت او در زمین است. خود ایشان در نامه‌ای خطاب به یکی از نمایندگان خاص خود در زمان غیبت صغری فرمود: «من موجب امان و آرامش اهل زمین هستم»^۳ و در جای دیگری فرمود: «وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ»^۴ ما لحظه‌ای شما را فراموش نمی‌کنیم.

آری! امام زمان علیه السلام جلوه مهر و لطف خداوند بر اهل زمین است و اگر شمشیرکشیدن و جنگی نیز وجود خواهد داشت، در برابر ستمگران و مستکبرانی خواهد بود که مانع بارش رحمت الهی بر مردم هستند.

۱۱. شمشیر امام زمان علیه السلام برای کسانی کشیده خواهد شد که جز منطق زور، چیز دیگری نمی‌فهمند؛ مثل اسرائیلی‌های امروز. آیا این صهیونیسم قابل نصیحت است؟! آیا سازمان ملل می‌تواند مهارش کند؟! آیا آمریکا می‌تواند کنترلش کند؟! اصلاً چه قدرتی می‌تواند اسرائیل را سرجایش بنشانند؟ اسرائیل جز منطق زور چیزی نمی‌فهمد، وگرنه امام زمان علیه السلام سر تا پا مهر است.

۱۲. در روایت آمده است که امام زمان با شمشیر قیام می‌کند: «يَخْرُجُ بِالسَّيْفِ» شمشیر یا رمز و نماد خاصی است یا به معنی جنگ عادلانه است؛ چراکه جنگ با غیر شمشیر، عادلانه نیست. در جنگ‌های امروز با مبارزان، یک شهر را زیر و رو می‌کنند و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۷۱.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷.

۳. الغیبة، طوسی، ص ۲۹۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

آثار بمباران حتی برای نسل‌های بعد هم می‌ماند. مثلاً در ژاپن بعد از ۵۰ سال هنوز هم آثار بمباران شیمیایی در مردم هست. نسل چهارم و نسل پنجم چه گناهی کرده‌اند؟ جنگ حقیقی، جنگ با شمشیر است. این جنگ‌های مدرن، همه‌اش وحشی‌گری است. در این جنگ‌ها هیچ انسانی‌تی مطرح نیست. تعجب‌آور است که چرا اسم این کارها را تمدن گذاشته‌اند. حقیقتاً که وحشی‌گری در هیچ زمانی، از زمان ما بیشتر نبوده است. صد رحمت به زمان جاهلیت! در زمان جاهلیت نسل‌کشی نبود. جنگ واقعی، جنگ تن‌به‌تن است. مراد از این که امام زمان علیه السلام با شمشیر ظهور می‌کند، این است که ایشان با عقل و شناخت و انصاف خواهند جنگید.

محشور شدن با امام زمان علیه السلام در قیامت

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾^۱

«روزی که هر گروه از مردم را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم، پس هر کس نامه عملش به دست راستش داده شود، پس آنان نامه خود را [با شادی] می‌خوانند و کم‌ترین ستمی بر آنان نمی‌شود.»

نکته‌ها:

۱. قرآن از دوگونه پیشوا نام برده است؛ یکی امام نور و هدایت: ﴿أَئِمَّةٌ يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾^۲ و دیگری امام نار و ضلالت: ﴿أَئِمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾^۳ گروه اول از سوی خدا به امامت منصوب شده‌اند؛ اما گروه دوم، با زور و تهدید و تطمیع و تحقیر، مردم را به اطاعت خود وامی‌دارند.

۲. ابوبصیر به امام صادق علیه السلام گفت: «أشهد أنك امامي؛ گواهی می‌دهم که تو امام من هستی». آنگاه امام فرمود: «در قیامت، هر گروهی با امامشان محشور می‌شوند، خورشید پرستان با خورشید و ماه پرستان با ماه».^۴

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره این آیه فرمود: «در روز قیامت هر گروهی به نام امام زمانش و نیز به کتاب خدا و سنت پیامبرشان فرا خوانده

۱. سوره اسراء، آیه ۷۱.

۲. سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۳. سوره قصص، آیه ۴۱.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۳.

می‌شوند».^۱

۳. فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی «یوم ندعوا کلّ أناس بامامهم» پرسیدم. فرمود: «ای فضیل! امام خود را بشناس، زیرا هرگاه امامت را شناختی، تقدم یا تأخر این امر به تو زیان نمی‌رساند. کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب‌الامر بمیرد، مانند کسی است که در لشکر آن حضرت بوده، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت نشسته است».^۲

۴. تقسیم‌بندی مردم در قیامت، بر اساس رهبران‌شان خواهد بود. «کُلُّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ»

۵. انسان، ناگزیر، الگو و رهبری را برای خود انتخاب می‌کند. «کُلُّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ»

۶. مسلمان نباید در مسائل رهبری، منزوی و بی‌تفاوت باشد؛ زیرا در قیامت به همراه او محشور می‌شود.

۷. آثار مسأله انتخاب رهبری و اطاعت از او، تا قیامت ادامه دارد. «نَدْعُوا كُلُّ أَنْاسٍ

بِإِمَامِهِمْ»

۸. قیامت، نه تنها دادگاه افراد، بلکه محکمه بزرگ امت‌ها، ملت‌ها، احزاب، مکتب‌ها و

حکومت‌ها نیز هست. «نَدْعُوا كُلُّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ»

۹. جایگاه امامت و ولایت، در متن زندگی است؛ نه آن‌که صرفاً موضوعی اعتقادی و

در حاشیه باشد. رهبر، زمینه‌ساز سعادت یا شقاوت مردم است.

۱. صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۷۱.

سوره كهف

تلاوت سوره کهف و رهایی از فتنه‌های آخرالزمان

۱. در فضیلت سوره کهف و آثار تلاوت آن، احادیث بسیاری وارد شده است؛ از جمله آن‌که رسول اکرم ﷺ فرمود: «من قرأ الكهف يوم الجمعة فهو معصوم إلى ستة أيام من كل فتنه تكون، فإن خرج الدجال عصم منه؛^۱ کسی که سوره کهف را در روز جمعه بخواند، تا شش روز از هرگونه فتنه‌ای دور خواهد بود و اگر دجال خروج کند، از شر وی مصونیت خواهد داشت».

۲. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: روزی سر پیامبر صلی الله علیه و آله در دامن من بود و آن حضرت به خواب رفت و ما جمعی بودیم که درباره دجال و خطر آن گفتگو می‌کردیم. ناگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که صورت مبارکش سرخ شده بود، از خواب بیدار شد و فرمود: «إن أخوف ما أخاف على هذه الأمة من الدجال أئمة مظلون و هم رؤساء أهل البدع؛^۲ بدترین چیزی که از دجال بر امتم می‌ترسم، رهبران گمراهی است که پیشوایان اهل بدعت هستند».

۳. سدید صیرفی گوید: من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب بر مولایمان، امام صادق علیه السلام وارد شدیم و دیدیم که بر خاک نشسته و جبه خیری طوق‌دار و بی‌گریبان و آستین‌کوتاهی پوشیده و مانند مادر فرزندمرده و جگر سوخته می‌گرید و اندوه تا وجناتش رسیده، گونه‌هایش دگرگون شده و دیدگانش پر از اشک است و می‌گوید:

«ای آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و بستر را بر من تنگ ساخته و

۱. نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۴۲.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

آسایش قلبم را از من سلب نموده است. آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده و فقدان یکی پس از دیگری، جمع و شمار را نابود کرده است. من دیگر اشکی را که از دیدگان بر گریبانم روان است و ناله‌ای را که از مصائب و بلایای گذشته از سینه‌ام سر می‌کشد، احساس نمی‌کنم؛ بلکه تنها چیزی که در برابر دیدگاتم مجسم است و از همه گرفتاری‌ها بزرگ‌تر، جانگدازتر، سخت‌تر و ناآشنا تر است، ناملایماتی است که با غضب تو در آمیخته و مصائبی است که با خشم تو عجین شده است».

چون امام صادق علیه السلام را در چنین حالی دیدیم، از شدت وله و جزع، عقل از سرمان پرید و به واسطه آن رخداد سهمگین و پدیده وحشتناک، قلوبمان چاک چاک شد و پنداشتیم که مکروهی کوبنده یا مصیبتی از مصائب روزگار بر ایشان نازل شده است. گفتیم: «ای فرزند بهترین خلائق! چشمانت گریان مباد! به واسطه چه حادثه‌ای اشک از دیدگانتان ریزان است و کدام حالتی است که این ماتم را بر شما واجب کرده است؟» امام صادق علیه السلام نفس عمیقی کشید که بر اثر آن، آه از درونش برآمد و هراسش افزون شد و فرمود:

«وای بر شما! صبح امروز در کتاب جفر می‌نگریستم و آن کتابی است مشتمل بر علم منایا و بلایا و مصائب عظیمه و علم ماکان و مایکون تا روز قیامت؛ همان کتابی که خدای تعالی آن را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه پس از او اختصاص داده است. در فصولی از آن کتاب، میلاد قائم ما و غیبتش و تأخیر کردن و طول عمرش و بلوای مؤمنان در آن زمان و پیدایش شک و تردید در قلوب آن‌ها به واسطه طول غیبت و مرتد شدن آن‌ها از دینشان و برکندن رشته اسلام از گردن‌هایشان را مشاهده کردم...»^۱.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۲.

اصحاب کهف، الگوی جوانان مهدوی

﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى﴾^۱

«ما داستان آنان (اصحاب کهف) را به درستی برای تو حکایت می‌کنیم. آنان جوان‌مردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم.»

نکته‌ها:

۱. داستان اصحاب کهف، مهم و مفید است. به خبر مهم و قابل‌توجه، «نبا» می‌گویند.

۲. «فِتْيَةٌ» جمع «فَتَى» به معنای جوان‌مرد است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «فتی به انسان باایمان گفته می‌شود؛ زیرا خداوند اصحاب کهف را با آن‌که سالمند بودند، به سبب ایمانشان «فتی» معرفی کرده است».^۲

۳. در داستان اصحاب کهف، مسائلی چون قدرت و اراده الهی، شجاعت، دل‌کندن از دنیا، هجرت، تقیه، امدادهای الهی و تغذیه حلال مطرح است.

۴. اصحاب کهف، افرادی انقلابی، مهاجر و مؤمن بودند؛ چراکه به خدا اعتقاد داشتند و زیر بار شرک نرفتند و هجرت کردند. آن‌ها وابسته به هیچ‌کس نبودند و در بندگی خدا اخلاص داشتند.

۵. هنر اصحاب کهف این بود که در جامعه فاسد، هضم نشدند و وقتی دیدند که همه مردم شهر منحرف هستند و امکان یا امید اصلاح آن‌ها وجود ندارد، گفتند: ما از رفاه و لذت جامعه فاسد می‌گذریم و غارنشینی را ترجیح می‌دهیم تا دینمان را حفظ کنیم.

۱. سوره کهف، آیه ۱۳.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۳۹۸.

۶. مردم، نسبت به فساد و جامعه فاسد سه دسته‌اند:

– گروهی در فساد جامعه هضم می‌شوند. این دسته، ایمان کامل ندارند و نمی‌توانند دین خود را حفظ کنند؛ ولی هجرت هم نمی‌کنند و زیان حالشان این است: «وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ»^۱ «با اهل باطل در سخنان باطل فرو می‌رفتیم».

– گروهی در جامعه فاسد، خود را حفظ می‌کنند؛ مثل اصحاب كهف: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ».

– گروهی جامعه فاسد را تغییر می‌دهند و اصلاح می‌کنند؛ مثل انبیا و اولیا. وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام بت‌ها را شکست و پرسیدند: چه کسی بت‌ها را شکسته است؟ پاسخ دادند: «يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ»^۲ «جوانی است که به او ابراهیم گویند».

۷. در روایات آمده است که اصحاب كهف، جزو اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود.^۳

۸. حرکت و تلاش انسان، سبب رشد و هدایت اوست. «آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى»^۴
۹. حتی یک گروه کوچک نیز باید مسئول و رهبر داشته باشد. در میان اصحاب كهف، یک نفر بود که امر و نهی می‌کرد. «قَالَ قَائِلٌ ... فَاْبْعَثُوا...»

۱۰. اصحاب كهف بعد از بیداری از خواب چندصد ساله، به یک‌دیگر گفتند: یک نفر برود و غذایی که پاکیزه‌تر است برایمان بیاورد.^۵ فکر نکنیم که اگر خمس و سهم امام زمان علیه السلام را ندادیم زرنگ هستیم.

۱. سوره مدثر، آیه ۴۵.

۲. سوره انبیاء، آیه ۶۰.

۳. منتخب‌الانتر، ص ۴۸۵.

۴. «فَاْبْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَٰذَا إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ». سوره كهف، آیه

چشم‌انداز حکومت مهدوی

﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱

«کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و [دیگران را] به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند؛ و پایان همه امور برای خداست.»

نکته‌ها:

۱. امام محمدباقر علیه السلام فرمود: «این آیه، متعلق به آل محمد علیهم السلام یعنی دوازده امام و شخص مهدی موعود علیه السلام و یاران اوست که خداوند آنان را در شرق و غرب جهان جای دهد و دین اسلام را غالب گرداند و هر بدعت و باطلی را به وسیله او و یارانش محو کند؛ همان‌طور که سفیهان حق را از میان برده باشند و آن‌چنان عالم در آسایش به سر برد که اثری از ظلم در جایی دیده نشود».^۲

۲. امر به معروف و نهی از منکر، به قدرت نیاز دارد. ﴿مَكَّنَّاهُمْ﴾

۳. پیروزی مؤمنان، زمینه‌بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می‌کند و غفلت و غرور را از بین می‌برد. ﴿إِن مَّكَّنَّاهُمْ﴾

۴. برای مؤمنان، تمام زمین یکسان است. آنان هر کجا که توان بیابند، هدف مقدس خود را پیاده می‌کنند. ﴿فِي الْأَرْضِ﴾

۵. رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از

۱. سوره کهف، آیه ۴۱.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

- مفاسد، از هم جدا نیست. ﴿أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ...﴾
۶. اقامه نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است. در این آیه آمده است: ﴿أَقَامُوا﴾، نه «یقیمون».
۷. حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد معنوی افراد تحت حکومت خود هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. ﴿أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ...﴾
۸. جامعه‌ای تحت حمایت خداوند است که ارزش‌های محوری‌اش طبق ارزش‌های قرآنی باشد.
۹. امر و نهی افراد، زمانی در جامعه مؤثر خواهد بود که هرکس ابتدا به وظایف فردی خود عمل کند. ﴿أَقَامُوا الصَّلَاةَ... آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ﴾
۱۰. اقامه نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد. ﴿إِنْ مَكَّنَّاهُمْ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾
۱۱. زکات، همتای ناگسستنی نماز است.^۱ ﴿أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ﴾
۱۲. باید بدانیم که حکومت امام زمان علیه السلام استمرار حکومت علوی و با همان خصوصیات و اهداف است. این ویژگی‌ها و اهداف عبارت‌اند از:
- عدالت. مشخصه حکومت امام زمان علیه السلام این است: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا».^۲
- هدف همه انبیا اجرای عدالت بوده است.
- امنیت. در زمان امام زمان علیه السلام یک زن از منطقه‌ای به منطقه‌ای دوردست می‌رود، بدون آن‌که دغدغه و دلهره‌ای داشته باشد.
- رشد عقلانی در روایات آمده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ»^۳ وقتی امام بیاید، دستی روی سر مردم می‌کشد و مردم رشد عقلی پیدا می‌کنند.

۱. در ۲۸ آیه قرآن، زکات در کنار نماز آمده است.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۴۱.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

- اقامه نماز. در همین آیه آمده است: ﴿الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾.
- احیای زکات. در ادامه آیه آمده است: ﴿وَأَتُوا الزَّكَاةَ﴾ طبق روایات، حضرت مهدی علیه السلام مانع‌الزکات را می‌کشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «...و مانع الزکاة يضرب رقبتة».^۱
- امر به معروف و نهی از منکر. در همین آیه آمده است: ﴿وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾
- احیای فرهنگ قرآن. اولین اقدام حضرت پس از استقرار حکومت، تشکیل کلاس قرآن است: «السلام علیک یا تالی کتاب الله و ترجمانه».^۲
- آبادی شهرها و روستاها. امام باقر علیه السلام درباره عصر ظهور فرمود: «لا یبقی فی الارض خراب إلا قد عمر».^۳
- شکوفایی علم و دانش. طبق سخنی از امام صادق علیه السلام، علم ۲۷ حرف دارد و ۲۵ حرف آن در زمان حضرت مهدی علیه السلام کشف خواهد شد.^۴
- محو فقر. مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است: «هنگامی که قائم ما قیام کند... زمین گنج‌های خود را ظاهر می‌سازد و مردم آن‌ها را به روی زمین مشاهده می‌کنند. آنان از هم می‌پرسند که افراد فقیر و مستحق کجا هستند تا زکات و صدقات خود را به آنان برسانند؛ زیرا در زمان او، مردم همگی غنی می‌شوند و مستحق برای صدقات پیدا نمی‌شود».^۵
- شایسته‌سالاری در عزل و نصب. حضرت مهدی علیه السلام به صورت عملی به این سفارش حضرت علی علیه السلام عمل خواهد نمود که فرمود: «کارمندان را از میان اهل پرهیزگاری و دانش و سیاست برگزین و از بین آنان نیز مردم آزموده و باحیا که از

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲. الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۵. إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۴.

خاندان‌های صالح و سابقه‌دار هستند را مدنظر قرار بده که اینان اخلاقی بزرگوارانه‌تر و آبرومندتر و آزمندی‌هایی کم‌تر و عاقبت‌نگری‌های بیش‌تر از دیگران دارند.^۱

- سازش‌ناپذیری. حضرت مهدی عج فرمود: «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَ قَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيَّةِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِغِ فِي عُنُقِي»^۲ بر گردن همه پدرانم بیعت سرکشان زمانه بود، اما من وقتی خروج نمایم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نخواهد بود.

- انتقادپذیری. آن امام هم‌چون پدر بزرگوارش حضرت علی ع است که فرمود: «لَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ»^۳ با من بدان‌گونه که با زورگویان سخن می‌گویید، صحبت نکنید. ایشان انتقاد منتقدان را خواهد شنید.

- حق‌محوری. امام زمان ع کسی است که بر مبنای حق، حکومت خواهد نمود و حتی در زمان تولد، این آیه بر بازوانش بسته شده بود: «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۴ «حق آمد و باطل رفت، همانا باطل رفتنی است».

- مهربانی با مردم و سخت‌گیری بر کارگزاران. در وصف سیره حکومتی حضرت مهدی ع آمده است که ایشان با مردم، مهربان و با کارگزارانش، سخت‌گیر خواهد بود.^۵ خلاصه آن‌که حفظ دین از بدعت‌ها و شبهات و اقامه حدود و همه آن‌چه که یک حکومت الهی باید داشته باشد، در حکومت امام زمان ع در حد کمال وجود خواهد داشت.

۱. تحف العقول، ص ۱۳۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۴. سوره اسراء، آیه ۸۱.

۵. بشارة المصطفی لشيعة المرتضى ع، ج ۲، ص ۲۰۷.

سورہ انبیاء

حتمی بودن حکومت جهانی مهدوی

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱
 «و همانا در [کتاب آسمانی] زبور [که] بعد از ذکر [یعنی تورات، نازل شده] نوشتیم
 که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».

نکته‌ها:

۱. کلمه «زبور» در لغت عرب به معنای هر نوع نوشته و کتاب است؛ چنان‌که در قرآن نیز آمده است: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ﴾^۲ ولی در آیه ﴿وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا﴾^۳ به قرینه نام حضرت داود علیه السلام به نظر می‌رسد که مراد، کتاب اختصاصی آن حضرت است که در برگرفته مجموعه مناجات‌ها، نیایش‌ها و اندرزهای ایشان بوده و پس از تورات نازل شده است.

مراد از «ذکر» در این آیه نیز تورات می‌باشد؛ چنان‌که در آیه ۴۸ همین سوره تصریح شده که تورات، ذکر است.^۴

بعضی گفته‌اند که منظور از «زبور» در این آیه، تمام کتب آسمانی، مراد از «ذکر»، قرآن مجید، و کلمه «مِنْ بَعْدِ» نیز به معنای «علاوه بر» است، که در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: «ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب آسمانی نوشتیم که وارثان زمین، قطعاً بندگان صالح من خواهند بود».

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. سوره قمر، آیه ۵۲.

۳. سوره نساء، آیه ۶۲ و سوره اسراء، آیه ۵۵.

۴. ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءَ وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ﴾.

از امام صادق علیه السلام درباره زبور و ذکر سؤال شد. آن حضرت فرمودند: «ذکر نزد خداوند است و زبور، کتاب نازل شده بر داود علیه السلام است و همه کتاب‌های نازل شده، نزد اهل علم است و آنان ما (اهل بیت) هستیم».^۱

۲. در پنج مورد از مطالب زبور (مزامیر) حضرت داود علیه السلام - که امروزه جزو کتب عهد قدیم به شمار می‌رود - شبیه این تعبیر آمده است: «مردان صالح، وارث زمین خواهند شد».

۳. همه دین‌ها معتقدند که نجات‌دهنده‌ای خواهد آمد؛ لذا در زیارات، حضرت مهدی علیه السلام را این‌گونه خطاب قرار می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيٍّ الْأُمَمِ»؛^۲ یعنی سلام بر تو، ای امامی که همه امت‌ها منتظرت هستند، نه فقط مسلمان‌ها!

۴. در روایات متعدد آمده است که آن بندگان صالحی که وارث زمین خواهند شد، حضرت مهدی علیه السلام و یارانش هستند.^۳

۵. یکی از سنت الهی آن است که بندگان صالح، حاکم و وارث جهان باشند. «کَتَبْنَا»

۶. دین از سیاست جدا نیست. «بِرِثْهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»

۷. به ارث بردن زمین و حکومت بر جهان، دو شرط دارد؛ بندگی خداوند و انجام

اعمال صالح. «عِبَادِي الصَّالِحُونَ»

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.

سوره حج

امام زمان علیه السلام، امنیت بخش زمینیان

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ»^۱

«آیا ندیدی که خداوند، آنچه را در زمین است و نیز کشتی‌هایی که به امر او در دریا می‌روند را برای شما رام کرده است و آسمان را نگاه داشته تا جز به فرمان او به زمین نیفتد؟ همانا خداوند نسبت به مردم، رأفت و رحمت دارد.»

نکته‌ها:

۱. مراد از تسخیر موجودات برای انسان، آن است که همه آنها در مسیر کام‌گیری و منافع بشر قرار داده شده‌اند؛ مثلاً خورشید مسخر ماست، یعنی از او بهره‌مند می‌شویم.
۲. تسخیر جهان هستی، به اراده خداست. «أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ»
۳. انسان شریف‌ترین مخلوق خداوند است و می‌تواند بر زمین و پدیده‌های آن غالب شود. «سَخَّرَ لَكُمْ»
۴. سیر طبیعت، در مسیر اراده خداوند است. «تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ»
۵. قوانین طبیعی، مانع اراده الهی نیست. «إِلَّا بِإِذْنِهِ»
۶. وجود امام زمان علیه السلام عامل امنیت اهل زمین است. خود ایشان فرمود: «إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»^۲ من امان و مایه امنیت اهل زمین‌ام؛ همان‌گونه که ستارگان امنیت‌بخش اهل آسمان هستند.»
۷. امام سجاد علیه السلام فرمود: «نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ

۱. سوره حج، آیه ۶۵.

۲. إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۵۳.

نَحْنُ الَّذِينَ بَنَّا ﴿يُمْسِكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ وَبَنَّا يُمْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ
تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبَنَّا يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَتُنْشِرُ الرَّحْمَةَ وَتَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ وَلَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ
مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛^۱ ما امان اهل زمین هستیم، هم‌چنان که ستارگان امان اهل آسمان‌اند.
و ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین نیفتد، مگر به
اذن او و به خاطر ما زمین را نگاه داشته است که اهلش را نلرزاند. به سبب ما باران را
فرو فرستد و رحمت را منتشر کند و برکات زمین را خارج سازد و اگر ما بر روی زمین
نبودیم، زمین اهلش را فرو می‌برد».

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷.

سوره نور

حضرت مهدی علیه السلام، نور الهی

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضْيِئُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۱

«خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او هم‌چون چراغ‌دانی است که در آن چراغی [پرفروغ] باشد، آن چراغ در میان حبیبی شیشه‌ای، و آن شیشه هم‌چون ستاره‌ای تابان و درخشان باشد. چراغ از روغن درخت پربرکت زیتون بر افروخته شده که نه شرقی است و نه غربی. [روغنش به قدری صاف و شفاف است] که بدون تماس آتش، نزدیک است [شعله‌ور شود و] روشنی دهد. نوری است بر فراز نور دیگر. هر کس را خداوند بخواهد به نور خویش هدایت می‌کند، و خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند و خداوند به هر چیزی آگاه است.»

نکته‌ها:

۱. در فرهنگ اسلام، برخی از اشیا و انسان‌ها به عنوان «نور» معرفی شده‌اند؛ مثل قرآن، علم، عقل، ایمان، هدایت، اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام.
۲. حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «مشکات، رسول خدا صلی الله علیه و آله، مصباح، وصی او (علی علیه السلام) و جانشینان پس از او (ائمه علیهم السلام)، زجاجه، فاطمه علیها السلام، شجره مبارکه، رسول الله صلی الله علیه و آله و کوکب درّی، قائم منتظری است که زمین را پر از عدل می‌کند».^۲

۱. سوره نور، آیه ۳۵.

۲. اثبات الهداة، ج ۲، ص ۱۵۰.

۳. رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا خدای عزوجل در آن شب (معراج) که به گردش شبانه برده شدم، به من وحی فرمود: «ای محمد! چه کسی از میان امت را به جای خود گذاشتی؟» خدا خود بدان آگاه‌تر بود، اما عرض کردم: «پروردگارا! برادرم را». فرمود: «ای محمد! علی بن ابی‌طالب را؟» عرض کردم: «بله، ای خدای من!»

فرمود: «ای محمد! من ابتدا از مقام ربوبیت نظری بر زمین افکندم و تو را از میان مردم اختیار کردم؛ هیچ‌گاه یادی از من نمی‌شود، مگر این‌که تو نیز با من یاد شوی. من خود، محمودم و تو محمد. سپس نظری دیگر بر زمین افکندم و از آن میان، علی بن ابی‌طالب را برگزیدم و او را وصی تو قرار دادم. پس تو سرور پیامبران، و علی سرور جانشینان است. سپس از اسمای خویش، نامی مشتق ساختم و بر او نهادم. «اعلی» از نام‌های من است و «علی» نام اوست.

ای محمد! من علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان علیهم‌السلام را از یک نور آفریدم، سپس ولایت ایشان را بر فرشتگان عرضه داشتم. هرکه آنان را پذیرفت، از مقربین گردید و هرکه آن را رد کرد به کافران پیوست. ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگانم مرا چنان پرستش کند که رشته حیاتش از هم بگسلد، اما در حالی که منکر ولایت آنان است با من روبرو شود، او را در آتش دوزخ خواهم افکند. ای محمد! آیا مایلی آنان را ببینی؟»

عرض کردم: «آری!» فرمود: «قدمی پیش گذار». من قدمی جلو نهادم. ناگاه دیدم علی بن ابی‌طالب و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی علیهم‌السلام آنجا بودند و حجت قائم ﷺ همانند ستاره‌ای درخشان در میان آنان بود.

عرض کردم: «پروردگار من! اینان چه کسانی‌اند؟» فرمود: «اینان امامان هستند و این نیز قائم است که حلال‌کننده حلال من و حرام دارنده حرام من است و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت. ای محمد! او را دوست بدار که من او را دوست می‌دارم و هرکس را که او را دوست بدارد نیز دوست می‌دارم».^۱

۴. «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» یعنی خداوند هدایت‌کننده آسمان و زمین است. چون هدایت آفرینش، در آیات دیگر نیز آمده است: «أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»^۱ عبارت «نورٌ عَلَى نُورٍ» نیز به معنای هدایت‌های دائمی و پی‌درپی است. خداوند در پایان آیه نیز می‌فرماید: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ»

۵. در این آیه، خداوند به نور تشبیه شده است. با مطالعه‌ای اجمالی، روشن می‌شود که نور دارای خواص و ویژگی‌های زیر است:

- نور، لطیف‌ترین موجود در جهان ماده و سرچشمه زیبایی‌ها و لطافت‌هاست.
- نور، وسیله تبیین اجسام و مشاهده موجودات است و بدون آن چیزی را نمی‌توان دید. بنابراین هم «ظاهر» است و هم «مُظْهِر». (ظاهرکننده غیر)
- نور آفتاب - که مهم‌ترین نور در دنیای ماست - پرورش‌دهنده گل‌ها و گیاهان و بلکه رمز بقای همه موجودات زنده است.
- تمام انرژی‌های موجود در محیط (به جز انرژی اتمی) همه از نور آفتاب سرچشمه می‌گیرند؛ حرکت بادهای، ریزش باران، جریان نهرها و آبشارها و بالاخره، حرکت همه موجودات زنده، با کمی دقت، به نور آفتاب منتهی می‌شود. سرچشمه گرما و حرارت نیز همان نور آفتاب است. حتی گرمی آتش که از چوب درختان یا ذغال سنگ یا نفت و مشتقات آن به دست می‌آید نیز از گرمی آفتاب است.
- نور آفتاب نابود‌کننده انواع میکروب‌ها و موجودات موزی است و اگر تابش این نور پربرکت نبود، کره زمین، تبدیل به بیمارستان بزرگی می‌شد که همه ساکنانش با مرگ دست به گریبان بودند.

خلاصه هرچه در این پدیده عجیب عالم، یعنی نور، می‌نگریم و دقیق‌تر می‌شویم، آثار گران‌بها و برکات عظیم آن آشکارتر می‌شود. اما عجیب این‌جاست که بشری که با این همه پیشرفت علمی از شناخت حقیقت نور - که یک امر مادی است - عاجز مانده، در پی شناخت ذات و حقیقت خداست و چه بسا این نیز یکی از وجوه تشبیه خدا به نور باشد.

حال اگر بخواهیم برای ذات پاک خدا تشبیه و تمثیلی از موجودات حسی انتخاب کنیم - گرچه مقام باعظمت او از هر شبیه و نظیری برتر است - آیا جز از واژه «نور» می‌توان استفاده کرد؟ خداوند پدیدآورنده تمام هستی است، روشنی‌بخش عالم است، همه موجودات به برکت او زنده‌اند، همه مخلوقات بر سر خوان نعمت او هستند و اگر لحظه‌ای لطف خود را از آن‌ها باز گیرد، همگی در ظلمت فنا و نیستی فرو می‌روند. جالب این‌که هرچیز به هر اندازه که با او نسبت دارد، به همان اندازه نورانیت کسب می‌کند:

قرآن نور است، چون کلام اوست؛

اسلام نور است، چون آئین اوست؛

پیامبران نورند، چون فرستادگان اویند؛

امامان انوار الهی هستند، چون حافظان آئین او بعد از پیامبران‌اند؛

ایمان نور است، چون رمز پیوند با خداست؛

علم نور است، چون سبب آشنایی با خداست و ...

گرچه خداوند نور آسمان‌ها و زمین و مایه خلقت و هدایت همه هستی است، اما جایگاه او در دل‌های پاک و شفاف مؤمنان است که با نور ایمان برافروخته می‌گردد و هرچه خلوص ایمان بیشتر باشد، تَلَاوُ بیشتر می‌یابد. ﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾

غدير و مهدویت

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا [تنها] مرا پرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند، و هر کس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان‌اند.»

نکته‌ها:

۱. در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام می‌خوانیم که مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام است و خداوند وعده داده است که در آن روز، اهل ایمان بر جهان حکومت کنند.^۲
۲. در قرآن، بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است؛ از جمله آن‌که سه مرتبه فرمود: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۳ «اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد» و نیز در جای دیگری فرمود: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۴ «بندگان صالح من وارث

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. رک: نورالتقلین، ذیل آیه شریفه.

۳. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹.

۴. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

- زمین خواهند شد» و در جای دیگر می‌خوانیم: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾.
۳. اسلام، دین آینده جهان است. آینده تاریخ به سود مؤمنان و با شکست سلطه کافران رقم خواهد خورد. ﴿وَعَدَ اللَّهُ ... لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ﴾
۴. به مؤمنان امید دهید تا فشار و سختی‌ها، آن‌ها را مأیوس نکند. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾
۵. کلید و رمز لیاقت یافتن برای به دست گرفتن حکومت گسترده حق، ایمان و عمل صالح است. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
۶. دین از سیاست جدا نیست؛ بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است. ﴿لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ ... يَعْبُدُونَنِي﴾
۷. برای باور کردن مردم، بیان نمونه‌هایی از تحقق وعده‌های الهی در تاریخ گذشته مفید است. ﴿كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾
۸. پیروزی نهایی اهل حق، یک سنت الهی است. ﴿كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾
۹. هدف از حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است. ﴿لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ ... لَيُبَدِّلَنَّهُمْ ... لَا يُشْرِكُونَ﴾
۱۰. دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم. ﴿وَعَدَ اللَّهُ ... لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ ... لَيُبَدِّلَنَّهُمْ﴾
۱۱. دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است. ﴿دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾
۱۲. امنیت واقعی در سایه حکومت دین است. ﴿وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾
۱۳. امنیت در جامعه اسلامی، شرایط مناسبی را برای عبادت فراهم می‌سازد. ﴿أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي﴾
۱۴. هدف نهایی وعده‌های الهی، عبادت خالصانه خداوند است. ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾
۱۵. عبادت خدا، زمانی کامل است که هیچ‌گونه شرکی در کنار آن نباشد. ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ﴾

۱۶. در زمان حکومت صالحان نیز گروهی انحراف خواهند داشت. ﴿وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ^۱﴾

۱۷. پیامبر اکرم ﷺ در مسیر برگشت از آخرین سفر حج خود، در منطقه غدیر خم به فرمان خداوند حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود اعلام کرد. در آن روز (هجدهم ذی‌الحجه) این آیه نازل شد: ﴿رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۲؛ «امروز من اسلام را به عنوان دین کامل برای شما پسندیدم». در این آیه نیز خداوند پیروزی آن دینی را که پسندیده، وعده داده است: ﴿دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾ بنابراین اسلامی که جهان را خواهد گرفت، اسلام غدیر خم است.

۱۸. امت بی‌امام، کشتی بی‌ناخداست؛ شب بی‌چراغ است. اگر رهبری الهی نباشد، استعدادها شکوفا نمی‌شود. در کنار پیشرفت امروز دنیا، فساد و جنایات نیز پیشرفت کرده است؛ یعنی بال علم و تکنولوژی حرکت می‌کند، ولی بال معنویت شکسته است و این است سیمای انسان بدون رهبری الهی در جهان.

خیلی تعجب است از کسانی که می‌گویند پیامبر اکرم ﷺ از دنیا رفت و کسی را تعیین نکرد! مگر در تاریخ نمی‌خوانیم که هرگاه قبیله‌ای مسلمان می‌شد، پیامبر ﷺ فوراً برای آنان حاکم تعیین می‌فرمود؟ یا هرگاه لشگری اعزام می‌کرد، برای آنان فرمانده تعیین می‌کرد؟ یا همین که به مدینه هجرت نمود، در مکه برای خود جانشینی گمارد؟

۱۹. پیامبر اکرم ﷺ در خطبه غدیر به نام حضرت مهدی ﷺ نیز تصریح کرده و فرمودند: «معاشر الناس! أنا نبي و علي وصي، ألا إن خاتمة الأئمة من القائم المهدی؛^۳ ای مردم! من پیامبرم و علی علیه السلام وصی من است. آگاه باشید که خاتم امامان، قائم و مهدی ﷺ از خاندان ماست».

غدیر، تداوم خط رسالت تا روز ظهور حضرت مهدی ﷺ و تحقق وعده‌های مکرر

۱. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۲. سوره مائده، آیه ۳.

۳. إنبات الهداة، ج ۲، ص ۲۲۰.

خداوند برای جهانی شدن اسلام است. غدیر یعنی بیعت با امامی که حکومت او، وسیله‌ای برای برقراری عدالت اجتماعی است.

غدیر یک روز نیست؛ یک تاریخ است، یک نوع عقیده و فکر است و ضامن اجرای احکام خداست. غدیر، افشاندن بذر ولایت در دل امت و نشان دادن خورشید است. غدیر، گذاشتن دست انسان در دست ولیّ خدا و امام معصوم و بیمه شدن در برابر طاغوت‌هاست.

غدیر تداوم رسالت است. همان‌گونه که انسان نیاز به پیامبر دارد و پیامبر را خدا تعیین می‌کند، بعد از پیامبر نیز انسان به امام نیاز دارد و امام را نیز خدا تعیین می‌کند. زیرا انسان همان انسان است و نیاز به رهبری الهی در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود دارد.

۲۰. خداوند در غدیر خم فرمود: «وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛^۱ «امروز راضی هستم که اسلام، دین شما باشد». در غدیر خم، نعمت، تمام و علی علیه السلام به رهبری منصوب شد. در این آیه هم درباره حکومت امام زمان علیه السلام می‌فرماید: «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»^۲ یک‌بار در غدیر فرمود: «رَضِيتُ» و این‌جا می‌فرماید: «ارْتَضَى» ریشه لغوی این دو کلمه، یکی است و این معنا را می‌رساند که دین غدیر و دین زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام مورد رضایت خداوند است.

۱. سوره مائده، آیه ۳.

۲. سوره نور، آیه ۵۵.

سوره نمل

امام زمان علیه السلام، مضطرّ حقیقی

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ»^۱

«کیست که هرگاه درمانده‌ای او را بخواند، اجابت نماید و بدی و ناخوشی را برطرف کند و شما را جانشینان [خود در] زمین قرار دهد؟ آیا با خداوند معبودی است؟ چه کم پند می‌پذیرید.»

نکته‌ها:

۱. در روایات و تفاسیر، مطلبی ندیدم که ثابت کند تلاوت این آیه در استجابت دعا نقشی داشته باشد؛ لکن مردم به خاطر محتوای آیه، آن را تبرکاً می‌خوانند و مانعی هم ندارد. مناجات با خدای سبحان و راز و نیاز با او، کاری پسندیده و لازم است. دعا به درگاه خدا برای حل مشکلات، خصوصاً در هنگام درماندگی، برای همگان ضروری است.

۲. از راه‌های شناخت خدا و یکتایی او، توجه به یک قدرت نجات‌بخش و بریدن از قدرت‌ها و وسایل دیگر در هنگام اضطرار است. «أَمَّنْ يُجِيبُ»

۳. شرط استجابت دعا، قطع امید از دیگران و اخلاص در دعاست. «يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ»

۴. اگر کسی در سکوت از خداوند حاجتی بخواهد، خداوند از خواسته‌اش باخبر خواهد بود، ولی او دوست دارد که بندگان حاجت خود را به زبان آورند. «إِذَا دَعَاهُ»

۵. در روایات می‌خوانیم که نمونه مضطرّ واقعی، امام زمان علیه السلام است. از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد این آیه روایت شده است: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، هُوَ وَ اللَّهُ

۱. سوره نمل، آیه ۶۲

الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكْعَتَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ؛^۱ این آیه درباره قائم آل محمد علیه السلام نازل شده است. به خدا قسم، مضطر اوست که وقتی دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز او را اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و وی را در زمین خلیفه خود گرداند.

بدترین «السُّوء» هم سلطه کفار است که در زمان آن حضرت برطرف می‌شود و نمونه «وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ» نیز حکومت صالحان در آن زمان خواهد بود.

۶. اجابت مضطر، کاری الهی است، ولی سنت‌های الهی را تغییر نمی‌دهد. مثلاً یکی از سنت‌های خداوند آن است که مردم به نحوی باید از دنیا بروند. از سویی، همه انسان‌ها در لحظه احتضار، مضطر می‌شوند. پس اگر خداوند بخواهد به همه، جواب مثبت دهد، باید قانون مرگ را لغو کند!

سوره قصص

امام زمان علیه السلام و پایان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱
 «و ما اراده کرده‌ایم بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم
 و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم.»

نکته‌ها:

۱. کلمه «منت» در این جا به معنای نعمت بزرگ و بالارزش است؛ نه منت زبانی به معنی بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر دیگران، که مسلماً کار زشت و ناپسندی است.
۲. شکی نیست که هرگاه اراده الهی بر تحقق امری تعلق گیرد، آن مسأله قطعاً عملی خواهد شد و هیچ مانعی نمی‌تواند سد راه آن شود. قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۲؛ «همانا فرمان اوست که هرگاه چیزی را اراده کند که باشد، پس آن چیز خواهد بود و محقق خواهد شد».
۳. با این‌که همه نعمت‌ها از جانب خداوند است و بندگان در هر نعمتی رهین منت او هستند، لیکن او در خصوص چند نعمت، تعبیر به منت فرموده که طبعاً از اهمیت بالای آن‌ها حکایت دارد؛ از جمله:

– نعمت اسلام: «كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ»^۳

– نعمت نبوت: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا»^۴

۱. سوره قصص، آیه ۵۵.

۲. سوره یس، آیه ۸۲.

۳. سوره نساء، آیه ۹۴.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

– نعمت هدایت: «بَلِ اللّٰهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ»^۱

– نعمت حاکمیت مؤمنان: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ»^۲

۴. مسأله حاکمیت مستضعفان بر زمین، با عبارات و بیان‌های مختلفی در قرآن آمده است:

– «وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۳ «خداوند به کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند، وعده خلافت در زمین را داده است.»

– «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ... ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ»^۴ «بعد از آن‌که اقوام ستمگر پیشین را هلاک کردیم ... شما را جانشینان زمین قرار دادیم.»
– «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۵ «بندگان صالح، وارث زمین می‌شوند.»
– «وَأَوْزَيْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا»^۶ «ما مستضعفان را وارث شرق و غرب زمین گردانیدیم.»

– «لَنُهْلِكََنَّ الظَّالِمِينَ»^۷ «ما ستمگران را نابود، و بعد از آن، شما را ساکن زمین می‌گردانیم.»

۵. مراد از مستضعفان در این آیه – با توجه به مجهول بودن فعل «اسْتُضِعُوا» – کسانی هستند که خود در این امر نقش نداشته‌اند و استکبار، آن‌ها را به استضعاف کشانده است.

۶. مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله نظری به

۱. سوره حجرات، آیه ۱۷.

۲. سوره قصص، آیه ۵۵.

۳. سوره نور، آیه ۵۵.

۴. سوره یونس، آیات ۱۳ و ۱۴.

۵. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۶. سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۷. سوره ابراهیم، آیات ۱۳ و ۱۴.

علی و حسن و حسین علیهم‌السلام افکند، گریست و فرمود: شما مستضعفان بعد از وفات من هستید». من سؤال کردم: «یابن رسول الله! معنی آن چیست؟» فرمود: «یعنی شما امامان بعد از من هستید، چون خداوند می‌فرماید: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ و این آیه تا روز قیامت بر ما جاری است».^۱

۷. در روایات بسیار، حضرت مهدی علیه‌السلام و حکومت آن بزرگوار در آخرالزمان، مصداق اتم این آیه معرفی شده است. حضرت علی علیه‌السلام در تفسیر این آیه فرمود: «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَ يُذِلُّ عَدُوَّهُمْ»^۲ اینان که در زمین ضعیف گشته‌اند، آل پیغمبرند که خداوند مهدی آن‌ها را برمی‌انگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند».

۸. حکومت جهانی مستضعفان و حمایت از مظلومان تاریخ، اراده و خواست الهی است. ﴿نُرِيدُ﴾

۹. در حکومت خودکامه طاغوتی، نیروهای کارآمد به ضعف کشانده می‌شوند. ﴿اسْتُضِعُوا﴾

۱۰. آینده از آن مستضعفان است. ﴿نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً﴾

۱۱. امامت، هم‌چون بعثت، نعمت ویژه‌ای است که خداوند بر مردم منت می‌نهد. قرآن در مورد بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم می‌فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا﴾^۳ در این جا هم می‌فرماید: ﴿نَمُنَّ ... نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً﴾.

۱. معانی الأخبار، ص ۷۹.

۲. الغیبة، طوسی، ص ۱۸۴.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

سورہ عنکبوت

مسأله طول عمر امام زمان علیه السلام

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾^۱

«و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس در میان آنان هزار سال، به استثنای پنجاه سال، درنگ کرد [ولی جز اندکی از مردم به سخن او گوش ندادند]. پس طوفان (قهر خداوند) آنان را در حالی که ستمگر بودند، فرا گرفت.»

نکته‌ها:

۱. قرآن، با بیان عمر طولانی انسان‌های گذشته، آن را امری ممکن و شدنی خوانده است. ﴿أَلْفَ سَنَةٍ﴾
 ۲. تنها پیامبری که مدت رسالتش در قرآن بیان شده، حضرت نوح علیه السلام است. البته نهصد و پنجاه سال، مدت رسالت آن حضرت تا زمان طوفان است؛ اما مدت پیامبری ایشان پس از طوفان و سال‌های عمرش بیان نشده است.
 ۳. عمر طولانی دادن به بشر، برای خداوند محال نیست؛ همان‌گونه که او حضرت مهدی علیه السلام را قرن‌ها زنده نگه داشته تا حکومت عدل جهانی را بر پا کند. گرچه جسم تمام مردم پس از کهولت سن فرسوده می‌شود، ولی آن حضرت به گفته بزرگان دین، همچنان در چهره انسان چهل‌ساله ثابت است و این جای تعجب نیست.
- در صورت همه ما، موی ابرو و مژه ده‌ها سال ثابت است، در صورتی که موی سر و صورت همواره در حال تغییر و تحول است، با آن‌که آب و غذا و هوا و محل هر دو مو، یکی است. آری! خداوند می‌تواند انسانی را ثابت و دیگران را متغیر قرار دهد.

۱. سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

۴. گاهی پرسیده می‌شود که چگونه عمر بیش از هزار سال حضرت مهدی علیه السلام را باور کنیم؟

پاسخ آن است که در آیه ۲۵۹ سوره بقره می‌خوانیم: شخصی - که به گفته روایات و تفاسیر، عزیر نام داشت - از کنار یک آبادی عبور می‌کرد که دیوارهای آن بر روی سقف‌هایش فرو ریخته بود و مشخص بود که مدتی طولانی از مرگ ساکنین آنجا و زمان تخریش می‌گذرد. با خود گفت: «خداوند چگونه ساکنین اینجا را پس از مرگشان زنده می‌کند؟»

خداوند در همان لحظه جان او را گرفت و پس از صد سال زنده کرد و به او گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز!» خداوند فرمود: «نه؛ بلکه صد سال است که در اینجا مانده‌ای. به غذا و نوشیدنی خود که همراه داشتی، نگاه کن که با گذشت سال‌ها تغییر نکرده است. به الاغ خود نگاه کن که هیچ اثری از آن باقی نمانده است. ما زنده شدن تو را نشانه و حجتی برای مردم قرار می‌دهیم. اکنون به استخوان‌های الاغ مرده خود بنگر و ببین که چگونه آن‌ها را به هم پیوند می‌دهیم و بر آن‌ها گوشت می‌پوشانیم و زندگی دوباره به آن می‌بخشیم.»

بنابر این آیه، غذا و نوشیدنی به مدت صد سال تغییر نکرد؛ در حالی که به طور طبیعی می‌بایست پس از چند روز فاسد می‌شد. صد سال برابر ۵۲۰۰ هفته است و خداوند غذایی که فقط یک هفته سالم می‌ماند را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی‌اش سالم نگاه داشت. اکنون به سراغ عمر امام زمان علیه السلام می‌رویم که هنوز حتی به حد ۲۰ برابر عمر طبیعی نرسیده است. بنابراین نه دلیل عقلی بر محدود کردن عمر انسان داریم و نه عمر طولانی، چیز محالی است.

از طرفی تعجب ما از طولانی بودن عمر به خاطر مقایسه آن با خودمان و قدرت محدود خودمان است. در حالی که نمونه‌های دیگری از طول عمر نیز در تاریخ و طبیعت وجود دارد؛ از جمله: مدت رسالت حضرت نوح علیه السلام (۹۵۰ سال)، اصحاب کهف و خواب چند صدساله آن‌ها، عمر چندین هزارساله نوعی ماهی و برخی از درختان و... آری! خداوندی که به استخوان، قدرت شنیدن و به پیه چشم، قدرت دیدن می‌دهد، می‌تواند عمر

انسان را نیز طولانی کند.

متأسفانه برخی در پذیرفتن مسائل منطقی دین، دیرباور هستند. اگر یک روزنامه خارجی گفته باشد که یک ماهی در اقیانوس اطلس پیدا شده است که سه میلیون سال عمر دارد، فوراً باور می‌کنند، اما اگر ۱۵۰ حدیث داشته باشیم که امام زمان علیه السلام زنده است و هزار و سی صد سال عمر دارد، می‌گویند: از نظر علمی نمی‌شود!

سوره لقمان

امام زمان علیه السلام، نعمت الهی

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ»^۱

«آیا ندیدید که خداوند آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، برای شما مسخر کرده، و نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما سرازیر کرده است، ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایتی و بدون هیچ کتاب روشنگری، درباره خداوند به جدال و ستیز می‌پردازند.»

نکته‌ها:

۱. نعمت‌های الهی، هم گسترده و فراوان (أَسْبَغَ)^۲، هم در دسترس بندگان (عَلَيْكُمْ) و هم متنوع (ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً) است.
۲. در این آیه، به دوگونه نعمت اشاره شده است؛ نعمت ظاهری، مانند سلامتی، رزق و روزی، زیبایی و امثال آن، و نعمت باطنی، مانند ایمان، معرفت، اطمینان، حسن خلق، امداد غیبی، علم، فطرت، ولایت و... .
۳. محمد بن زیاد آزدی گوید: از سرور خود، موسی بن جعفر علیه السلام درباره تفسیر این کلام الهی پرسیدم: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» فرمود: «نعمت ظاهر، امام ظاهر است و نعمت باطن، امام غائب». گفتم: «آیا در میان ائمه علیهم السلام کسی هست که غائب شود؟» فرمود: «آری! شخص او از دیدگان مردم غائب می‌شود، اما یاد او از قلوب مؤمنین غایب نمی‌گردد. او دوازدهمین ما امامان است. خداوند برای او هر امر سختی را آسان، و

۱. سوره لقمان، آیه ۲۰.

۲. «اسباغ» به معنای گسترانیدن و توسعه دادن است.

هر امر دشواری را هموار سازد و گنج‌های زمین را برایش آشکار کند و هر بعیدی را برای وی قریب سازد و توسط وی تمامی جباران عنود را نابود کند و هر شیطان متمرّدی را به دست وی هلاک سازد.

او فرزند سرور کنیزان است، کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده، و ذکر نامش بر آن‌ها روا نیست؛ تا آن‌گاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را پر از عدل و داد نماید؛ همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.^۱

۴. بی‌توجهی به آفریده‌ها و نقش آن‌ها در زندگی بشر، سبب سرزنش و توبیخ است.

﴿الْمُتَرَوِّا﴾

۵. تمام آفریده‌ها هدف‌مند و به خاطر بهره‌گیری انسان خلق شده‌اند. ﴿سَخَّرَ لَكُم﴾

۶. نباید از نعمت‌های باطنی خداوند غفلت کنیم و نسبت به آن‌ها بی‌توجه باشیم. ﴿الْمُتَرَوِّا... بَاطِنَةً﴾

﴿الْمُتَرَوِّا... بَاطِنَةً﴾

سوره فتح

بیعت با امام زمان (عج)

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۱

«همانا کسانی که با تو بیعت می‌کنند، در واقع با خدا بیعت می‌کنند. دست خداوند، بالای دست آنهاست. پس هرکس پیمان‌شکنی کند، به زیان خود پیمان می‌شکند و هرکس به آنچه با خداوند عهد بسته، وفا کند، خداوند به زودی پاداش بزرگی به او خواهد داد.»

نکته‌ها:

۱. «بیعت» به معنای پیمان و تعهد است. کسی که با دیگری بیعت می‌کند، گویا مال و جان خود را برای اهداف او در معرض بیع و فروش قرار می‌دهد. چنان‌که جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: «ما در روز بیعت رضوان، زیر درخت، با پیامبر اکرم (ص) برای جان-بازی و عدم فرار در جنگ‌ها بیعت بستیم.»

۲. برای بیان لطف خدا نسبت به وفاداران، در این آیه دو تعبیر آمده است: یکی ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ و دیگری ﴿أَجْرًا عَظِيمًا﴾؛ ولی برای بیان قهر خدا نسبت به پیمان‌شکنان، یک تعبیر آمده است: ﴿يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ﴾.

۳. بیعت گرفتن از مردم، منافاتی با توحید و توکل ندارد. ﴿يُبَايِعُونَكَ﴾

۴. عمل و تصمیم پیامبر (ص)، همان اراده و خواست خداوند است. پیامبر (ص) به

چیزی جز اراده الهی اقدام نمی‌کند. ﴿الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ﴾^۱
 ۵. بیعت با پیامبر ﷺ، بیعت با خداست. ﴿يُبَايِعُونَكَ ... يُبَايِعُونَ اللَّهَ﴾^۲
 ۶. رهبر مسلمانان باید در شرایط بحرانی بر وفاداری مردم اطمینان حاصل کند و از آنان مجدداً پیمان بگیرد.

۷. حمایت رهبری الهی، حمایت خداوند را در پی دارد. ﴿يُبَايِعُونَكَ... يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾^۳

۸. خداوند به حمایت کسی نیازی ندارد؛ پس باید از پیمان‌شکنی پرهیز کرد. زیرا با خدایی طرف هستیم که فوق قدرت‌هاست. ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ﴾^۴

۹. پیمان شکنی، خودشکنی است. ﴿فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ﴾^۵
 ۱۰. عاقبت خوبان و بدان را برای مردم بیان کنید تا با مقایسه سرنوشت آنها راه خود را انتخاب کنند. ﴿فَمَنْ نَكَثَ... وَ مَنْ أَوْفَى...﴾^۶

۱۱. گرچه پای‌بندی به هر تعهد و قول و قراری که خلاف شرع و قانون نباشد، لازم است و در روایات شیعه و سنی، عمل به تعهدات نشانه دین‌داری عرفی شده (لا دین لمن لا عهد له)^۱، اما وفای به چند عهد، از اهمیت بیش‌تری برخوردار است:

– عهدی که خداوند از طریق فطرت یا انبیا با انسان بسته است: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ﴾^۲

– عهدی که انسان با خدا می‌بندد: ﴿مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ﴾^۳

– عهدی که انسان با دیگران می‌بندد: ﴿وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا﴾^۴

۱. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۹۸.

۲. سوره یس، آیه ۶۰.

۳. سوره توبه، آیه ۷۵.

۴. سوره بقره، آیه ۱۷۷.

— عهد رهبر الهی با امت و بالعکس: «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ»^۱

۱۲. حضرت رسول ﷺ در روز غدیر علاوه بر حضرت علی ﷺ برای یازده امام بعدی ﷺ از جمله حضرت مهدی ﷺ نیز از مردم بیعت گرفت و فرمود: «فَأَمَرْتُ أَنْ أَخْذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضَى بِالْحَقِّ؛ از طرف خداوند مأمور شده‌ام که از شما برای علی بن ابی طالب ﷺ و امامان پس از او ﷺ که از نسل من و علی ﷺ هستند، از شما بیعت بگیرم. آنان تا روز قیامت، امام و پیشوا خواهند بود و مهدی امت من که به حق داوری می‌کند، از آنان است»^۲.

۱۳. بیعت با امام، نصب امام به امامت نیست؛ تأکید بر وفاداری با امام است.

۱۴. یکی از دعا‌هایی که در آن بر مسأله بیعت با امام زمان ﷺ تأکید شده، دعای عهد است. آن‌جا که می‌خوانیم: «اللهم انی اجدد له فی صبیحه یومی هذا عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَیْعَةً؛ خدایا من در صبح این روز با امام تجدید عهد و عقد و بیعت می‌کنم». گاهی وقت‌ها ما دعای عهد را می‌خوانیم، در حالی‌که به مضامین آن توجه نمی‌کنیم و فکر می‌کنیم عهد و عقد و بیعت به یک معناست؛ در حالی‌که این گونه نیست.

«تجدید عهد» یعنی من با حضرت مهدی ﷺ دوباره تعهد می‌بندم. «تجدید عقد» یعنی من دوباره با امام زمان ﷺ گره می‌خورم و تعهدم را محکم می‌کنم، چون عقد یعنی گره. «تجدید بیعت» یعنی من با حضرت مهدی ﷺ دوباره بیعت می‌کنم و به او سر می‌سپارم.

بنابراین، اول باید با امام زمان ﷺ تعهد ببندیم؛ بعد تعهدمان را محکم کنیم و بعد با او بیعت نماییم. مثل این‌که ابتدا باید دیوارهای ساختمانی را با آجر ساخت، سپس دیوارهایش را گچ و خاک کشید و در آخر سفیدکاری کرد.

۱۵. رسول خدا ﷺ فرمود: «خدای عز و جل در روز قیامت با سه کس سخن نخواهد گفت و نگاهشان نخواهد کرد و لیاقتشان نخواهد بخشید و آنان را به شکنجه‌ای دردناک

۱. سوره انفال، آیه ۵۶.

۲. الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۵.

گرفتار خواهد کرد. اول، مردی که به خاطر دنیا با امامی بیعت کند، پس هرگاه خواسته‌اش را از دنیا به او بدهد، به بیعتش وفادار بماند، وگرنه دست از بیعت بردارد و...»^۱

۱۶. ما باید به حضرت مهدی عج وفادار باشیم. یکی از نشانه‌های وفاداری، عمل به فرمایشات ایشان است. ایشان فرموده است: «در زمان غیبت من، در حوادثی که برای شما پیش می‌آید، به مجتهدان و علمای دین مراجعه کنید». بنابراین باید چنین کسی را که عادل و بی‌هوس است، شناسایی کنیم و دستان را در دستش بگذاریم و مطیع او باشیم.

سوره واقعه

قرآن در حکومت امام زمان علیه السلام

﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^۱
«جز پاکیزگان به آن دست نزنند.»

نکته‌ها:

۱. تلاوت الفاظ و فهم لغات قرآن، برای همه ممکن است؛ اما تماس با روح قرآن، طهارتی مخصوص می‌خواهد. قرآن مطهر است^۲ و تنها پاکان می‌توانند آن را مس کنند. لذا فرمود: «لَا يقرئه و لَا يفهمه إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، بلکه فرمود: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾؛ چون تماس، معنای خاصی دارد. چنان‌که در روایات تصریح شده که تنها مقربان درگاه الهی با قرآن تماس پیدا می‌کنند.

۲. حضرت علی علیه السلام در ضمن سخنی فرمود: «القرآن الذي عتدي لا يمسه إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ و الْأَوْصِيَاءُ من ولدي؛ به قرآنی که نزد من است، جز پاکان و جانشینان از فرزندانم به آن دست نمی‌یابند». عمر پرسید: «آیا زمان معلومی برای ظاهر کردن آن هست؟» آن حضرت فرمود: «نعم، إذا قام القائم من ولدي يظهره و يحمل الناس عليه فتجری السنة عليه»^۳ آری وقتی قائم از فرزندانم قیام کند، آن را ظاهر می‌کند و مردم را به عمل کردن به آن وادار می‌نماید و سنت طبق آن جاری می‌شود.

۳. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر و در ضمن خطبه معروف خود، پس از آنکه حضرت علی و یازده فرزند معصوم وی را جانشین خود معرفی نمود، قرآن کریم را همراه

۱. سوره واقعه، آیه ۷۹.

۲. ﴿صُحُفًا مُطَهَّرَةً﴾. سوره بینه، آیه ۲.

۳. کنز الدقائق، ج ۱، ص ۴.

همیشگی آنان خواند: «عَلَىٰ أَخِي وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَوَلِيِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ ثُمَّ تَبِعَهُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ الْقُرْآنُ مَعَهُمْ وَهُمْ مَعَ الْقُرْآنِ لَا يُفَارِقُونَهُ وَلَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّىٰ يَرِدُوا عَلَىٰ حَوْضِي».^۱

۴. امام باقر علیه السلام فرمود: «علم به کتاب خدای عزوجل و سنت پیغمبرش در دل مهدی ما رشد می‌کند؛ آن‌چنان که بهترین زراعت‌ها به بهترین وجه رشد می‌کنند».^۲

۵. در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه - که گفته شده امیرالمؤمنین علیه السلام در آن به سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده - آمده است: «يُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظَّفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ حضرت مهدی علیه السلام رأی مردم را به قرآن باز می‌گرداند، در زمانی که آن‌ها قرآن را به رأی و اندیشه [خود] مبدل کرده‌اند».

هنگامی که مردم از قرآن چشم پوشیده و امور را طبق اندیشه نادرست خود پیش برند، ایشان مردم را از به کار بستن اندیشه‌های نادرست، نهی، و به رجوع به قرآن وادار می‌دارد تا به دستور کتاب خدا رفتار کنند و مخالف آن را دور اندازند.

۶. در زمان حکومت امام زمان علیه السلام به آموزش قرآن اهمیت فراوانی داده می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ»^۳ هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، خیمه‌هایی برپا کند و قرآن را به ترتیبی که فرود آمده، به مردم بیاموزد».

۷. متأسفانه قرآن کریم در امت اسلامی مهجور مانده است؛ به گونه‌ای که خود قرآن از قول پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»^۴ «پیامبر [خدا] گفت: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند».

رابطه میان انسان و کتاب آسمانی، باید دائمی و در تمام زمینه‌ها باشد؛ زیرا کلمه

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۶۷.

۳. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

۴. سوره فرقان، آیه.

«هجر» در جایی به کار می‌رود که میان انسان و چیزی رابطه‌ای باشد، ولی از هم جدا شده باشند.^۱ بنابراین باید تلاشی همه‌جانبه داشته باشیم تا قرآن را از مهجوریت درآوریم و آن را در همه ابعاد زندگی، محور علمی و عملی خود قرار دهیم و رضایت پیامبر عزیز اسلام ﷺ را جلب کنیم.

لازم است بدانیم که نخواندن قرآن، ترجیح غیر قرآن بر آن، محور قرار ندادن آن، تدبیر نکردن در آن، تعلیم ندادنش به دیگران و عمل نکردن به آن، از مصادیق مهجور قرار دادن قرآن است. حتی اگر کسی قرآن را فرا گیرد، ولی آن را کنار گذارد و به آن نگاه نکند و تعهدی نسبت به آن نداشته باشد، او نیز قرآن را مهجور کرده است.^۲

۸. به نظرم رسید که اقرار بعضی بزرگان را درباره مهجوریت قرآن نقل کنم:

– ملاصدرا در مقدمه تفسیر سوره واقعه می‌گوید: «بسیار به مطالعه کتب حکما پرداختم تا آن‌جا که گمان کردم کسی هستم؛ ولی وقتی کمی بصیرت پیدا کردم، خودم را از علوم واقعی خالی دیدم. در آخر عمر که به فکر افتادم به سراغ تدبیر در قرآن و روایات محمد و آل محمد ﷺ بروم، یقین پیدا کردم که در طول عمر، کارم بی‌اساس بوده است؛ زیرا به جای نشستن در نور، در سایه ایستاده بودم!

از غصه جانم آتش گرفت و قلبم شعله کشید، تا وقتی که رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبیر در قرآن کردم. در خانه وحی را کویدم، درها باز شد، پرده‌ها کنار رفت و دیدم که فرشتگان به من می‌گویند: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾».^۳

– فیض کاشانی در رساله الانصاف می‌گوید: «کتاب‌ها و رساله‌ها نوشتم، تحقیقاتی کردم، ولی در هیچ‌یک از علوم، دواپی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم. بر خود ترسیدم و به سوی خدا فرار و انابه کردم تا خداوند مرا از طریق تعمق در قرآن و حدیث

۱. التحقيق في كلمات القرآن، ذیل ماده هجر.

۲. التفسیر المنیر، ج ۱۹، ص ۵.

۳. سوره زمر، آیه ۷۳.

هدایت کرد».

– امام خمینی رحمه الله در گفتاری، از این که تمام عمر خود را در راه قرآن صرف نکرده، تأسف می خورد و به حوزه ها و دانشگاه ها سفارش می کند که قرآن و ابعاد گوناگون آن را در همه رشته ها، مقصد اعلی قرار دهند تا مبادا در آخر عمر، بر ایام جوانی خود تأسف بخورند.^۱

سوره حديد

حضرت مهدی علیه السلام، احیاگر زمین با عدالت

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱

«بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می‌کند. همانا ما نشانه‌های [توحید و عظمت] را برای شما روشن کردیم، باشد که تعقل کنید.»

نکته‌ها:

۱. امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: «يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَيْمَةِ الضَّلَالِ»^۲ خداوند زمین را پس از ظهور قائم علیه السلام به واسطه عدالت او زنده می‌کند، پس از آن‌که با جور و ظلم رهبران گمراه، مرده باشد.

۲. توجه به عدالت و جایگاه والای آن، در روایات متعدد و متواتر به چشم می‌خورد. از جمله پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «عَدْلُ سَاعَةِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلِهَا وَصِيَامُ نَهَارِهَا»^۳ یک ساعت به عدالت رفتار کردن، از هفتاد سال عبادتی که روزهای آن به روزه، و شب‌های آن به احیا گذشته باشد، بهتر است.

حضرت علی علیه السلام نیز در این باره فرمود: «فِي الْعَدْلِ صَلَاحُ الْبَرِيَّةِ وَالْاِقْتِدَاءُ بِسُنَّةِ اللَّهِ»^۴ عدالت، هم به مصلحت مردم است و هم اقتدا به روش الهی. ایشان هم‌چنین فرمود:

۱. سوره حدید، آیه ۱۷.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۲۵.

۳. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۳.

۴. الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

«الْعَدْلُ حَيَاةُ الْجَوْرِ مَمَحَاتٌ»^۱ عدالت، باعث حیات جامعه و ظلم، باعث مرگ آن است.

۳. با سیری کوتاه در آیات و روایات به وضوح در می‌یابیم که فضای اسلام، فضای عدالت است. آیات و روایات فراوانی، مردم را به عدالت و پاسداری از آن، توصیه و امر کرده و از ظلم و ستم و خیانت باز داشته‌اند. اسلام، مکتب عدل و اعتدال، نظام اسلامی، نظام عادلانه و امت اسلامی، امت میانه و وسط است.

اسلام اگر نماز دارد، زکات هم دارد؛ اگر تولی و دوستی با اولیای خدا را دارد، تبری و دوری از دشمنان را هم دارد؛ اگر از علم طرفداری می‌کند، از عمل هم پشتیبانی می‌نماید؛ اگر ایمان را مطرح می‌کند، عمل صالح را هم در کنار آن لازم می‌داند؛ اگر توکل به خدا را سفارش می‌کند، دستور فعالیت و تلاش هم می‌دهد؛ اگر مالکیت را محترم می‌شمرد، اجازه سوءاستفاده از مالکیت را هم نمی‌دهد؛ اگر دستور عفو می‌دهد، در اجرای حدود، به داشتن قاطعیت نیز سفارش می‌کند و می‌گوید: «رحم در شما اثر نکند و شما را از مجازات مجرم باز ندارد».

۴. عدالت از چیزهایی است که انسان فطرتاً آن را دوست دارد. به همین دلیل، حتی ستمگران نیز ظلم خود را توجیه، و سعی می‌کنند که کار خود را عادلانه جلوه دهند. گاهی چند نفر با یک‌دیگر شریک می‌شوند و دست به یک دزدی می‌زنند، ولی بعد از آنکه اموال سرقت شده را به مکان دیگری انتقال دادند، در زمان تقسیم می‌گویند: بیا بید اموال را عادلانه تقسیم کنیم! این سخن گاهی ناخودآگاه گفته می‌شود و اگر هم به زبان نیاورند، قلباً تقسیم عادلانه را دوست دارند و اگر یکی از آنان بخواهد سهم بیش‌تری بردارد، ناراحت می‌شوند.

در همه جوامع، کسی که برای تحقق بخشیدن به عدالت، جلوی ستمگران ایستادگی می‌کند، تحسین می‌شود و این نیست مگر به خاطر آن‌که حمایت از عدل و مبارزه با ظلم،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۸.

خواسته عقلی، طبیعی و فطری هر انسانی است.

۵. وجود قوانین عادلانه، شرط لازم برای اجرای عدالت در جامعه است. شاید کم‌تر حکومتی باشد که از حق و عدالت سخن نگوید و خود را حامی حقوق و مصالح جامعه نداند. قانون باید به تمام ابعاد انسان توجه داشته باشد.

قانونی که به انسان به چشم یک موجود شهوی یا شکمی می‌نگرد، نمی‌تواند عادلانه باشد؛ زیرا برنامه‌ریزی آن بر اساس مادی‌نگری است. قانونی می‌تواند انسان را به رشد و کمال مطلوب برساند که قانون‌گذارش از هوس‌های شخصی و گروهی یا از استبداد فردی و گروهی به‌دور باشد. علاوه بر آن، باید دید قانون‌گذار طبق کدام معیار، قوانین عادلانه مقرر می‌کند و حافظ مصالح کدام طبقه و گروه است؟

بر این اساس، ما شریعت و قوانینی را که پیامبران آورده‌اند، بر قوانین بشری ترجیح می‌دهیم؛ زیرا اولاً به تمام ابعاد مادی و معنوی انسان توجه دارند و از علم و حکمت بی‌پایان الهی سرچشمه گرفته‌اند و ثانیاً قوانین آن‌ها به دنبال حفظ منافع شخصی یا گروهی نیست و از هر گونه هوا و هوس به دور هستند.

۶. در اسلام، تمام مسئولیت‌های حساس به عهده افراد عادل است؛ یعنی کسانی که سوءسابقه‌ای پیش مردم ندارند و به صلاحیت و پاکی معروف‌اند. از قاضی تا شاهد و منشی دادگاه، همه باید در هر جایگاهی که هستند، عادلانه بگویند و بنویسند. امام در نماز جمعه و جماعت باید عادل باشد. مرجع تقلید و رهبر جامعه و مسئول بیت‌المال باید عادل باشند. مسئولان و کلیدداران نظام باید فقط به خدا وابسته بوده و عدالت‌پیشه باشند تا مردم نیز با رغبت عدالت را بپذیرند.

کوتاه سخن این‌که اسلام اهمیت خاصی به عدالت داده و آن را در تاروپود جامعه و در مسائل حقوقی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی، شرط اساسی دانسته است.

۷. هدف انبیا آن است که ایمان به خدا و معاد را چنان در مردم زنده کنند و اخلاق و

طرز تفکر الهی را در تاروپود فرد و جامعه نفوذ دهند که خود مردم به عدالت برخیزند و جامعه عادلانه تشکیل دهند. قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾؛^۱ «ما پیامبران را با در دست داشتن دلایل روشن و کتاب آسمانی و معیار سنجش حق و باطل، برای مردم فرستادیم تا مردم در پرتو این رهبران و قوانین آسمانی، به عدل قیام کنند».

۸. میوه عدالت به کام کسی که عدالت به نفع اوست، بسیار شیرین است؛ ولی در کام کسی که اجرای عدالت به ضرر او تمام می‌شود، تلخ خواهد بود! لذا اسلام پیوسته مردم را متوجه جایگاه و اهمیت عدالت می‌سازد و آن‌ها را به جهاد با نفس و مبارزه با هوا و هوس دعوت می‌نماید؛ زیرا تا انسان بر تمایلات درونی و هوا و هوس خود غالب نشود، تن به عدالت نخواهد داد و زمینه‌ای برای اجرای عدالت نیز فراهم نخواهد شد.

۹. در اسلام، اجرای عدالت نه تنها درباره دوستان و مؤمنان، که درباره دشمنان در حال جنگ نیز سفارش شده است: ﴿فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ﴾؛^۲ «اگر به شما تعدی و تجاوزی صورت گرفت، تنها به همان مقدار می‌توانید مقابله به مثل کنید و با تقوا باشید».

۱. سوره حدید، آیه ۲۵.

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۳.

منزلت منتظران ظهور

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾^۱

«و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، آنان همان کسانی هستند که سر تا پا صداقت‌اند و نزد پروردگارشان گواهان‌اند، آنان پاداش و نورشان را دارند و [اما] کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اصحاب دوزخ‌اند.»

نکته‌ها:

۱. «صدیق» به کسی گفته می‌شود که سر تا پا راستی و درستی باشد، دل و زبان و عمل او یکی باشد و صداقت جزئی از خلق و خوی او شده باشد. در قرآن، این لقب به کسانی هم‌چون ابراهیم، ادريس، يوسف و مریم علیهم‌السلام داده شده؛ ولی این آیه راه صدیق شدن را به روی همه کسانی که اهل ایمان باشند، باز کرده است.
۲. ایمان به خدا و تمام انبیا نشانه صداقت انسان است. ﴿آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ... هُمُ الصَّادِقُونَ﴾
۳. برای کسانی که در دنیا از نور هدایت انبیا بهره‌مند شده‌اند، در قیامت، نوری خواهد بود. ﴿لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ﴾
۴. تشویق خوبان و تهدید بدان در کنار هم لازم است. ﴿أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ... أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾
۵. مؤمنان، هم اجر دارند و هم نور؛ ولی کافران، تنها کیفر دارند. ﴿أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ... أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ...﴾

۱. سوره حدید، آیه ۱۹.

۶. حارث بن مغیره روایت کرده است: خدمت حضرت باقر علیه السلام بودیم. ایشان فرمود: «کسانی از شما که عارف به این امر (امامت اهل بیت علیهم السلام) هستند و منتظرند و آرزوی پاداش نیک دارند، به خدا قسم مانند آن کسی هستند که به همراه قائم آل محمد علیه السلام جهاد می‌کند».

۷. سپس فرمود: «به خدا قسم مانند کسی هستند که در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شمشیر جهاد نموده است». آن‌گاه برای مرتبه سوم فرمود: «به خدا قسم مانند کسی هستند که در خیمه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به درجه شهادت رسیده است و درباره شما آیه‌ای در قرآن هست».

عرض کردم: «کدام آیه؟» ایشان این آیه را تلاوت فرمود: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ»^۱ آن‌گاه فرمود: «به خدا قسم در نزد خداوند، صادقین و شهدا محسوب می‌شوید».

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا نمی‌دانی که اگر کسی منتظر ظهور دولت ما باشد و بر ترس و آزاری که در راه پیروی از ما می‌بیند صبر کند، فردا در زمره ما خواهد بود؟»^۲

۱. الصافی، ج ۵، ص ۱۳۶.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۳۷.

سوره صف

رمز پیروزی اسلام و امام زمان علیه السلام

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱

«او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق [به سوی مردم] فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد، گرچه مشرکان آن را خوش نداشته باشند.»

نکته‌ها:

۱. آینده از آن اسلام است. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»
۲. خداوند در غیر از این آیه، سه بار وعده پیروزی اسلام بر تمام ادیان را داده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۲؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيداً»^۳ و بدون شک خداوند وعده خود را عملی می‌کند. «وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ»^۴
۳. در روایات متواتر می‌خوانیم که پیروزی اسلام بر دیگر ادیان آسمانی، در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت. حضرت علی علیه السلام فرمود: «به خداوندی که جانم در دست اوست، هیچ شهر و روستایی باقی نمی‌ماند مگر آنکه هر صبح و شام صدای اذان و شهادتین در آن شنیده خواهد شد»^۵.
- تاریخ اسلام، تحقق این آیه را به اثبات رسانده است؛ زیرا با این‌که دشمن از طریق

۱. سوره صف، آیه ۹.

۲. سوره توبه، آیه ۳۳.

۳. سوره فتح، آیه ۲۸.

۴. سوره روم، آیه ۶ و سوره حج، آیه ۴۷.

۵. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۶۷.

استهزا و اذیت و شکنجه، محاصره اقتصادی و اجتماعی، تحمیل جنگ‌ها، توطئه‌های داخلی منافقان، ایجاد تفرقه میان مسلمانان، به راه انداختن جنگ‌های صلیبی، ترویج فحشا و منکرات، استعمار نظامی و سیاسی و... لحظه‌ای کوتاهی نکرده، ولی اسلام روز به روز توسعه پیدا کرده است.

۴. رسولان با اراده الهی انتخاب می‌شوند، نه انتخاب و اراده مردم. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ»

۵. پیروزی اسلام به خاطر حقانیت آن است. «بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ»

۶. مکتب اسلام، امیدآفرین است. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»

۷. حاکمیت و غلبه‌ای ارزش دارد که کامل و دائم باشد. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»

۸. به جز اسلام، تمام ادیان، تاریخ مصرف دارند و تنها اسلام، مکتب جاودانی است.

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»

۹. عوامل پیروزی اسلام و امام زمان علیه السلام چند چیز است:

- اراده و امداد الهی «هُوَ الَّذِي»

- رهبری معصوم و لایق «رَسُولُهُ»

- نیاز طبیعی جامعه «بِالْهُدَىٰ»

- داشتن حقانیت «دِينِ الْحَقِّ»

- جامع و کامل بودن مکتب «مُتِمُّ نُورِهِ»

سورہ ملک

طولانی بودن غیبت امام زمان (عج)

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾^۱

«بگو: به من خبر دهید اگر آب [چشمه‌ها و چاه‌های] شما در زمین فرو رود، کیست آن‌که آب روان و گوارا برای شما بیاورد؟»

نکته‌ها:

۱. «غور» به معنای فرورفتن در عمق، و «مَعِين» به معنای آسان و روان است.
۲. عمار می‌گوید: به رسول خدا (ص) عرض کردم: «پدر و مادرم به فدایت! مهدی کیست؟» فرمود: «يَا عَمَّارُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَهْدَ إِلَيَّ أَنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةَ وَالتَّاسِعُ مِنْ وَلَدِهِ يَغِيبُ عَنْهُمْ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ يَكُونُ لَهُ غِيَّةٌ طَوِيلَةٌ يَرْجِعُ عَنْهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ عَلَيْهَا آخَرُونَ فَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَخْرُجُ فَيَمْلَأُ الدُّنْيَا قِسْطًا وَ عَدْلًا؛^۲ ای عمار! به درستی که خدای تبارک و تعالی با من عهد فرموده که از صلب حسین (ع) امامان نه‌گانه را بیرون آورد و نهمین فرزندش از دیدگان پنهان شود، و همین است گفتار خدای تعالی: «بگو به من خبر دهید اگر آب [چشمه‌ها و چاه‌های] شما در زمین فرو رود، کیست آن‌که آب روان و گوارا برای شما بیاورد؟». برای او غیبتی است طولانی که در آن، جمعی [از اعتقادات خود] برگردند و جمعی پایدار بمانند. چون آخر الزمان شود، وی قیام نماید و دنیا را پر از عدل و داد کند، چنان‌که پر از ظلم و جور شده باشد».

۳. امام باقر (ع) در تأویل این آیه فرمود: «این آیه درباره حضرت قائم (ع) نازل شده

۱. سوره ملک، آیه ۳۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۸.

است و می‌گوید: اگر امام شما غائب باشد و ندانید که وی کجاست، چه کسی برای شما امام ظاهر می‌فرستد که اخبار آسمان‌ها و زمین و حلال و حرام را برای شما بگوید؟^۱

۴. احتمال بروز خطر در صورت بی‌تفاوتی و غفلت، برای دوری کردن از آن کافی است. ﴿إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا﴾

۵. دست خداوند در تغییر قوانین هستی، باز است. ﴿إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا﴾

سوره قلم

خرافات جلوه دادن اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام توسط دشمنان وی

﴿إِذَا تُلِيَّ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾^۱

«هرگاه آیات ما بر آنان تلاوت شود گویند: افسانه‌های پیشینیان است.»

نکته‌ها:

۱. «اساطیر» جمع «اسطوره»، به معنای افسانه‌هایی خرافی و خیالی است که یا درباره انسان‌های اولیه یا ساخته و پرداخته ذهن آنان است.

۲. این آیه نمونه‌ای از مکرهای فرهنگی دشمنان اسلام را که برای تحقیر آموزه‌های مکتب اسلام طرح کرده‌اند، بیان می‌کند.

۳. تهمت تحجر، سنت‌گرایی و کهنه‌پرستی، از قدیمی‌ترین تهمت‌ها به مؤمنان است. ﴿أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾

۴. امام صادق علیه السلام در تبیین این آیه فرمود: «یعنی تکذیبه بالقائم إذ يقول له: لسنا نعرفك، و لست من ولد فاطمة علیها السلام كما قال المشركون لمحمد صلی الله علیه و آله؛^۲ معنی این آیه تکذیب حضرت قائم علیه السلام توسط دشمنان است. زیرا به او می‌گویند ما تو را نمی‌شناسیم و تو از اولاد فاطمه نیستی؛ همان‌طور که مشرکین به حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌گفتند.»

۵. بعضی جامعه‌شناسان امروز نیز مذهب را زاینده جهل و خرافه می‌دانند که شاید این حرف، به خاطر بعضی خرافاتی باشد که در میان اصول‌اصیل ادیان الهی، رخنه کرده است و در واقع ربطی به معارف حقیقی ندارد. البته خرافات می‌تواند در عقیده و توحید انسان اثر بگذارد. نسل بشر در طول تاریخ به خاطر خرافات، بسیار تاوان داده است. زمانی

۱. سوره قلم، آیه ۱۵.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۰۵.

دختران را زنده به گور می‌کردند و چه خانواده‌هایی که به خاطر خرافه‌ها از هم پاشیده شدند.

۶. این را هم باید دانست که خرافات در بستر جهل، نادانی، تلقین، آداب و رسوم غلط، افکار نابه‌جای نیاکان، تبلیغات دروغین، توطئه استعمارگران و رندان، سادگی مردم، دور بودن از علمای ربّانی و نداشتن تکیه‌گاه اعتقادی رشد می‌کند. در عرصه مهدویت هم خرافاتی وجود دارد که اساس دینی و قرآنی ندارد.

۷. وظیفه ما این است که هرگاه با فکر، شعار، پیشنهاد یا عادت و رسومی برخورد کردیم، آن را با کمک علمای باتقوا و بی‌هوس، به قرآن و حدیث و عقل و علم و تجربه عرضه کنیم و صحت آن را بسنجیم.

۸. باید مراقب بود که اصول و حقایق مسلم و مستند دین، به نام خرافه، کوبیده نشود. هر چیزی که خدا یا ولیّ خدا از آن خبر دهند و ما آن را نفهمیم، خرافه نیست؛ زیرا برخی از آموزه‌های دین، فوق عقل ماست و حساب فوق عقل با ضد عقل جداست.

سوره مدثر

سیره حضرت مهدی علیه السلام در پوشش﴿وَتِيَابَكَ فَطَهَّرْ﴾^۱

«و لباست را پاکیزه دار.»

نکته‌ها:

۱. امام صادق علیه السلام در ضمن سخنی، منظور از این آیه را کوتاه کردن لباس بیان فرموده اند؛^۲ زیرا در جاهلیت، اشراف و بزرگان، لباسشان را به قدری بلند می‌گرفتند که قسمتی از آن بر روی زمین کشیده شود و افرادی را اجیر می‌کردند که آن قسمت را همراه آن‌ها بیاورد!

۲. شرط نفوذ کلام رهبر آسمانی، آن است که دامنش از هرگونه آلودگی پاک باشد.

﴿وَتِيَابَكَ فَطَهَّرْ﴾

۳. نه فقط پاکی بدن، بلکه نظافت و پاکیزگی لباس نیز مورد توجه اسلام است.

﴿وَتِيَابَكَ فَطَهَّرْ﴾

۴. امام صادق علیه السلام بعد از بیان کیفیت لباس حضرت علی علیه السلام و سادگی آن فرمود: «اما امروزه مسلمانان قادر بر پوشیدن چنین لباسی نیستند؛ زیرا اگر چنین کنند، مردم می‌گویند که او دیوانه شده یا اهل ریاکاری است، در حالی که خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَتِيَابَكَ فَطَهَّرْ﴾، یعنی لباست را از روی زمین بلند کن و آن را روی زمین نکش. هنگامی که قائم ما قیام کند، این‌گونه لباس می‌پوشد».^۳

۱. سوره مدثر، آیه ۴.

۲. کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۱۴.

۳. الکافی، ج ۶، ص ۴۵۵.

این مطلب را فردی به نام حماد بن عثمان نیز نقل کرده است. او می‌گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت عرض کرد: «خدا اصلاحت کند! شما فرمودی که علی بن ابی طالب علیه السلام لباس زیر و خشن در بر می‌کرد و پیراهن چهار درهمی می‌پوشید و مانند این‌ها، در صورتی که بر تن شما لباس نو می‌پینیم!»

حضرت به او فرمود: «همانا علی بن ابی طالب علیه السلام آن لباس‌ها را در زمانی می‌پوشید که بدنما نبود، و اگر آن لباس را این زمان می‌پوشید به بدی انگشت‌نما می‌شد. پس بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن زمان است. ولی قائم ما اهل بیت علیهم السلام زمانی که قیام کند، همان جامه علی علیه السلام را می‌پوشد و به روش علی علیه السلام رفتار می‌کند».^۱

۵. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَ اللَّهُ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبُ»^۲ چرا به فرارسیدن خروج حضرت قائم علیه السلام شتاب می‌کنید؟ به خدا قسم، لباس او جز جامه درشت و خشن، و غذایش جز خوراک ناگوار و ناخوش نخواهد بود».

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۳.

سوره فجر

امام زمان علیه السلام، فجر واقعی

﴿وَالْفَجْرِ﴾^۱

«سوگند به سپیده‌دم»

نکته‌ها:

۱. «فجر» به معنای شکافتن است و مراد از آن در این آیه، شکافتن تاریکی شب با سپیده‌دم است که زمان مقدس و باارزشی است و در آن هنگام، جنبنده‌ها به تکاپو می‌افتند و صبح و روز تازه‌ای را آغاز می‌کنند.
۲. زمان، مقدس و قابل سوگند است. ﴿وَالْفَجْرِ﴾
۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام مراد از فجر، حضرت مهدی علیه السلام عنوان شده است: ﴿الفجر هو القائم﴾^۲ چراکه شب تاریک ظلم و فساد، به صبح قیام آن حضرت، برچیده خواهد شد.

۱. سوره فجر، آیه ۱.

۲. تأویل الآیات، ج ۲، ص ۷۹۲.

سوره قدر

شب قدر، اثبات‌گر وجود امام زمان علیه السلام

﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾^۱

«در آن شب، فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان برای انجام هر کاری فرود آیند.»

نکته‌ها:

۱. از مضمون روایاتی که درباره سوره قدر وارده شده‌اند، استفاده می‌شود که فرود فرشتگان در شب قدر تنها مربوط به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ بلکه هر سال تکرار می‌شود. از جناب ابوذر روایت شده است: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: «از لیلہ القدر برایم بگویید. آیا فقط در زمان پیامبران بوده که وحی بر آنها نازل می‌شده است و وقتی از دنیا رفته‌اند، دیگر شب قدری نیست یا این‌که تا روز قیامت، این شب در هر سالی خواهد بود؟» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «شب قدر تا روز قیامت خواهد بود».^۲

۲. فرشتگان هر سال در شب قدر نازل می‌شوند و البته شکی نیست که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ایشان نازل می‌شده‌اند؛ اما سؤال این است که با توجه به این‌که در هر سال شب قدر وجود دارد، ملائکه پس از رحلت آن حضرت بر چه کسی نازل می‌شوند؟

روشن است که هرکسی نمی‌تواند میزبان فرشتگان الهی باشد و باید بر کسی نازل شوند که در کمالات، نزدیک‌ترین فرد به خدا و رسول او باشد؛ زیرا اگرچه اوامر الهی برای رشد و هدایت همه مردم صادر و نازل شده، ولی جایگاه نزول آن، قلوب پاک مردان برگزیده بوده است. کما این‌که در آیه ۴۱ سوره زمر به این نکته تصریح شده است: ﴿إِنَّا

۱. سوره قدر، آیه ۴.

۲. الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۲.

أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ».

همان طور که ملاحظه می فرمایید اگرچه کتاب برای استفاده و هدایت همگان نازل شده (لِلنَّاسِ)، ولی محل نزول آن، قلب مطهر محمد مصطفی ﷺ است (عَلَيْكَ). پس از ایشان نیز، طبق فرموده پیامبر خدا ﷺ، قلب امامان دوازده گانه معصوم محل نزول فرشتگان خواهد بود؛ زیرا ایشان فرمود: «آمِنُوا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ إِنَّمَا تَكُونُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ لِوَلَدِهِ الْأَحَدَ عَشَرَ مِنْ بَعْدِي»^۱ به ليله القدر ایمان آورید که آن بعد از من مخصوص علی بن ابی-طالب ﷺ و یازده فرزند اوست».

۳. مجموع روایاتی که وجود شب قدر تا روز قیامت و نیز لزوم امام و حجتی که در آن شب فرشته ها بر او نازل شوند را تبیین می کنند، هم جایگاه والای امامت و هم لزوم امام زنده و معصوم را در هر زمان اثبات می کنند. چنین فردی در زمان ما، امام دوازدهم، حضرت مهدی ﷺ می باشد که در سال ۲۵۵ قمری متولد شده است و فرشتگان پس از شهادت پدر بزرگوارشان، امام حسن عسکری ﷺ، در شب قدر شرف یاب محضر ایشان می شوند.

«فهرست منابع»

۱. قرآن کریم.
۲. امام امیرالمؤمنین، گردآوری: رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم: انتشارات دارالهجرة، بی تا.
۳. امام عسکری علیه السلام، ابو محمد حسن بن علی علیه السلام، تفسیر الامام العسکری، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۴. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۵. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، تبریز: انتشارات مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۸. بحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۹. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.

۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۲۵ق.
۱۳. _____، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۴. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۵. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، تأویل الآیات، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. حکیمی، محمدرضا، الحیة، مترجم: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۱۷. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الاثر، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۱۸. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، بی جا: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی جا: مکتبه رضویه، بی تا.
۲۰. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۱. شوشتری، نور الله، احقاق الحق، قم: مکتبه آیت الله المرعشی، بی تا.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم: مرکز نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی، ۱۳۹۱ش.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین، الامالی، بی جا: انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۲۴. _____، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۲۵. _____، ثواب الاعمال، قم: انتشارات شریف رضی،

- ۱۳۶۴ ش.
۲۶. _____ ، عیون أخبار الرضا علیه السلام ، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲۷. _____ ، کمال الدین و تمام النعمة، قم: دار الکتب الاسلامیہ، ۱۳۹۷ ق.
۲۸. _____ ، معانی الأخبار، قم: انتشارات جامعہ مدرسین، ۱۳۶۱ ش.
۲۹. _____ ، من لا یحضرہ الفقیہ، قم: انتشارات جامعہ مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سید محمد باقر موسوی ہمدانی، قم: انتشارات جامعہ مدرسین، ش.
۳۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ش.
۳۳. _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۴. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشارۃ المصطفی لشیعۃ المرتضی، نجف: المکتبۃ الحیدریۃ، ۱۳۸۳ ق.
۳۵. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الإمامۃ، قم: مؤسسۃ البعثۃ، ۱۴۱۳ ق.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۷. _____ ، الغیۃ، قم: مؤسسہ معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۳۸. طب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام،

- ۱۳۷۸ ش.
۳۹. عروسی حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۴۱. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۴۲. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۴۳. قرائتی، محسن، پرتوی از نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۴۴. _____، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹ ش.
۴۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، محقق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۴۶. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم: انتشارات فاطمة الزهراء (ع)، ۱۳۸۹ ش.
۴۷. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، کنز الدقائق، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۴۸. کریمی جهرمی، علی، عنایات حضرت مهدی (عج)، تبریز: انتشارات نور ولایت، ۱۳۸۳ ش.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ش.
۵۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۵۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم: انتشارات انصاریان، ۱۴۲۴ ق.
۵۲. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸ ش.
۵۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۵۵. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، مترجم: سید جلال‌الدین مجتبوی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۷ ش.
۵۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران: مکتبه صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۵۷. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.